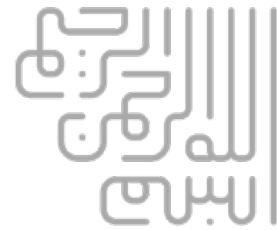


مطالعه و بررسی راهبردها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی آمریکا برای نوجوانان و جوانان غرب آسیا و شمال آفریقا



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۶/۳۰
Publish Date : 2026/9/21



عنوان: مطالعه و بررسی راهبردها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی آمریکا برای نوجوانان و جوانان غرب آسیا و شمال آفریقا
تهیه و تدوین (Author): مهدی همتی
واژه‌های کلیدی: جوانان، نوجوانان، برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، دولت آمریکا، غرب آسیا و شمال آفریقا
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21942>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11998.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: مطالعه و بررسی راهبردها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی آمریکا برای نوجوانان و جوانان غرب آسیا و شمال آفریقا

نوع گزارش: طرح / لایحه ☐، نظارتی ☐، راهبردی ☒، پیش‌نویس قانونی ☐

نام دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه نوجوانان و جوانان)

مدیر مطالعه: بهزاد خلیلی

ناظر علمی: موسی بیات

اظهار نظر کنندگان داخل مرکز: شعیب امامی (پژوهشگر گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی)، حسین نصیری (مدیر گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)، اکرم باجلان (مدیر گروه زنان و خانواده)، سعید شفیعا (مدیر گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)، محمدصادق عبداللهی (مدیر گروه آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای)، سینا عصاره‌نژاد (مدیر گروه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف)، محمد امین قاسمی پیربلوطی (گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلق)

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: احمد رهدار (عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم (ع))، محمدباقر خرمشاد (معاون سیاسی وزیر کشور در دولت سیزدهم، رئیس اسبق سازمان فرهنگ و ارتباطات ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره))، هادی آجیلی (رایزن فرهنگی سابق سفارت ایران در تونس و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره))

گرافیک و صفحه آرایی: سیده فاطمه ابوطالبی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. روش‌شناسی.....	۱۰
۳. یافته‌ها.....	۱۱
۳-۱. راهبرد اول: تربیت و شبکه‌سازی راهبران آینده جهان.....	۱۲
۳-۲. راهبرد دوم: گسترش آموزش عالی آمریکایی در منطقه.....	۲۰
۳-۳. راهبرد سوم: دیپلماسی فرهنگی (سنتی و رقومی (دیجیتال)).....	۲۷
۳-۴. راهبرد چهارم: توانمندسازی اقتصادی و کارآفرینی جوانان.....	۳۳
۳-۵. الگوی نهادی و معرفی نهادها.....	۳۵
۴. جمع‌بندی.....	۴۲
۴-۱. شرایط لازم برای بهره‌گیری از اهرم آموزش جوانان برای قدرت نرم.....	۴۲
۴-۲. منطق تعاملی چهار راهبرد: از شناسایی استعداد تا تثبیت شبکه.....	۴۳
منابع و مآخذ.....	۴۹

فهرست جداول

جدول ۱. برنامه آیلپ در یک نگاه.....	۱۵
جدول ۲. برنامه‌های راهبرد تربیت و شبکه‌سازی رهبران.....	۱۹
جدول ۳. مقایسه تطبیقی دانشگاه‌های آمریکایی در عراق.....	۲۴
جدول ۴. برنامه‌های مندرج ذیل راهبرد سوم.....	۳۲
جدول ۵. برنامه‌های مندرج ذیل راهبرد چهارم.....	۳۴

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. مدل کلان ساختار شبکه‌ای حاکم در پیشبرد طرح‌های فرهنگی آموزشی آمریکا در منطقه.....	۴۱
شکل ۲. شرایط اساسی برای استفاده از آموزش به‌مثابه قدرت نرم.....	۴۳
شکل ۳. منطق تعاملی چهار راهبرد: از شناسایی استعداد تا تثبیت شبکه.....	۴۵



مطالعه و بررسی راهبردها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی آمریکا برای نوجوانان و جوانان غرب آسیا و شمال آفریقا

چکیده



دولت آمریکا از اواسط قرن بیستم، با پشتوانه تحولات پساجنگ جهانی دوم و قوانینی مانند قانون فولبرایت شبکه‌ای از برنامه‌های آموزشی و فرهنگی را با محوریت نسل نوجوان و جوان طراحی و اجرا کرده که هدف ضمنی آن، شکل‌دهی به هویت و تربیت راهبران آینده و جریان‌سازی کلان فرهنگی در جوامع منطقه است. این مطالعه از رهگذر بررسی تطبیقی و تحلیل چارچوبی برنامه‌های نهادهای آمریکایی اعم از دولتی و غیردولتی در منطقه انجام شده است.

این برنامه‌ها ذیل چهار راهبرد اصلی سازماندهی شده‌اند:

نخست، پرورش و شبکه‌سازی رهبران جوان که از سنین دبیرستان آغاز می‌شود و طی سه رکن مهندسی هویت نوجوان، کادرسازی راهبری در مقطع دانشگاه و اتصال حرفه‌ای رهبران میانی، یک سیر پیوسته نخبه‌پروری را شکل می‌دهد؛

دوم، گسترش آموزش عالی از طریق دانشگاه‌های آمریکایی و طراحی بورسیه‌هایی که جریان تحصیلی را مدیریت می‌کند؛

سوم، دیپلماسی فرهنگی با بهره‌گیری از هنر، ورزش و سکوها رقومی (دیجیتال) که از مسیرهای سنتی و مدرن، روایت مطلوب آمریکایی را نهادینه می‌سازد؛

چهارم، توانمندسازی اقتصادی و کارآفرینی جوانان که مکمل این راهبردهاست.

این چهار راهبرد، یک بسته جامع متناسب با نیازهای مخاطبان تشکیل می‌دهند و الگوهای تکرارشونده‌ای مانند اقامت در خانواده میزبان، اولویت‌دهی به افراد فاقد تجربه قبلی از آمریکا، الزام به اجرای طرح اجتماعی و تفکیک سیاستگذاری دولتی از اجرای غیردولتی در سراسر این زیست‌بوم مشاهده می‌شود.

پیشنهاد گزارش، طراحی یک زیست‌بوم شبکه‌ای منسجم برای سیاستگذاری و راهبری در حوزه جوانان منطقه است که در آن، سیر پیوسته نخبه‌پروری و طراحی جامع برنامه‌ها، توسط یک الگوی شبکه‌ای جایگزین رویدادهای پراکنده ایجاد شود.



بیان / شرح مسئله

غرب آسیا و شمال آفریقا به دلیل موقعیت جغرافیایی و منابع انرژی، همواره عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. ایالات متحده پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم، با قوانینی مانند فولبرایت به این جمع‌بندی رسید که تسلط بلندمدت بر این پهنه تمدنی، بدون نفوذ در لایه‌های نرم اجتماعی و شبکه‌سازی هدفمند نخبگان جوان ممکن نیست. از این رو، برنامه‌های گسترده آموزشی و فرهنگی با محوریت نوجوانان و جوانان، با بودجه‌های دولتی و از طریق نهادهای غیردولتی طراحی و اجرا شد.

شناخت دقیق تاریخچه، اهداف، گروه‌های مخاطب، شیوه‌های اجرا و الگوی نهادی پشتیبان این راهبردها برای سیاستگذاران کشور ضروری است. زیرا بدون این اشراف، طراحی راهبردهای متناسب برای مواجهه فعالانه با این تقابل تمدنی ممکن نخواهد بود. پژوهش حاضر با تمرکز بر ایالات متحده و نهادهای تابعه آن، این پرسش اصلی را دنبال می‌کند که: «دولت آمریکا چه راهبردها، برنامه‌ها، طرح‌های فرهنگی-آموزشی خاصی را با محوریت نسل نوجوان و جوان در عرصه فراملی طراحی و با چه سازوکاری اجرا کرده است؟» پاسخ به این پرسش، هم امکان شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف سیاست‌های ایالت متحده را فراهم می‌آورد و هم زمینه طراحی فعالانه و تصمیم‌گیری آگاهانه نهادهای ایرانی را در قبال این مقوله مهم مهیا می‌سازد.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

یافته‌های گزارش در خصوص راهبردهای کلان آمریکا که برنامه‌های مختلف ذیل آنها اجرا می‌شوند عبارت‌اند از:

- **نخست**، پرورش و شبکه‌سازی رهبران آینده، از مسیر یک بسته برنامه‌ای سه رکنی، نوجوانان مستعد را از ۱۵ سالگی شناسایی کرده و با اقامت در خانواده‌های آمریکایی و آموزش راهبری، آنان را به ارکان مدیریتی همسو در جوامع خود تبدیل می‌کند.
- **دوم**، گسترش آموزش عالی آمریکایی، با ایجاد شبکه‌ای از دانشگاه‌های آمریکایی، زیرساخت دائمی برای تربیت نخبگان منطقه براساس مدل هنرهای آزاد فراهم آورده و با بورسیه‌هایی مانند فولبرایت جریان پیوسته جذب استعدادها را مدیریت می‌کند.
- **سوم**، دیپلماسی فرهنگی سنتی و دیجیتال، با استفاده از هنر، موسیقی، ورزش و سکوه‌های رقومی، ارزش‌ها و سبک زندگی آمریکایی را در لایه‌های فرهنگی منطقه نهادینه می‌کند.
- **چهارم**، توانمندسازی اقتصادی و کارآفرینی، با آموزش مهارت‌های شغلی و حمایت از کسب و کارهای خرد، وابستگی اقتصادی جوانان به زیست‌بوم غرب را تثبیت کرده و چرخه نخبه‌پروری را تکمیل می‌کند، اما از جهت سایر مؤلفه‌های مهم سیاستی یافته‌های ذیل استخراج شده‌اند، مانند:

الف) اولویت مخاطبان

- تمرکز اصلی بر نوجوانان دبیرستانی (۱۵ تا ۱۸ سال) و دانشجویان کارشناسی (۱۸ تا ۲۵ سال) و نخبگان فارغ‌التحصیل جوان زن و مرد که مستعد اداره جوامع، مشارکت مدنی و حل مسئله اجتماعی هستند.
- توجه ویژه به گروه‌های جریان‌ساز فراتر از دانشجویان شامل زنان دارای استعداد راهبری، پژوهشگران دانشگاهی، نویسندگان، موسیقی‌دانان و ورزشکاران.
- اولویت‌دهی به افراد فاقد تجربه قبلی سفر یا تحصیل در آمریکا با هدف خلق شبکه جدید، نه باز دعوت شبکه مرتبطان قدیمی با آمریکا.

ب) گستره جغرافیایی

- دسته‌بندی کشورها ذیل یک چارچوب واحد مانند غرب آسیا و شمال آفریقا، اما بدون پوشش یکسان همه کشورها در همه برنامه‌ها.



- طراحی طرح‌های اختصاصی و ویژه برای کشورهای اولویت‌دار به‌ویژه عراق مانند آیلپ، برنامه محققان عراق،
- تداوم برنامه‌های کوتاه‌مدت مانند «بازدیدکنندگان بین‌المللی راهبری» حتی در کشورهای دارای تنش سیاسی، اما توقف برنامه‌های بلندمدت اقامتی در کشورهای دچار بی‌ثباتی امنیتی حاد.

ج) الگوهای طراحی و اجرا

- استفاده گسترده از دانشگاه‌های آمریکایی داخلی و منطقه‌ای در طراحی، میزبانی و اجرای برنامه‌ها.
- نقش فعال سفارت‌های آمریکا در شناسایی، جذب و گزینش مخاطبان و جایگزینی فراخوان عمومی با انتخاب مستقیم.
- واگذاری اجرا به سازمان‌های غیردولتی برای کاهش ردپای مستقیم دولت و افزایش مقبولیت.
- بهره‌گیری از فضای مجازی و فناوری برای ایجاد و حفظ شبکه‌های پایدار.
- طراحی گروه پایه برنامه‌ها برای تقویت حس تعلق جمعی و شبکه‌سازی میان شرکت‌کنندگان.
- تنوع در گزینه‌های سیاستی زمانی و مالی متناسب با گروه هدف از برنامه‌های فشرده دوهفته‌ای تا کمک هزینه‌های تحصیلی چهارساله.

د) ابزارهای ایجاد انس و تأثیرگذاری

- اقامت در خانواده‌های میزبان آمریکایی به‌عنوان ابزار اصلی همزیستی و ایجاد پیوند عاطفی عمیق.
- طراحی اقامت‌های متنوع جغرافیایی در ایالت‌های مختلف آمریکا برای نمایش گستره فرهنگی و اجتماعی این کشور.
- الحاق هم‌تایان آمریکایی به گروه‌های شرکت‌کننده برای فعال‌سازی تعامل دوسویه و یادگیری همتا به همتا.
- الزام به طراحی و اجرای طرح اجتماعی واقعی در کشور خود پس از بازگشت برای تبدیل مخاطب از دریافت‌کننده منفعل به کنشگر فعال.
- بهره‌گیری از ظرفیت عرب‌زبان مقیم آمریکا برای دورزدن مانع زبان انگلیسی در برنامه‌هایی مانند نسخه عرب‌زبان آیلپ.

ه) زبان، ارزش‌ها و شبکه‌سازی

- آموزش زبان انگلیسی نه به‌عنوان یک مهارت خنثی، بلکه به‌عنوان پیش‌نیاز ورود به زیست‌بوم فکری، علمی و اقتصادی غرب.
- تأکید مکرر بر ارزش‌های شهروندی مسئول، مشارکت مدنی و تفکر انتقادی به‌عنوان جایگزین آموزش مستقیم سیاسی.
- اهتمام جدی به ایجاد و حفظ شبکه‌های فارغ‌التحصیلان مجهز به صندوق‌های مالی، کارگاه‌های پیشرفته و رویدادهای شبکه‌سازی.
- هماهنگی فعالیت‌های شبکه‌های فارغ‌التحصیلان با سفارت‌های آمریکا برای حفظ ارتباط با بدنه سیاست خارجی آمریکا.

نگاشت نهادی: برنامه‌ها بر زیست‌بومی سه‌ضلعی و غیرمتمرکز استوارند. در لایه سیاستگذاری و تأمین مالی، دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا با اتکا به بودجه کنگره (بیش از ۷۲۰ میلیون دلار در ۲۰۲۵)، اولویت‌ها و منابع را تعیین می‌کند و اجرای غالباً به پیمانکاران غیرانتفاعی، از فولبرایت و بنیاد یادگیری جهانی تا آمپدیست، واگذار می‌شود. این نهادها ضمن اجرای برنامه‌ها، از طریق همکاری‌های افقی و تقسیم کار تخصصی، با تأمین مالی ترکیبی پایداری خود را حفظ می‌کنند. در لایه میدانی نیز سفارت‌ها در مواردی جذب و گزینش و دانشگاه‌های منطقه میزبانی و اجرا را برعهده دارند. این معماری، کنترل راهبردی دولت را حفظ و با برون‌سپاری اجرا، چابکی و مقبولیت برنامه‌ها را افزایش می‌دهد.

ارائه پیشنهادها

- ایجاد کانون سیاستگذاری و هماهنگی فرابخشی برای مدیریت منسجم کنشگری فراملی جوانان.
- تفکیک سیاستگذاری از اجرا و واگذاری عملیات به شبکه دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی.
- تأسیس نهادهای تخصصی غیرانتفاعی برون‌مرزی برای جذب و تربیت نخبگان و جریان‌سازی منطقه‌ای.
- طراحی مسیر پیوسته پرورش مخاطبان از شناسایی تا کنشگری حرفه‌ای.
- انعطاف‌پذیری برنامه‌ها متناسب با اقتضائات فرهنگی، زبانی و سنی کشورهای هدف.

- حفظ ارتباط بلندمدت با مخاطبان از طریق شبکه فارغ التحصیلان و بسترهای رقومی.
- بازتعریف رشته‌های آموزش عالی برای جذب و بورسیه بلندمدت نخبگان جهانی.
- تمرکز برنامه‌های فراملی بر جذب و پرورش نخبگان مستعد رهبری، همسو با منافع ملی و گفتمان انقلاب اسلامی.
- اولویت‌بخشی به کشورهای راهبردی منطقه، به‌ویژه در دیپلماسی آموزشی.

۱. مقدمه

منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به دلیل موقعیت راهبردی، ذخایر انرژی و پیشینه تمدنی، همواره عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ بوده و حفظ نفوذ در آن، از اولویت‌های ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از این قدرت‌ها به شمار می‌رود [۱]. دولت آمریکا به عنوان قدرت مهم سلطه‌گر در نظم پساجنگ جهانی دوم، حضور مستقیم نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را در این منطقه شکل داد؛ اما به سرعت دریافت که تسلط کامل بر این پهنه تمدنی، بدون نفوذ نرم و شبکه‌سازی هدفمند در میان نخبگان و به‌ویژه نسل نوجوان و جوان کشورهای منطقه میسر نخواهد شد [۲]. از این رو، از دهه‌های میانی قرن بیستم، دستگاه سیاست خارجی و نهادهای وابسته به ایالات متحده، برنامه‌های چندلایه‌ای را برای ورود نرم به زیست فرهنگی و آموزشی جوانان طراحی و قوانینی (مانند فولبرایت) را در کنگره تصویب و اجرا کرده‌اند [۱]. اهمیت راهبردی نسل نوجوان و جوان برای ایالات متحده، نه یک تحلیل غیررسمی که یک دکترین حقوقی و سیاستی تثبیت شده در آمریکاست. این اولویت در دو سطح قابل ردیابی است:

در سطح قانونگذاری، علاوه بر قوانین اولیه فولبرایت و اسمیت-مانت در دهه ۴۰ میلادی، الحاقیه سال ۲۰۰۴ به قانون فولبرایت-هیز صراحتاً ایالات متحده را متعهد به «سرمایه‌گذاری بلندمدت و پایدار در ترویج تعامل با جوانان در کشورهای با جمعیت عمدتاً مسلمان» کرده و برنامه‌های تبادل را به مثابه بخشی از راهبرد امنیت ملی بازتعریف کرده است [۳].

در سطح راهبردی، سند «راهبرد جهانی ایالات متحده برای توانمندسازی دختران نوجوان» (۲۰۲۴) نوجوانی را «مرحله‌ای کلیدی» توصیف کرده که سرمایه‌گذاری بر روی آن، با بازده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چند برابری، «از بهترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری برای دولت آمریکا» محسوب می‌شود [۴]. بنابراین توجه آمریکا به دیپلماسی فرهنگی جوانان و بهره‌گیری از ابزارهای نرم همچون آموزش، رسانه و برنامه‌های هویت‌ساز، به یکی از ارکان اصلی راهبرد منطقه‌ای آن بدل شده است [۱].

جمهوری اسلامی ایران در این منطقه راهبردی به عنوان یکی از ارکان نظم نوین جهانی، آماج مستقیم این راهبرد نرم قرار دارد. بدیهی است، بدون شناخت دقیق و جامع از تاریخچه، اهداف، گروه‌های مخاطب، شیوه‌های اجرا و گستره فراگیری مخاطبان و برنامه‌های فرهنگی-آموزشی آمریکا، سیاستگذاران کشور قادر نخواهند بود راهبردهایی متناسب، تهاجمی و تعیین‌کننده برای مواجهه با این هجمه تمدنی تعریف کنند.

در همین راستا، پژوهش حاضر با تمرکز بر ایالات متحده آمریکا و نهادهای تابعه آن، این پرسش اصلی را دنبال می‌کند که «دولت آمریکا چه راهبردها و برنامه‌های فرهنگی-آموزشی خاصی را با محوریت نسل نوجوان و جوان در عرصه فراملی طراحی و با چه سازوکاری اجرا کرده است؟» پاسخ به این پرسش، هم امکان شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف سیاست‌های دشمن را فراهم می‌آورد و هم زمینه طراحی فعالانه و تصمیم‌گیری آگاهانه نهادهای ایرانی را در برابر موج نفوذ نرم مهیا می‌سازد.



۲. روش‌شناسی



پژوهش حاضر با هدف شناسایی، توصیف و صورت‌بندی راهبردهای کلان ایالات متحده در حوزه نفوذ آموزشی و فرهنگی بر نسل نوجوان و جوان در منطقه، از یک رویکرد کیفی با طرح «تحلیل چارچوبی اسنادی»^۱ بهره برده است. این روش که به‌طور خاص برای تحقیقات سیاست‌محور کاربرد دارد [۵]، امکان تحلیل نظام‌مند حجم وسیعی از داده‌های متنی ناهمگون را از طریق ماتریس تحلیلی ساختاریافته فراهم می‌کند [۶]. پرسش محوری این پژوهش عبارت بود از: «دولت ایالات متحده چه راهبردها و برنامه‌های فرهنگی-آموزشی خاصی را با محوریت نسل نوجوان و جوان منطقه طراحی و اجرا کرده است؟» برای پاسخ، یک چارچوب مفهومی اولیه^۲ مشتمل بر چهار مؤلفه اصلی تدوین شد که مؤلف از پرسش پژوهش و ادبیات نظری موجود در دانش مدیریت و سیاستگذاری استخراج کرده است:

الف) مشخصات طراحی راهبردی اهداف:^۳ اهداف اعلامی و اعمالی؛

ب) طراحی مسیر اجرایی:^۴ سازوکار عملیاتی، مدت، مکان و نهادهای متولی،

ج) جامعه هدف:^۵ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، معیارهای گزینش،

د) گستره جغرافیایی و نتایج و پیامدها:^۶ خروجی‌های مورد انتظار، سازوکارهای حفظ ارتباط بلندمدت.

این چارچوب، مبنای کدگذاری داده‌ها قرار گرفت؛ رویکردی که در ادبیات روش‌شناسی پژوهش «کدگذاری قیاسی»^۷ نامیده می‌شود [۷]. گردآوری داده‌های این پژوهش منحصر از اسناد و پایگاه‌های رسمی و غیرمحرمانه گردآوری شده است. سپس در دو لایه «نهاد» و «برنامه» سازماندهی شد.

در لایه نخست، پس از شناسایی نهادهای کلیدی از طریق روش گلوله‌برفی، جست‌وجو تا جایی ادامه یافت که نهاد جدیدی با مأموریت مستقیم در حوزه آموزشی و فرهنگی جوانان منطقه یافت نشد.

در لایه دوم، برنامه‌های این نهادها با سه معیار شمول استخراج شدند:

الف) هدف‌گیری سنین ۱۵ تا ۴۰ سال،

ب) تأمین مالی یا مدیریت توسط نهاد دولتی آمریکا یا شریک اصلی غیرانتفاعی آن،

ج) دارا بودن فرایند گزینش مشخص. پژوهش حاضر با توجه به ماهیت گزارش سیاستی خود، رسیدن به **اشباع نسبی** را در دو سطح مدنظر قرار داد: در سطح نهادی، نهاد جدیدی با معیارهای ورود شناسایی نشد؛ در سطح برنامه‌ای، برنامه‌های جدید صرفاً مصادیق تازه‌ای برای مقولات موجود فراهم می‌کردند و سازوکار یا ماهیت جدیدی عرضه نمی‌نمودند.

تحلیل داده‌ها در پنج گام متوالی و براساس دستورالعمل‌های استاندارد تحلیل کیفی چارچوبی [۵] و [۶] انجام شد:

۱- آشنایی با داده‌ها.^۸

۲- کدگذاری قیاسی با استفاده از چارچوب چهار مؤلفه‌ای (مشخصات راهبردی، طراحی اجرایی، جامعه هدف، خروجی‌های مورد انتظار).

۳- تشکیل جدول تحلیلی یا جدول‌بندی.^۹

1. Documentary Framework Analysis
2. Initial Conceptual Framework
3. Strategic Profile
4. Program Design
5. Target Population
6. Outcomes and Impact
7. Deductive Coding
8. Familiarization
9. Charting / Matrix Building

با توجه به تنوع نهادی و موضوعی برنامه‌های مورد بررسی، به جای ایجاد یک ابرجدول، فرایند جدول‌بندی به صورت مرحله‌ای و موضوعی انجام شد. بدین صورت که برای هر برنامه یا گروهی از برنامه‌های مشابه، یک کاربرگ خلاصه‌سازی^۱ براساس مقولات چهارگانه چارچوب تشکیل شد. سپس، این کاربرگ‌ها در قالب جداول تطبیقی بزرگ‌تر (مانند جدول مقایسه برنامه‌های یک راهبرد خاص) در کنار یکدیگر قرار گرفتند و امکان مقایسه را فراهم ساختند.

۴- شناسایی الگوهای فرابخشی که معرف رویکرد مکمل استقرایی این تحقیق است.^۲ در این گام، با مقایسه افقی سطرهای جداول تطبیقی^۳ و مقایسه عمودی ستون‌ها،^۴ الگوی تکرارشونده ذیل ۶ مقوله شناسایی شدند که در چارچوب اولیه قیاسی نمایان نبودند.

۵- انتزاع راهبردهای کلان یا نقشه‌برداری و تفسیر.^۵ در گام نهایی، با ترکیب یافته‌های جدول و براساس هم‌گرایی در دو محور «هدف غایی» و «گروه مخاطب»، برنامه‌های تحلیل‌شده در چهار راهبرد کلان دسته‌بندی شدند.

۳. یافته‌ها

نخستین گام‌های نظام‌مند ایالات متحده برای استفاده از آموزش جوانان به عنوان ابزار سیاست خارجی، با تصویب دو قانون بنیادین برداشته شد: قانون فولبرایت در ۱۹۴۶ و قانون اسمیت-مانت در ۱۹۴۸. این دو قانون، آموزش را به عنوان «بُعد چهارم» سیاست خارجی آمریکا تثبیت کردند.

قانون فولبرایت به دولت آمریکا اجازه می‌داد از محل درآمدهای حاصل از فروش اموال مازاد جنگ جهانی دوم در خارج از کشور، برای تأمین مالی برنامه‌های تبادل دانشجو، استاد و پژوهشگر استفاده کند. اگرچه این قانون در ابتدا موقتی و از نظر مالی محدود بود، اما شالوده راهبردی مهمی را تحت پوشش برنامه فولبرایت-یعنی «افزایش درک متقابل میان ملت‌ها از طریق تبادل آموزشی»-پایه‌گذاری کرد [۸]. این قانون، بعدها با تصویب قانون تبادل آموزشی و فرهنگی متقابل ۱۹۶۱ (قانون فولبرایت-هیز) تمدید، توسعه و دائمی شد [۳].

در همین راستا، قانون اسمیت-مانت (۱۹۴۸) نیز با هدف «ترویج درک بهتر از ایالات متحده در میان مردم جهان»، چارچوب حقوقی فعالیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی را پایه‌گذاری کرد. این قانون، برخلاف قانون فولبرایت که بر «آموزش» و «تبادل نخبگان» متمرکز بود، به دولت آمریکا اجازه می‌داد از طریق مطبوعات، رادیو، فیلم، کتاب و مراکز اطلاع‌رسانی، به «روایت‌سازی» و «مهندسی فرهنگی» بپردازد [۹]. رویکردی که در این گزارش ذیل «راهبرد سوم: نفوذ فرهنگی و روایت‌سازی» از منظر برنامه‌های دارای مخاطب خاص جوان و نوجوان تحلیل می‌شود. بدین ترتیب، این دو قانون، دو بال مکمل دیپلماسی عمومی آمریکا را شکل دادند. یکی معطوف به «پرورش نخبگان» از طریق آموزش (که مصداق بارز آن فولبرایت است) و دیگری معطوف به «شکل‌دهی به افکار عمومی» از طریق دیپلماسی فرهنگ و رسانه.

افزون بر سابقه تقنینی، تحلیل تاریخی برنامه‌های تبادل آملی آمریکا نشان می‌دهد که تمرکز بر «مخاطبان هدف»، یک دکترین مستمر در سیاست خارجی این کشور بوده است. برای نمونه گوتام و همکاران (۲۰۲۴) در یک مرور نظام‌مند از ۴۸ مقاله، نشان می‌دهند که سیاست آموزشی خارجی آمریکا از دهه ۱۹۵۰ به این سو، همواره بر «مخاطبان هدف» مشخصی متمرکز بوده است: «سیاست‌گذاران آمریکایی، مقیاس فعالیت‌های آموزشی مورد نیاز را ارزیابی و گروه‌های با نفوذ جامعه را در حوزه تصمیم‌گیری عمومی یا سیاسی، براساس شرایط سیاسی کشور میزبان شناسایی می‌کنند. در دهه ۱۹۵۰، برنامه‌های آمریکا بر آموزش نخبگان سیاسی اروپای غربی برای مقاومت در برابر نفوذ شوروی متمرکز بود؛ در دهه ۱۹۶۰، جوانان کشورهای در حال توسعه و اروپای غربی برای مقابله با روایت‌های ضدآمریکایی هدف قرار گرفتند و از

1. Case Summary / Charting Worksheet
2. Mapping and Identifying Cross-Cutting Patterns
3. Cross-case Comparison
4. Within-case Comparison
5. Mapping and Interpretation / Synthesizing Strategies



اواسط دهه ۱۹۹۰، تمرکز بر دموکراسی‌های جوان یعنی جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق معطوف شد.^۱ این چارچوب حقوقی اولیه و نیز رویکردهای نخبه‌پرورانه دیپلماسی آموزشی-فرهنگی آمریکا در دهه‌های بعد با قوانین تکمیلی دیگری تقویت شد. برای نمونه، قانون تبادل و مطالعه جوانان کندی-لوگار (۲۰۰۲) به‌طور مشخص برنامه یس (YES) را برای دانش‌آموزان کشورهای دارای اکثریت مسلمان ایجاد کرد؛ قانونی که مستقیماً در پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر و با هدف ایجاد پل‌های ارتباطی میان ارزش‌های آمریکایی و جوانان کشورهای اسلامی طراحی شده بود [۱۰]. همچنین، الحاقیه سال ۲۰۰۴ به قانون فولبرایت-هیز (بند ۲۴۵۲c) نیز صراحتاً «افزایش تعامل با جوانان در کشورهای با جمعیت عمدتاً مسلمان» را یک هدف سیاستی اعلام کرد [۸].

یافته‌های این مطالعه پس از بررسی و احصای داده‌های مربوط به قوانین بالادستی و نهادهای دخیل و برنامه‌های اجرایی آنها و تحلیل آن نشان می‌دهد دولت آمریکا چهار راهبرد کلان فرهنگی و آموزشی را برای نوجوانان و جوانان منطقه دنبال می‌کند که عبارت‌اند از:

۳-۱. راهبرد اول: تربیت و شبکه‌سازی راهبران آینده جهان

۳-۱-۱. رکن نخست: مهندسی هویت نوجوان (مقطع دبیرستان)

هدف عملیاتی این بخش، فراتر از «تبادل و فهم متقابل فرهنگی»^۱ اعلامی، ایجاد پیوند عاطفی پایدار با جامعه آمریکا و درونی‌سازی ارزش‌های اجتماعی آن در سنین شکل‌گیری هویت (۱۵ تا ۱۸ سال) است. این بازه سنی در دوران شکل‌گیری نوجوان قرار دارد: دوره‌ای که نوجوان در حال بازتعریف هویت خود و فاصله‌گیری از چارچوب‌های خانوادگی است. برنامه‌های دولت آمریکا در این مرحله دو مؤلفه اصلی «اقامت در خانواده میزبان» و «حضور در مدرسه محلی»، فرایندی از «غوطه‌وری عمیق فرهنگی» را جایگزین «بازدید آموزشی» می‌کنند. این تمایز از آن جهت اهمیت دارد که یادگیری ضمنی و عاطفی در این بستر، اثری ماندگارتر از آموزش‌های صریح دارد.

برنامه‌های ذیل این مرحله که توضیح آنها به ترتیب در ادامه بیان می‌شوند عبارت‌اند از: برنامه تبادل و مطالعه جوانان کندی-لوگار، برنامه‌های راهبری جوانان، طرح آیلپ.

برنامه تبادل و مطالعه جوانان کندی-لوگار (YES):^۲ این برنامه که از سال ۲۰۰۲ با مصوبه کنگره آغاز به کار کرد [۱۰]، به‌واسطه مدت یک‌ساله خود، بیشترین سطح مداخله را در این گروه سنی دارد. نوجوان ۱۵ تا ۱۸.۵ ساله پس از یک فرایند گزینش رقابتی، برای یک‌سال تحصیلی کامل در خانواده میزبان آموزش دیده اسکان داده می‌شود، در مدرسه محلی مانند سایر دانش‌آموزان آمریکایی ثبت‌نام می‌کند و در فعالیت‌های فوق‌برنامه، خدمات اجتماعی و کارگاه‌های مهارت‌های راهبری مشارکت می‌کند. لزوم طراحی «طرح مستقل» در پایان دوره و عضویت در شبکه جهانی فارغ‌التحصیلان ذیل شبکه وزارت خارجه (با دسترسی به بورس‌ها، کارآموزی‌ها و صندوق‌های تأمین مالی طرح‌های مدنی)، تداوم ارتباط و هدایت‌پذیری شرکت‌کننده را پس از بازگشت تضمین می‌کند. اولویت در برنامه با جذب نوجوانان فاقد تجربه قبلی از سفر به آمریکا یا دارای خویشاوند درجه یک در آمریکا است [۱۱]. پس از اجرای موفق این طرح، شاخه خارجی برنامه یس (از ۲۰۰۹) که نوجوانان آمریکایی را برای یک‌سال به کشورهای منطقه اعزام می‌کند، حلقه دوسویه این نوع از دیپلماسی را تکمیل کرده است و نوجوانان آمریکایی را بدون شاخص‌هایی مانند نمره ممتاز بودن یا نبوغ خاص آموزشی در فرایندی گزینش کرده و به کشورهایی که وزارت خارجه اعلام می‌کند در فرایندی مشابه با برنامه یس اعزام می‌کند [۱۲]. فهرست کشورهای مشمول این برنامه در منطقه پویاست و خروج تدریجی کشورهایی مانند عراق (۲۰۰۹-۲۰۰۴) و سوریه (۲۰۰۵-۲۰۰۳)^۳ از فهرست کشورهای اعلامی وزارت خارجه آمریکا با تغییر شرایط امنیتی و سیاسی هم‌زمان بوده است [۱۳].

1. Mutual understanding

2. Kennedy-Lugar Youth Exchange and Study (YES) Program

۳. اعداد موجود در پرانتز مربوط به بازه زمانی حضور نام این دو کشور در لیست اعلامی وزارت خارجه آمریکاست.

برنامه‌های راهبری جوانان^۱ (YLP): این برنامه کوتاه‌مدت تر (۳ تا ۴ هفته) از سوی دفتر آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا،^۲ نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله را هدف قرار می‌دهد. تفاوت طراحی آن با سایر برنامه‌ها، الزام صریح به طراحی و اجرای یک طرح اجتماعی پس از بازگشت است. این سازوکار، هم امکان رصد تأثیر برنامه را برای مجریان فراهم می‌کند و هم شرکت‌کننده را بلافاصله در موقعیت کنشگری در جامعه محلی قرار می‌دهد. در منطقه غرب آسیا، این برنامه صرفاً برای عراق و آذربایجان اجرا می‌شود و مجری آن در عراق، سازمان یادگیری جهانی است [۱۴].

طرح آیلپ (IYLEP):^۳ برنامه‌ای اختصاصی برای عراق که از ۲۰۰۷ با بودجه کامل دفتر آموزش و فرهنگ وزارت خارجه آمریکا و پیمانکاری بنیاد یادگیری جهانی^۴ فعالیت می‌کند و تا پایان ۲۰۲۵ بیش از ۳۲۰۰ نفر را پوشش داده است. از ظرفیت‌های این برنامه، تعریف دو برنامه براساس سطح تسلط به زبان انگلیسی برای دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۷ ساله است [۱۵]. از مسیر نخست (نوجوانان مسلط به انگلیسی) یک دوره سه‌هفته‌ای در آمریکاست. دانش‌آموزان در هر هفته از دوره خود، ایالتی متفاوت را تجربه می‌کنند. در این برنامه که هفت دانش‌آموز آمریکایی نیز به‌طور تمام‌وقت به گروه‌های هم‌تایان عراقی خود ملحق می‌شوند [۱۶] که در امتداد رویکرد تربیت از راه دیدن الگوی عینی و غوطه‌وری فرهنگی است.

پروژه دوم که از ۲۰۲۳ راه‌اندازی شده، مشابه با طرح قبلی ویژه دبیرستانی‌های غیر مسلط به انگلیسی خصوصاً از مناطق روستایی و جنوب عراق است. این مسیر تماماً به زبان عربی برگزار می‌شود و در خانواده‌های عرب‌زبان مقیم آمریکا صورت می‌گیرد. حذف شرط زبان انگلیسی در این برنامه، گستره برنامه را از محدوده نخبگان انگلیسی‌دان شهری فراتر برده و به لایه‌های اجتماعی گسترش می‌دهد که پیش‌تر از دسترس خارج بودند [۱۷].

در تحلیل رکن نخست راهبرد تربیت و شبکه‌سازی رهبران باید گفت، برنامه‌های رکن ویژه نوجوانان در راهبرد نخست، روی یک پیوستار از «مداخله فشرده کوتاه‌مدت» (برنامه راهبری جوانان) تا «دغام یک‌ساله» (YES) قرار دارند. با وجود تفاوت‌ها، سه ویژگی مشترک قابل شناسایی است:

نخست، اقامت در خانواده میزبان به عنوان سازوکار اصلی الفت‌سازی: این روش با فعال‌سازی یادگیری عاطفی و ضمنی، پیوندی عمیق‌تر از آموزش مستقیم ایجاد می‌کند. تکرار این الگو در اغلب برنامه‌های این بخش (از جمله نسخه عرب‌زبان آیلپ) نشان‌دهنده اعتماد طراحان به اثربخشی این سازوکار است.

دوم، طراحی سازوکاری برای حفظ ارتباط با اجرای طرح یا کنشگری پس از بازگشت: این شرط، چرخه تأثیر را از «رویداد» به «فرایند» تبدیل می‌کند. شرکت‌کننده نه به‌عنوان یک دریافت‌کننده منفعل، بلکه در قامت یک کنشگر تمرینی فعال به جامعه خود بازمی‌گردد و هم‌زمان، امکان رصد بلندمدت فعالیت‌های آنان برای دولت آمریکا فراهم می‌شود.

سوم، اولویت‌دهی جذب به نوجوانان فاقد تجربه قبلی از آمریکا یا خویشاوند درجه یک در آمریکا: این معیار، گزینش که در این برنامه‌ها و برنامه‌های آتی تکرار می‌شود، نشان می‌دهد هدف، تعمیق ارتباط با مخاطبان آشنا نیست، بلکه ایجاد شبکه‌ای جدید از میان جمعیتی است که ذهنیت آنان نسبت به آمریکا هنوز تثبیت نشده یا مستعد تغییر است.

۲-۱-۳. رکن دوم: کادرسازی مستعدان راهبری (مقطع دانشگاه)

هدف راهبردی این رکن از راهبرد دوم، انتقال از «ایجاد انس عاطفی و آشنایی» به «کادرسازی هدفمند» است. اگر مرحله اول به دنبال گشودن پنجره‌ای به ذهن نوجوان بود و به دنبال تعریف طرح‌هایی به صورت تمرینی بود، مرحله دوم با مخاطب قرار دادن دانشجویان (۱۸ تا ۲۵ سال) در

1. Youth Leadership Programs

2. Bureau of Educational and Cultural Affairs (ECA), U.S. Department of State

3. the Iraqi Young Leaders Exchange Program (IYLEP)

4. World Learning



پی آن است که این پنجره را به دری برای ورود به شبکه‌های جریان‌سازی، تمرین کنشگری مدنی و جهت‌دهی حرفه‌ای و تخصصی تر تبدیل کند. جنبه مورد توجه این مرحله نیز، محوریت «طراحی و اجرای طرح حل مسئله محلی» است. شرکت کنندگان دیگر صرفاً دریافت‌کننده آموزش یا تجربه فرهنگی نیستند، بلکه باید توانایی خود را در حل مسائل واقعی جامعه خویش اثبات کنند.

برنامه‌های ذیل این رکن که در ادامه به ترتیب معرفی می‌شوند عبارت‌اند از: برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی - برای دانشجویان مستعد راهبری - برنامه رهبران دانشجویی، طرح آیلپ - دانشجویی، برنامه‌های رهبران فردا، برنامه محققان و راهبران عراقی.

برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی - برای دانشجویان مستعد راهبری (SUSI):^۱ این برنامه که توسط دفتر آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه (ECA) اجرا می‌شود، یک دوره پنج‌هفته‌ای برای دانشجویان کارشناسی ۱۸ تا ۲۵ ساله است. هدف اعلامی طرح آن است که دانشجویان «درک بهتری از آمریکا» کسب کنند و «توان راهبری» خود را ارتقا دهند. هر مؤسسه، میزبان حدود ۲۰ شرکت‌کننده از کشورهای منتخب است و ساختار برنامه شامل چهار هفته اقامت دانشگاهی در آمریکا (با محوریت بحث‌های تعاملی، سخنرانی‌ها و کارگاه‌ها) و یک هفته «تجربه عملی - میدانی» در ایالتی دیگر از آمریکاست. شرط «توانمندی رهبری اثبات‌شده در فعالیتهای دانشگاهی و اجتماعی» برای پذیرش توسط سفارت‌های آمریکا در هر کشور این برنامه را به فیلتری برای شناسایی فعال‌ترین عناصر دانشجویی تبدیل کرده است. آنچه این برنامه را از یک دوره آموزشی عمومی متمایز می‌کند، تخصیص و اولویت‌بندی موضوعی کشورها بر اساس اولویت‌های وزارت خارجه است. برای عراق و لبنان موضوع «تکثرگرایی و آزادی مذهبی»، برای مصر، عراق، اردن، لبنان و عربستان سعودی «مشارکت مدنی» و برای پاکستان «سیاست‌گذاری عمومی» تعریف شده است. این تطابق میان کشور و موضوع دوره، نشان می‌دهد که این دوره، صرفاً یک برنامه تبادل دوسویه فرهنگی نیست [۱۸]، بلکه ابزاری برای کاشت گفتمان‌های اولویت‌دار در بستر اجتماعی هر کشور است.

برنامه رهبران دانشجویی (SLP):^۲ این برنامه که زیرچتر بنیاد یا ابتکار مشارکت غرب آسیا (MEPI) اجرا می‌شود، یک دوره یک‌ساله سه‌مرحله‌ای برای دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی ۲۰ تا ۲۴ ساله از ۱۲ کشور منطقه (شامل الجزایر، بحرین، مصر، عراق، اردن، لبنان، لیبی، مراکش، قطر، تونس، یمن و کرانه باختری و غزه) است. هسته اصلی برنامه، یک دوره فشرده چهار هفته‌ای تابستانی در دانشگاه‌های آمریکاست که قبل و بعد از دو دوره آمادگی و تثبیت برگزار می‌شود، اما وجه عمق بخش «برنامه رهبران دانشجویی» در الزام به طراحی و اجرای «برنامه مشارکت اجتماعی»^۴ در کشور خود پس از بازگشت است. این طرح که با حمایت آموزشی، مربی‌گری و شبکه‌سازی حرفه‌ای همراه است، باز هم دانشجویان را از موقعیت «مشاهده‌گر» به «کنشگر» منتقل می‌کند. قابل توجه است که برنامه صراحتاً به «افراد با پیشینه کم‌درآمد و تجربه محدود سفر» اولویت می‌دهد؛ همان معیاری که در مرحله اول مشاهده شد و نشان‌دهنده پیوستگی راهبردی در گزینش مخاطبان جدید به جای پاداش‌دهی به مخاطبان تکراری است [۱۹]. شرکت‌کنندگان پس از اتمام به شبکه فارغ‌التحصیلان ابتکار مشارکت غرب آسیا (MEPI) باییش از ۲۰۰۰ عضو می‌پیوندند و به کارگاه‌ها و برنامه‌های شتاب‌دهنده رقابتی در منطقه دسترسی دارند [۲۰].

طرح آیلپ - دانشجویی: نسخه دانشجویی آیلپ، ویژه دانشجویان ۱۸ تا ۲۴ ساله عراقی، یک دوره چهار هفته‌ای در دانشگاه‌های میزبان آمریکاست که شرط اصلی آن، داشتن حداقل یک ترم باقی‌مانده از تحصیل پس از بازگشت است. این شرط تضمین می‌کند که دانشجویان به بستر دانشگاهی خود در عراق باز می‌گردند و می‌توانند آموخته‌ها را در آن محیط به کار گیرند. پس از پایان بخش حضوری، شرکت‌کنندگان موظف به اجرای یک پروژه اجتماعی شش‌ماهه در عراق هستند که برای آن حمایت مالی محدودی نیز پیش‌بینی شده است. نکته‌ای مهم در طراحی آیلپ، پشتیبانی از این طرح‌ها از طریق مربیان و شبکه فارغ‌التحصیلان دوره‌های پیشین است - سازوکاری که هم تداوم مداخله را تضمین می‌کند و هم شبکه را از یک انگاره اسمی به یک ساختار عملیاتی تبدیل می‌سازد. همچنین، محرومیت شرکت در دوره برای افرادی

1. Bstudy of the U.S. Institutes for Student Leaders
2. Student Leaders Program
3. Middle East Partnership Initiative
4. Civic Engagement Plan

که خویشاوند درجه یک مقیم آمریکا دارند، نشان‌دهنده حساسیت برنامه به گسترش دامنه علاقه‌مندان به رؤیای آمریکایی به طبقاتی است که پیش از این، کمتر با فرهنگ آمریکایی آشنا بوده‌اند. از دیگر نکات آموزنده همکاری وثیق دانشگاه‌های آمریکایی مانند دانشگاه ایالت تگزاس در میزبانی و پشتیبانی از طرح در آمریکاست [۲۱].

جدول ۱. برنامه آیلپ در یک نگاه

شیوه برگزاری	مخاطبین (کانون توجه)	اهداف اعلامی	برنامه / محور
دوره ۳ هفته‌ای بورسیه کامل: پیش‌برنامه مجازی پنج هفته‌ای + هفته اول در ماساچوست (مهارت‌های راهبری) + ۲ هفته اقامت در خانواده‌های میزبان + هفته پایانی در واشنگتن دی‌سی (ارائه طرح).	دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۷ ساله عراقی با تسلط بالا بر زبان انگلیسی.	تقویت مهارت‌های راهبری، تیم‌سازی و تفاهم متقابل میان دانش‌آموزان.	ویژه دبیرستانی‌های مسلط به انگلیسی
دوره چهار هفته‌ای با تمام فعالیت‌ها و تعاملات به زبان عربی: هفته اول (ورمانت/ماساچوست) + دو هفته اقامت در خانواده‌های عرب‌زبان در آمریکا + هفته پایانی در واشنگتن دی‌سی.	دانش‌آموزان دبیرستانی بدون تسلط کافی (یا متوسط) به زبان انگلیسی.	افزایش دسترسی برنامه برای گروه‌های روستایی/کم‌برخوردار و کاهش موانع زبانی.	ویژه دبیرستانی‌های غیر مسلط به انگلیسی
دوره چهار هفته‌ای حضوری در دانشگاه‌های میزبان آمریکا (شامل کارگاه‌ها) + دوره‌های آنلاین پیش‌و پس از آن + اجرای طرح	دانشجویان ۱۸ تا ۲۴ ساله عراقی با حداقل یک ترم باقی‌مانده تحصیلی.	تقویت توانمندی‌های فردی، اجتماعی، مهارت‌های حرفه‌ای و اجرای طرح‌های اجتماعی.	ویژه دانشجویان کارشناسی

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

برنامه‌های رهبران فردا (TLU/TLG): این دو برنامه ذیل ابتکار مشارکت غرب آسیا، یک مسیر کامل از کارشناسی تا کارشناسی‌ارشد را در دانشگاه‌های آمریکایی منطقه (دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه آمریکایی لبنان و دانشگاه آمریکایی قاهره) پوشش می‌دهند. برنامه کارشناسی یک بورسیه کامل چهارساله و امکان یک ترم تحصیل در خاک آمریکاست. برنامه کارشناسی‌ارشد نیز با پوشش مشابه، یک دوره دوساله است که شرط «توانایی انجام پژوهش‌های کاربردی در حوزه سیاستگذاری عمومی» را در میان معیارهای پذیرش خود دارد. این شرط اخیر، دلالت راهبردی مهمی دارد. برنامه نه به دنبال پژوهشگر دانشگاهی صرف، بلکه به دنبال پرورش تحلیلگرانی است که بتوانند یافته‌های خود را به گزینه‌های سیاستی برای دولت‌های منطقه تبدیل کنند. هر دو برنامه به شبکه فارغ‌التحصیلانی با بیش از ۱۹۰۰ عضو در سراسر منطقه منتهی می‌شوند [۲۲].

برنامه محققان و راهبران عراقی: این برنامه که توسط مؤسسه آموزش بین‌المللی (IIE) و با بودجه یک شرکت آمریکایی مدیریت می‌شود، یک بورسیه رقابتی با تأمین مالی کامل برای تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد یا دکتری در دانشگاه‌های آمریکاست. هدف اعلامی آن «تقویت مسیرهای تحصیلی و حرفه‌ای دریافت‌کنندگان بورسیه، توسعه مهارت‌های فرهنگی و مدیریتی و ایجاد روابط نزدیک تر میان مردم آمریکا و رهبران آینده عراق» ذکر شده است. قابل تأمل است که این برنامه تنها برنامه اختصاصی این مؤسسه برای یک کشور در



منطقه غرب آسیاست و نشان‌دهنده تمرکز ویژه این نهاد بر عراق به‌عنوان یک میدان راهبردی است [۲۳].

در تحلیل رکن دوم راهبرد نخست می‌توان گفت: برنامه‌های رکن دوم در مقایسه با رکن نخست راهبرد، چند تفاوت کیفی را نشان می‌دهند: **نخست، از دریافت‌کننده به کنشگر:** در برنامه‌های نوجوانان، نوجوان با آنکه وظایفی به‌صورت تمرینی بر عهده می‌گرفت، اما عمدتاً یک دریافت‌کننده تجربه فرهنگی بود. در مرحله دوم، جوان در موقعیت «طراح و مجری طرح» قرار می‌گیرد. این گذار، هدف راهبردی «تولید کنشگر» به‌جای «تربیت مخاطب» را آشکار می‌سازد.

دوم، ورود به لایه سیاستگذاری: شرط «پژوهش کاربردی در سیاستگذاری عمومی» در برنامه رهبران فردا و تخصیص موضوعاتی مانند «سیاستگذاری عمومی» برای پاکستان در برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی - برای دانشجویان مستعد راهبری (SUSI) نشان می‌دهد که مخاطب از این بخش به بعد، برای ایفای نقش در فرایندهای تصمیم‌سازی کشور خود آماده می‌شود.

سوم، تداوم منطق گزینش: اولویت‌دهی به افراد با پیشینه اقتصادی محدود و تجربه اندک از آمریکا که در مرحله اول مشاهده شد، در اینجا نیز (در برنامه رهبران دانشجویی (SLP) و برنامه‌های ویژه کارشناسی و ارشد رهبران فردا (TLU/TLG) تکرار می‌شود. این پیوستگی، وجود یک دکترین گزینش در تمام مراحل خط لوله را تأیید می‌کند.

چهارم، چندلایگی پوشش: اگر مرحله اول صرفاً برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت داشت، رکن دوم از دوره‌های فشرده چهارهفته‌ای (SUSI، آیلپ-دانشجویی) تا بورسیه‌های کامل دو و چهارساله (ویژه کارشناسی و ارشد رهبران فردا (TLU/TLG) را دربرمی‌گیرد. این تنوع، امکان پوشش نیازهای متفاوت در کشورهای مختلف را فراهم می‌کند.

پنجم، آموزشی‌تر شدن طرح‌ها: در این بخش با توجه به شکوفاتر شدن توانمندی‌های تفکر انتزاعی و انتقادی در جوان، دوره‌ها آکادمیک‌تر و انتزاعی‌تر و در مواردی با محوریت آموزش دانشگاهی شکل گرفته‌اند.

۳-۱-۳. رکن سوم: شبکه‌سازی حرفه‌ای رهبران (پسادانشگاه)

اگر برنامه‌های نوجوانان (رکن اول) معطوف به «آشناسازی و اثرگذاری عاطفی» و رکن دوم معطوف به «تثبیت و کادرسازی کنشگران» بود، رکن سوم وارد قلمرو «شبکه‌سازی حرفه‌ای هدفمند» می‌شود. مخاطب این بخش، دیگر دانشجو نیست، بلکه متخصصان شاغل، رهبران نوظهور جامعه مدنی و افرادی هستند که از پیش در موقعیت‌های تصمیم‌سازی یا کنشگری در کشور خود قرار دارند. هدف راهبردی در اینجا، انتقال از «پروش» به «شبکه متصل» است. متصل کردن این رهبران به هم‌تایان آمریکایی، نهادهای تخصصی ایالات متحده و شبکه‌های منطقه‌ای که امکان جهت‌دهی و بهره‌برداری بلندمدت را فراهم می‌کند. برنامه‌های این رکن از راهبرد نخست کوتاه‌مدت‌تر، تخصصی‌تر و کاملاً مسئله‌محورند.

برنامه‌های رکن سوم که در ادامه معرفی می‌شود عبارت‌اند از: بورسیه‌های تحصیلی هوبرت اچ. هامفری، برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی راهبری، بورسیه توسعه راهبری.

بورسیه‌های تحصیلی هوبرت اچ. هامفری:^۱ این برنامه که توسط مؤسسه آموزش بین‌المللی (IIE) و با بودجه وزارت خارجه اجرا می‌شود، یک دوره آموزشی حرفه‌ای یک‌ساله در ایالات متحده برای «متخصصان باتجربه از کشورهای تعیین شده» است. شرایط پذیرش، خودگویای سطح مخاطب است: داشتن مدرک کارشناسی، حداقل پنج‌سال سابقه کار حرفه‌ای قابل توجه، ویژگی‌های رهبرانه اثبات‌شده و سابقه خدمات عمومی در جامعه. برخلاف برنامه‌های مرحله دوم که بر «استعداد راهبری» تمرکز داشتند، هامفری به دنبال افرادی است که پیش از این، توان مدیریتی خود را در عمل نشان داده‌اند. همچنین شرط «تجربه محدود یا بدون سابقه کار در ایالات متحده» این برنامه را در ادامه منطق گزینشی مراحل پیشین قرار می‌دهد: اولویت با کسانی است که ارتباط قبلی با آمریکا نداشته‌اند و این دوره، نخستین پنجره آنان به روی نهادهای آمریکایی خواهد بود [۲۴].

برنامه بازدید کنندگان بین‌المللی راهبری (IVLP): برنامه بازدید کنندگان بین‌المللی راهبری که از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی حرفه‌ای وزارت خارجه آمریکا محسوب می‌شود، سالیانه حدود ۴۵۰۰ نفر از رهبران نوظهور جهان را برای تورهای مطالعاتی کوتاه‌مدت (چند روز تا سه هفته) به ایالات متحده دعوت می‌کند. سازمان یادگیری جهانی^۱ یکی از هشت نهاد اجرایی شبکه اصلی این برنامه است که به تنهایی سالیانه برای بیش از ۸۰۰ رهبر از بیش از ۱۴۰ کشور برنامه‌ریزی می‌کند. هسته اصلی (IVLP) «تعامل حرفه‌ای رودرو» است. شرکت کنندگان از نهادهای دولتی و مدنی، سازمان‌های تخصصی، مراکز پژوهشی، رسانه‌ها و کسب‌وکارهای آمریکایی بازدید می‌کنند و با هم‌تایان خود وارد گفت‌وگو می‌شوند. بخشی از برنامه نیز به مهمان‌نوازی خانگی اختصاص دارد که الگوی «اقامت در خانواده میزبان» را از مرحله اول، این بار برای رهبران حرفه‌ای باز تولید می‌کند. فهرست کشورهای مشمول در منطقه، قابل توجه است: افغانستان، الجزایر، بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عربستان سعودی، سودان، تونس، امارات، کرانه باختری و غزه و یمن [۲۵]. این گستره تقریباً کامل از کشورهای منطقه، نشان‌دهنده آن است که این برنامه به‌عنوان ابزار فراگیر دیپلماسی نخبگانی برای تمام طیف کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، صرف‌نظر از سطح روابط سیاسی، به کار گرفته می‌شود. شایان ذکر است بخشی از این برنامه در حوزه‌های سنتی فرهنگ مانند موسیقی نیز وارد شده است و راهبرد دیپلماسی مردم با مردم را در پیش می‌گیرد. در خلال تحقیق، گزارشی از حضور یک هیئت موسیقایی از ایران در قالب این برنامه در آمریکا به دست آمد. این گروه که متخصصان موسیقی فولکلور بودند، در ایالت کنتاکی با نوازندگان بلوگراس به هم‌نوازی پرداختند - ترکیب سازهای ایرانی و آمریکایی - و سپس در یک کلیسای محلی با یک موسیقیدان برجسته موسیقی جاز به اجرای مشترک نشستند. به گفته برگزار کنندگان، این تعامل نه تنها تصورات مهمانان ایرانی از آمریکایی‌ها را تغییر داد، بلکه جامعه میزبان نیز دریافت که «اشتراکات ما بیشتر از تفاوت‌هایمان است [۲۶]» که این گزارش موردی از جنبه تهدیدی غیر بعید این برنامه و نظایر آن حکایت دارد.

بورسیه توسعه راهبری: این برنامه که با تأمین مالی ابتکار مشارکت خاورمیانه (MEPI) و اجرای بنیاد یادگیری جهانی (IIE) در یک دوره هفت‌ساله (۲۰۲۴-۲۰۱۵) اجرا شد، بیش از ۲۰۰ رهبر نوظهور از ۱۱ کشور منطقه (الجزایر، بحرین، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، سوریه، تونس و یمن) را هدف قرار داد. بنابر اعلام طراحان وجه تمایز بورسیه توسعه راهبری (LDF)، تمرکز هم‌زمان بر دو بال «مشارکت مدنی» و «کارآفرینی اجتماعی» است. شرکت کنندگان علاوه بر دریافت آموزش مهارت‌های فنی و کمک‌های مالی و حرفه‌ای، به شبکه‌های حمایت منطقه‌ای متصل می‌شوند تا راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی خود بیابند. معیارهای گزینش شامل روحیه نوآورانه، توان حل مسئله، سابقه مشارکت مدنی و کارآفرینی اجتماعی و تعهد به به کارگیری آموخته‌ها در عمل بود. این برنامه به دلیل ماهیت پایان‌یافته‌اش، یک مورد کاوی از طرح‌های خاتمه یافته، اما متمرکز برای ایجاد یک هسته منطقه‌ای از رهبران هم‌سوارانه می‌دهد [۲۷].

شبکه فارغ‌التحصیلان بنیاد (MEPI): این شبکه که بیش از ۳۵۰۰ فارغ‌التحصیل از تمامی برنامه‌های این بنیاد^۲ را پوشش می‌دهد، در کنار سایر شبکه‌های فارغ‌التحصیلان دوره‌های مختلف رکن کلیدی مرحله سوم است. کارکرد اصلی این شبکه و شبکه‌های مشابه، حفظ تداوم ارتباط و جلوگیری از قطع سرمایه انسانی پس از پایان دوره است. سازوکارهای آن شامل صندوق اقدام اجتماعی برای تأمین مالی طرح‌های فارغ‌التحصیلان، دوره‌های مهارت‌افزایی حرفه‌ای، رویدادهای هم‌تابه‌هم‌تا و هماهنگی فعالیت‌ها با سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای مختلف است. هدف اعلامی شبکه - «ایجاد ارتباطات پایدار بین نسل‌های مختلف فارغ‌التحصیلان» - نشان‌دهنده رویکرد بین‌نسلی به نخبه‌پروری است: شبکه نه تنها یک فهرست اسمی، بلکه یک ساختار عملیاتی است که در آن نسل‌های پیشین، مربی نسل‌های بعدی می‌شوند و بدین شکل، چرخه کادرسازی خوداتکامی شود [۲۸].

برنامه‌های این بخش با وجود تنوع در طراحی دوره، در چند محور اشتراک دارند:

نخست، مخاطب حرفه‌ای به جای دانشجوی دانش آموز: برخلاف بخش‌های پیشین که مخاطب در نظام آموزشی رسمی قرار داشت، این

1. World Learning

۲. شامل SLP، TLU، TLG و دوره‌های راهبری بورسیه‌ای.



مرحله، متخصصان شاغل و رهبران تثبیت‌شده را هدف می‌گیرد. این تغییر، نشان‌دهنده حرکت از «سرمایه‌گذاری بر استعداد‌های بالقوه» به «بهره‌برداری از استعداد‌های نیمه‌ظهور یافته» است.

دوم، کوتاه‌مدت‌سازی هدفمند برنامه‌ها: از دوره‌های بلندمدت تحصیلی (رکن دوم) به برنامه‌های فشرده کوتاه‌مدت (چند روز تا چند هفته) تغییر شکل می‌دهند. این طراحی، متناسب با محدودیت‌های زمانی متخصصان شاغل است و امکان پوشش حجم بالاتری از مخاطبان را فراهم می‌کند.

سوم، تکمیل چرخه با شبکه مادام‌العمر: وجود شبکه فارغ‌التحصیلان بنیاد مشارکت خاورمیانه (MEPI) با بیش از ۳۵۰۰ عضو و سازوکارهای حمایت مالی و آموزشی، نشان می‌دهد که طراحان به خوبی می‌دانند که تأثیر یک دوره کوتاه‌مدت بدون پشتیبانی مستمر، به سرعت مستهلک می‌شود. این شبکه، عامل انسجامی است که مراحل سه‌گانه را به یک کل منسجم تبدیل می‌کند.

چهارم، گستره فراگیر جغرافیایی برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی رهبری (IVLP) با پوشش تقریباً تمام کشورهای منطقه و بنیاد مشارکت خاورمیانه (MEPI) با تمرکز بر ۱۲ کشور، نشان می‌دهند که مرحله سوم به دنبال بیشینه‌سازی گستره جغرافیایی است. این با مرحله اول که برنامه‌ها در برخی کشورها محدود یا متوقف شده بودند، تفاوت دارد.

تحلیل سه رکنی برنامه‌های پرورش و شبکه‌سازی رهبران آینده نیز نشان می‌دهد که ایالات متحده یک «سیر منسجم نخبه‌پروری» طراحی کرده است که از سن ۱۵ سالگی آغاز می‌شود و تارهبان در حال ظهور و متخصصان باتجربه ادامه می‌یابد. این سیر از سه مرحله متوالی و مکمل تشکیل شده که هر یک کارکردی متمایز، اما هماهنگ با مراحل دیگر دارد.

الف) ابزارها و سازوکارهای تکرار شونده

چهار ابزار اصلی در سراسر مراحل سه‌گانه تکرار شده‌اند که می‌توان آنها را فناوری‌های نرم آمریکا در این حوزه دانست: **نخست، اقامت در خانواده میزبان:** از برنامه‌های نوجوانان (YES و ایلپ) تا برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی رهبری (IVLP) برای رهبران میانی، این سازوکار پیوند عاطفی و درک ضمنی فرهنگ آمریکایی را در تمام سطوح سنی فعال می‌کند.

دوم، طراحی و اجرای طرح اجتماعی: در هر سه مرحله، شرکت‌کننده از دریافت‌کننده منفعل به کنشگر فعال تبدیل می‌شود. این طرح‌ها ضمن ایجاد تأثیر محلی، امکان سنجش بازدهی برنامه را نیز فراهم می‌کنند.

سوم، اولویت‌دهی به افراد فاقد تجربه قبلی از آمریکا: این معیار، گزینش که در برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی (SUSI)، برنامه تبادل و مطالعه جوانان (YES)، برنامه رهبران دانشجویی (SLP)، برنامه کارشناسی رهبران فردا (TLU)، برنامه تحصیلات تکمیلی رهبران فردا (TLG) بورس تحصیلی هوبرت هامفری مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده سیاست «توسعه شبکه جدید» به جای «بازتوجه به مخاطبان تکراری» است.

چهارم، شبکه‌سازی پسادوره: شبکه‌های فارغ‌التحصیلان (شبکه جهانی وزارت خارجه، شبکه بنیاد ابتکار خاورمیانه (MEPI)، شبکه ایلپ) با ارائه صندوق‌های تأمین مالی، کارگاه‌های پیشرفته و فرصت‌های مربی‌گری، تداوم ارتباط را تضمین می‌کنند.

پنجم، گروه پایه بودن برنامه‌ها: اغلب برنامه‌ها، شرکت‌کنندگان را در قالب گروه‌های هم‌پیوند سازماندهی می‌کنند تا یادگیری گروهی و حس تعلق جمعی و شبکه‌سازی بین آن‌ها تقویت شود.^۱

ب) گستره جغرافیایی و اولویت‌بندی کشورها

توزیع برنامه‌ها روی نقشه منطقه، الگوی اولویت‌بندی راهبردی را آشکار می‌کند:

- عراق با وجود چالش‌های امنیتی، از طریق برنامه‌های اختصاصی (ایلپ، رهبران عراق) پوشش داده شده که نشان‌دهنده تداوم اولویت راهبردی این کشور برای واشنگتن است.

- اردن، لبنان، مراکش، مصر و عربستان در چندین برنامه به‌طور هم‌زمان حضور دارند و تقریباً مخاطب عمده برنامه‌ها هستند.

- سوریه و یمن به دلیل ناپایداری‌های داخلی از برنامه‌های بلندمدت نوجوانان (YES) خارج شده‌اند، اما همچنان از طریق IVLP در مرحله سوم پوشش داده می‌شوند. این وضعیت دوگانه نشان می‌دهد که محدودیت‌های امنیتی عمدتاً موانعی برای برنامه‌های اقامتی بلندمدت ایجاد می‌کنند، اما برنامه‌های کوتاه‌مدت دیپلماسی حرفه‌ای حتی در کشورهای متخاصم یا بی‌ثبات نیز می‌تواند امتداد یابد.

ج) نتایج و پیامدهای راهبردی

خروجی این سیر منسجم، نسلی از رهبران جوان و میانی است که با ارزش‌های جامعه مدنی آمریکایی آشنا، به شبکه‌های حرفه‌ای ایالات متحده متصل و برای ایفای نقش در فرایندهای تصمیم‌سازی کشور خود آماده شده‌اند. داده‌های موجود از مقیاس برنامه‌ها (بیش از ۳۲۰۰ نفر در آیلپ، بیش از ۳۵۰۰ عضو شبکه MEPI، بیش از ۱۹۰۰ عضو شبکه رهبران فردا و ۴۵۰۰ نفر سالیانه در IVLP) نشان‌دهنده حجم قابل توجه سرمایه‌گذاری در این مسیر است. مدل مرحله‌بندی شده با امکان ورود و خروج در سطوح مختلف، انعطاف‌پذیری لازم برای پوشش گروه‌های متنوع و سازگاری با شرایط متفاوت کشورها را فراهم کرده است.

باین حال، باید توجه داشت که اثربخشی واقعی این مدل که مبتنی بر تربیت راهبران به خصوص در الگوی اقامت در کشور میزبان، از نظر علمی قطعی نیست. ویلسون (۲۰۱۵) در مرور ادبیات این حوزه خاطر نشان می‌کند که شواهد تجربی درباره تأثیر مثبت اقامت در یک کشور خارجی بر نگرش شرکت‌کنندگان، «کاملاً ضد و نقیض» است و این تأثیر «ممکن است به طیفی از عوامل زمینه‌ای بستگی داشته باشد». این عدم قطعیت، یکی از آسیب‌های راهبردی این برنامه‌هاست. میلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری می‌شود، اما تضمینی برای بازدهی وجود ندارد. ویلسون با بررسی اسناد آرشیوی در انگلستان نشان می‌دهد که روایت «پرورش رهبران آینده»- که امروزه تقریباً تمام این برنامه‌ها با آن توجیه می‌شوند- اغلب یک «برساخت متأخر» برای تأمین بودجه و بقای سازمانی است. برای نمونه، برنامه مارشال در ۱۹۵۳ صرفاً به عنوان «ژست تشکر» بابت کمک‌های طرح مارشال ایجاد شد و صراحتاً ذکر شده که «هرگونه مزیت بلندمدت، اتفاقی و فرعی خواهد بود»؛ اما امروزه با هدف «تربیت سفیران مادام‌العمر» توجیه می‌شود. برنامه چپ‌وینگ نیز در دهه ۱۹۸۰ تنها برای «کاهش تبعات دیپلماتیک افزایش شهریه دانشجویان خارجی» ایجاد شد، اما اکنون «رهبران آینده» را هدف می‌گیرد. ویلسون این پدیده را «تغییر هدف، حفظ ابزار» می‌نامد و توضیح می‌دهد که چرا این روایت برای مدیران برنامه‌ها جذاب است: «اگر هدف برنامه نمادین باشد، مزیت افزودن یک بورسیه دیگر مبهم است؛ اما اگر برنامه‌ها به عنوان ابزار پرورش رهبران معرفی شوند، می‌توان برای گسترش آنها استدلال کرد» [۲۹]. پژوهش او مستقیماً برنامه‌های بریتانیا را مورد بررسی قرار داده است، اما دلالت‌هایی برای تحقیق مادر حوزه برنامه‌های راهبردی اول، از جمله شکاف جدی میان اهداف اعلامی و اعمالی و خروجی در خور عمده این برنامه‌ها دارد.

جدول ۲. برنامه‌های راهبرد تربیت و شبکه‌سازی رهبران

مرحله	برنامه	گروه سنی و مدت	سازوکار کلیدی	گستره جغرافیایی در منطقه
رکن اول: مهندسی هویت نوجوان	YES-کندی- لوگار	۱۵ تا ۱۸.۵ سال؛ یک‌سال تحصیلی کامل	اقامت در خانواده میزبان و تحصیل در مدرسه محلی؛ شاخه دوسویه خارجی Abroad	بحرین، مصر، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عربستان، تونس، ترکیه، کرانه باختری (عراق و سوریه سابقاً عضو)
	رهبری جوانان	۱۵ تا ۱۷ سال؛ ۳-۴ هفته	اقامت در خانواده میزبان و الزام به تعریف و اجرای طرح اجتماعی پس از بازگشت	عراق و آذربایجان
	آیلپ دانش‌آموزی (عراق)	۱۷ تا ۵۵ سال؛ ۳-۴ هفته	اقامت در خانواده میزبان و تعریف طرح حل مسئله پس از بازگشت	عراق



مرحله	برنامه	گروه سنی و مدت	سازوکار کلیدی	گستره جغرافیایی در منطقه
رکن دوم: کادر سازی راهبران جوان	SUSI بخش دانشجویی	کارشناسی (۲۵-۱۸ سال)؛ ۵ هفته	دوره چند هفته‌ای با اقامت دانشگاهی و الزام به طرح اجتماعی شش‌ماهه در عراق، طرح دانشگاهی با تخصیص موضوع اختصاصی هر عضو بر اساس اولویت کشور خودش	عراق، لبنان، مصر، اردن، عربستان، کویت، پاکستان
	رهبران دانشجویی بنیاد مشارکت خاورمیانه	۲۰ تا ۲۴ سال؛ یک‌سال (بخش فشرده ۴ هفته)	دوره یک‌ساله سهم‌رله‌ای؛ شامل دوره فشرده ۴ هفته‌ای در آمریکا	۲۰+ کشورهای منا شامل عراق، لبنان، اردن و...
	آیلپ-دانشجویی (عراق)	۱۸ تا ۲۴ سال؛ ۴ هفته	دوره سه هفته‌ای در آمریکا/ اقامت دانشگاهی و مربی محور	عراق
	TLU/TLG (رهبران فردا کارشناسی و کارشناسی‌ارشد)	کارشناسی (۴ سال) و ارشد (۲ سال)	بورسیه کامل در دانشگاه‌های آمریکایی منطقه؛ شرط پژوهش سیاستی برای TLG	۲۰+ کشورهای منا شامل عراق، لبنان، اردن و..
	برنامه محققان و رهبران عراق (IIE)	کارشناسی تا دکتری	بورسیه کامل در آمریکا با بودجه خصوصی	عراق
رکن سوم: اتصال حرفه‌ای رهبران میانی	بورسیه هامفری	متخصصان با ۵+ سال سابقه؛ یک سال	دوره حرفه‌ای در آمریکا با تأکید بر توان راهبری	جهانی (کشورهای تعیین‌شده)
	برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی رهبری (IVLP)	رهبران نوظهور؛ چند روز تا ۳ هفته	تور مطالعاتی فشرده با بازدید از نهادهای تخصصی و مهمانی خانگی	۴۰+ کشور شامل تمام کشورهای منطقه
	بورسیه توسعه راهبری (LDF)	۲۰۰ نفر از ۱۱ کشور؛ ۷ ساله	تمرکز هم‌زمان بر مشارکت مدنی و کارآفرینی اجتماعی	الجزایر، بحرین، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، سوریه، تونس، یمن
	شبکه فارغ‌التحصیلان (MEPI)	تمام فارغ‌التحصیلان برنامه‌های MEPI (۳۵۰۰ عضو)	مندوق اقدام اجتماعی، آموزش‌های تخصصی، پشتیبانی فنی، هماهنگی با سفارت‌ها	کشورهای منا

مأخذ: همان.

۲-۳. راهبرد دوم: گسترش آموزش عالی آمریکایی در منطقه

این راهبرد کلان را در دوشاخه اصلی بررسی می‌کنیم:

نخست، دانشگاه‌های آمریکایی در منطقه،

دوم، کمک‌هزینه‌های تحصیلی (بورسیه‌ها) و مدیریت تحصیلی.

اهمیت این راهبرد زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم در ادبیات نظری قدرت نرم، آموزش دیگر صرفاً یک زیرمجموعه از «فرهنگ» محسوب نمی‌شود. گوتام و همکاران (۲۰۲۴) در مرور نظام‌مند خود نشان می‌دهند که جوزف نای در آثار متأخر خود، آموزش-به‌ویژه آموزش عالی-را به‌عنوان یک منبع مستقل قدرت نرم به رسمیت شناخته و برنامه‌هایی مانند فولبرایت-که در ذیل بخش دوم این راهبرد معرفی خواهد شد-را مصداق ترکیب «قدرت نرم دولت و مردم» دانسته است که آثار خاص خود را به‌نحو ویژه‌تری نسبت به مداخلات دولتی سخت خلق می‌کند [۸].

۱. منطقه منا (MENA) براساس تعریف بانک جهانی، شامل کشورهای واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا-از مراکش در غرب تا ایران در شرق و از ترکیه در شمال تا یمن در جنوب-است (World Bank, 2024).

۱-۲-۳. گسترش دانشگاه‌های آمریکایی

گسترش دانشگاه‌های آمریکایی در منطقه را باید در بستر روند جهانی «آموزش عالی فراملی»^۱ تحلیل کرد. این نوع آموزش که در آن دانشجویان در کشوری غیر از کشور مؤسسه اعطاکننده مدرک تحصیل می‌کنند، به سه شیوه اصلی ارائه می‌شود: آموزش از راه دور، ارائه با پشتیبانی شریک محلی و شعبه دانشگاهی بین‌المللی [۳۰] «شعبه دانشگاهی بین‌المللی»- که موضوع تحلیل این بخش است- به مرکزی آموزشی با محل اختصاصی خود اطلاق می‌شود که تحت نام مؤسسه مادر فعالیت می‌کند، مدارکی با نام همان مؤسسه ارائه می‌دهد و دارای کادر اداری و علمی دائمی است [۳۰].

شایان ذکر است دانشگاه‌های آمریکایی منطقه مصداق‌های همین مدل سوم هستند. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، بزرگ‌ترین میزبان شعب بین‌المللی دانشگاه‌ها در سطح جهان هستند. مؤسسات خارجی با افزایش ظرفیت آموزش عالی در این کشورها به میزان بیش از ۳۰ هزار جایگاه تحصیلی،^۲ از طریق اشکال گوناگون آموزش فراملی، دسترسی جوانان ساکن در این کشورها به آموزش عالی فراملی و به خصوص آمریکایی را به‌طور چشمگیری افزایش داده‌اند [۳۰].

حضور دانشگاه‌های آمریکایی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد. تأسیس دانشکده پروتستان سوریه در بیروت (۱۸۶۶)، بعدها دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه آمریکایی قاهره (۱۹۱۹) دو نقطه آغاز این راهبرد بودند. این دو نهاد با منشورهای ثبت‌شده در آمریکا و اتکا بر مدل «هنرهای آزاد»^۳، به تدریج به الگوهایی برای آموزش عالی لیبرال در منطقه تبدیل شدند و نقشی محوری در تربیت نخبگان ایفا کردند.

ادامه گام‌های این راهبرد پس از سال ۲۰۰۳ و با تمرکز بر عراق شکل گرفت. تأسیس سه دانشگاه آمریکایی در عراق با توالی جغرافیایی مشخص - سلیمانیه (AUIS, 2007)، دهوک (AUK, 2014) و بغداد (AUIB, 2021) - نشان‌دهنده یک پیشروی سنجیده از مناطق باثبات اقلیم کردستان به سوی پایتخت است. این سه دانشگاه، به رغم تفاوت در مقیاس و زمینه تأسیس، همگی بر مدل هنرهای آزاد استوارند و سه کارکرد مشترک دارند: مراکز پژوهشی و سیاستگذار، دفاتر اتصال به بازار کار و شبکه‌های فارغ‌التحصیلان. شایان ذکر است دانشگاه‌های آمریکایی دیگری نیز در کشورهای امارات، بحرین و کویت موجود هستند که به جهت رعایت اختصار در ادامه برای نمونه به معرفی پنج مورد از دانشگاه‌های آمریکایی منطقه در بیروت و قاهره و سه دانشگاه موجود در عراق پرداخته شد.

دانشگاه‌های آمریکایی نسل اول (بیروت و قاهره)

دانشگاه آمریکایی بیروت: قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین دانشگاه آمریکایی در منطقه است. این دانشگاه که منشور آن از ۱۸۶۳ در ایالت نیویورک ثبت شده، با حدود ۹۷۰۰ دانشجو از ۹۰ کشور و شبکه‌ای بالغ بر ۸۲ هزار فارغ‌التحصیل در ۱۳۵ کشور، خود را به عنوان یک «دانشگاه پژوهشی آموزش محور» بر پایه مدل هنرهای آزاد^۴ تعریف کرده است. این دانشگاه در تعدادی دانشکده شامل پزشکی، مهندسی، مدیریت و پرستاری فعالیت می‌کند و بودجه عملیاتی آن ۸۹۶ میلیون دلار است. مراکز پژوهشی آن - از جمله انستیتوی سیاست عمومی و امور بین‌الملل عصام فارس و انستیتوی عصفری برای جامعه مدنی و شهروندی - این دانشگاه را به یک بازیگر در عرصه سیاستگذاری تبدیل کرده‌اند. گسترش اخیر AUB به قبرس (با تأسیس پردیس مدیترانه در ۲۰۲۳) نشان‌دهنده تداوم جاه‌طلبی آن دانشگاه برای نقش آفرینی فراملی و منطقه‌ای است [۳۱].

1. Transnational Higher Education

۲. آمار مربوط به سال ۲۰۱۱ است و اکنون پس از تأسیس چندین دانشگاه فراملی جدید در این کشورها، آمار به‌طور چشمگیری ارتقا نیز یافته است.

3. Liberal arts

4. American University of Beirut

۵. الگوی «هنرهای آزاد» (Liberal Arts) یک رویکرد آموزشی است که ریشه در سنت دانشگاهی یونان و روم باستان دارد و در دوران مدرن، به‌ویژه در نظام آموزش عالی ایالات متحده بازتعریف شده است. در این مدل، دانشجو پیش از ورود به تخصص، یک تا دو سال در معرض طیف گسترده‌ای از علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم طبیعی قرار می‌گیرد تا مهارت‌های تفکر انتقادی، ارتباط مؤثر، تحلیل منطقی و شهروندی مسئول در او پرورش یابد.



دانشگاه آمریکایی قاهره: که در ۱۹۱۹ تأسیس شد، دومین نهاد قدیمی این شبکه است. این دانشگاه با ۲۵ دپارتمان، ۳۹ رشته کارشناسی، ۵۲ برنامه کارشناسی ارشد و ۱۲ مرکز پژوهشی میان‌رشته‌ای، بر مدل هنرهای آزاد با یک هسته درسی مشترک استوار است. دانشگاه در اساسنامه مأموریت خود، تأکید ویژه بر «ایجاد فرهنگ رهبری» دارد. شبکه فارغ‌التحصیلان آن به ۵۲ هزار نفر می‌رسد که در پست‌های مدیریتی مهم در سراسر جهان و منطقه پراکنده‌اند [۳۲].

دانشگاه‌های آمریکایی عراق: برخلاف دانشگاه‌های آمریکایی بیروت و قاهره که محصول یک فرایند تدریجی و ارگانیک در طول بیش از یک قرن هستند، سه دانشگاه عراق در بستر ژئوپلیتیک پس از ۲۰۰۳ و با سرعت بیشتری تأسیس شده‌اند. با این حال، هر سه دانشگاه از یک معماری نهادی مشابه پیروی می‌کنند که در آن، آموزش، پژوهش و اتصال به بازار کار به‌طور هم‌زمان طراحی شده است. برخلاف توقع تأسیس دانشگاه‌های آمریکایی در عراق از بغداد آغاز نشد و کردستان، هدف اولیه بود و بعد از ۲۰ سال این راهبرد به بغداد نیز منتهی شد.

دانشگاه آمریکایی عراق - سلیمانیه: که در سال ۲۰۰۷ به عنوان نخستین دانشگاه غیردولتی و غیرانتفاعی با الگوی آمریکایی در عراق تأسیس شد، اکنون با حدود ۱۳۵۰ دانشجو در ۲۲ برنامه کارشناسی و یک دوره مدیریت کسب و کار فعالیت می‌کند و بیش از ۲۲۰۰ فارغ‌التحصیل دارد [۳۳]. در سطح ساختار آموزشی، این دانشگاه بر یک «برنامه آمادگی آکادمیک» یک‌ساله و یک «هسته درسی مشترک» استوار است. برنامه آمادگی آکادمیک که حدود ۹۰٪ از پذیرفته‌شدگان از آن عبور می‌کنند، دانشجویان را پیش از ورود به دوره کارشناسی، به زبان انگلیسی آکادمیک و برخی مهارت‌های پیش‌نیاز مجهز می‌کند. هسته درسی مشترک نیز دانشجویان را در معرض طیفی از علوم انسانی، اجتماعی و طبیعی قرار می‌دهد. پس از این مرحله، دانشجویان وارد دانشکده‌های تخصصی می‌شوند: دندان پزشکی، داروسازی، مدیریت بازرگانی، محاسبات و اطلاع‌رسانی، مهندسی، زبان انگلیسی، علوم پزشکی و سلامت، علوم اجتماعی و حقوق و ریاضیات و علوم طبیعی [۳۴]. اتصال این دانشگاه به جامعه و بازار کار از طریق سه نهاد صورت می‌گیرد: «مؤسسه توسعه حرفه‌ای» که از سال ۲۰۱۱ دوره‌های مدیریت، زبان و آموزش‌های استاندارد مدیریت طرح را به افراد، شرکت‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی عرضه می‌کند؛ «دفتر خدمات شغلی» که پیوند اصلی با کارفرمایان را از طریق مشاوره شغلی، آموزش مهارت‌های جستجوی کار و نمایشگاه‌های شغلی برقرار می‌کند و «مرکز کارآفرینی و نوآوری» که زیست‌بوم نوآفرینی را از طریق شبکه‌سازی با بخش خصوصی عراق تقویت می‌سازد [۳۵].

این دانشگاه در حوزه پژوهش و سیاست‌گذاری، شبکه‌ای از مراکز تحقیقاتی ایجاد کرده که بازوهای تحلیلی دانشگاه به شمار می‌آیند. «مؤسسه مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی» (IRIS) به تحلیل تحولات عراق و منطقه، آموزش کارشناسان و تولید گزینه‌های سیاستی برای بازیگران داخلی و بین‌المللی می‌پردازد. «مرکز مطالعات جنسیت و توسعه» بر موقعیت زنان و گروه‌های حاشیه‌نشین متمرکز است و میان تحلیل نظری و مداخله اجتماعی پیوند برقرار می‌کند. «مرکز هنر و فرهنگ کشکول» نیز در پیوند میان تولید و حفظ فرهنگ عمل می‌کند [۳۶].

بنا بر گزارش پیمایش دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی (۲۰۱۷) - قابل دسترسی در سایت دانشگاه سلیمانیه - کارآمدی نسبی این مدل را نشان می‌دهد: حدود ۸۰٪ از فارغ‌التحصیلان یا شاغل هستند یا در برنامه‌های تحصیلات تکمیلی ثبت‌نام کرده‌اند. بیش از نیمی از آنان از خدمات دفتر شغلی استفاده کرده‌اند و بیش از ۵۳٪ سابقه کارآموزی در دوران تحصیل داشته‌اند. متوسط حقوق ماهیانه آنان حدود ۱۴۷۰ دلار و شکاف درآمدی میان زنان و مردان به حدود ۱۱٪ کاهش یافته است. این ارقام در مقایسه با نرخ بالای بیکاری جوانان در عراق قابل تأمل است، هرچند باید توجه داشت که این آمار محدود به فارغ‌التحصیلانی است که به نظرسنجی پاسخ داده‌اند [۳۷].

دانشگاه آمریکایی کردستان: که در سال ۲۰۱۴ در دهوک تأسیس شد، یک مؤسسه غیرانتفاعی با مأموریت «پرورش نسل آینده رهبران کردستان و منطقه» است. چشم‌انداز آن، تبدیل شدن به یکی از دانشگاه‌های پیشرو خاورمیانه با «توان تولید دانش و تبدیل آن به ظرفیت سیاست‌گذاری و توسعه منطقه‌ای» تعریف شده است. ساختار آموزشی آن ذیل چهار دانشکده اصلی (مهندسی، هنر و علوم، بازرگانی و پرستاری) سازماندهی شده که برنامه‌های آن‌ها براساس نیازهای بازار کار و تحولات فناوری طراحی شده‌اند [۳۸] و [۳۹].

در زمینه اتصال به جامعه، این دانشگاه رویکردی فراآموزشی اتخاذ کرده است. «مرکز خدمات شغلی» نیز با آموزش‌های حرفه‌ای و کارگاه‌های

مختلف دانشجویان را برای ورود به بازار کار خصوصی آماده می‌کند.

وجه تمایز این دانشگاه، اما در تلاش آن برای مداخله مستقیم در سیاستگذاری آموزشی نهفته است. «طرح K-۱۹» که با هدف اصلاح ساختار آموزشی اقلیم کردستان از مهد کودک تا دانشگاه و هم‌سوسازی آن با استانداردهای جهانی طراحی شده، با حضور مقامات ارشد سیاسی کلید خورده است. هدف نهایی سند راهبردی دانشگاه، کاهش شهریه تا سطح رقابتی با دانشگاه‌های دولتی یا حتی تبدیل شدن به مؤسسه‌ای بدون شهریه در بلندمدت است. این امر در صورت تحقق، جایگاه دانشگاه آمریکایی کردستان را به عنوان یک نهاد شبه‌عمومی با نفوذ گسترده در نظام آموزشی اقلیم تثبیت خواهد کرد [۳۵].

مراکز پژوهشی این دانشگاه نیز بازتاب‌دهنده تمرکز آن بر مسائل خاص کردستان و عراق است: «مرکز صلح و امنیت انسانی» به مسائل همزیستی، حقوق اقلیت‌ها، امنیت انسانی، جرم‌شناسی، حکمرانی و پیشگیری از خشونت می‌پردازد. «مرکز کارآفرینی و نوآوری» با ایجاد پیوند میان دانشجویان، متخصصان و بخش خصوصی، به دنبال ایجاد زیست‌بوم کارآفرینی و اشتغال فعال در اقلیم کردستان است [۴۰].

دانشگاه آمریکایی عراق - بغداد (AUIB): که در سال ۲۰۲۱ فعالیت خود را آغاز کرد، از جدیدترین‌های این شبکه است. این دانشگاه یک نهاد غیرانتفاعی است که درآمد شهریه‌ای آن صرفاً بخشی از هزینه‌های عملیاتی را پوشش می‌دهد و برای استمرار فعالیت، نیازمند جذب منابع مالی خارجی است. دانشگاه آمریکایی بغداد با یک روایت تاریخی هوشمندانه، خود را در امتداد سنت‌های علمی بغداد (دارالحکمه، نظامیه و مستنصریه) معرفی می‌کند و از این طریق، مدعی پیوند میراث تمدنی عراق با استانداردهای آمریکایی می‌شود [۴۱].

در سطح ساختار آموزشی، این دانشگاه نیز از مدل هنرهای آزاد پیروی می‌کند: دو سال نخست به دروس پایه در علوم انسانی، اجتماعی و طبیعی (روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات انگلیسی، تاریخ و زیست‌شناسی) اختصاص دارد و تنها پس از عبور از دروس مشترک و عمومی، دانشجویان وارد مسیرهای تخصصی می‌شوند. معماری دانشکده‌ای آن گسترده‌ترین در میان سه دانشگاه عراق است: دانشکده هنر و علوم (هسته لیبرال آر‌تس)، دانشکده بازرگانی (با برنامه‌های مدیریت کسب و کار و ام‌هلال که دومی با همکاری دانشگاه وندربیلت طراحی شده)، دانشکده مهندسی (در مسیر اعتباربخشی ABET)، دانشکده مطالعات بین‌المللی (با هدف تربیت «نسل جدید تحلیلگران و دیپلمات‌های عراقی») و دانشکده‌های حرفه‌ای شامل دندان‌پزشکی، داروسازی و فناوری‌های سلامت. برای مثال بنابر اسناد دانشگاه، همکاری نزدیک دانشکده حقوق با شورای عالی قضایی عراق و مؤسسه قضایی، آن را به مرکزی اثرگذار در تربیت نسل جدید حقوق دانان و قضات تبدیل کرده است [۴۲].

اتصال دانشگاه آمریکایی بغداد به جامعه از طریق چند نهاد صورت می‌گیرد: «دفتر خدمات شغلی» (CSO) که به دنبال کمک به اشتغال فارغ‌التحصیلان در موقعیت‌های شغلی متناسب است، «مرکز کارآفرینی و توسعه پایدار» (CEI) که با نهادهای بین‌المللی همکاری می‌کند و خدمات مشاوره سازمانی ارائه می‌دهد و بستر مشارکت‌افزایی که برای توسعه جامعه دانشگاهی و شبکه‌سازی طراحی شده است. همچنین این دانشگاه دارای یک رادیوی رسمی (AUIBFM) است که روایت نهادی و هویت فرهنگی دانشگاه را به جامعه منتقل می‌کند. حضور این پیوست رسانه‌ای، نشان‌دهنده توجه دانشگاه به شکل‌دهی افکار عمومی مردم منطقه است [۴۳].

مراکز پژوهشی این دانشگاه نیز بازتاب‌دهنده نقش سیاستی این دانشگاه هستند. «مرکز تحقیقات سیاست عمومی» در حوزه‌های حکمرانی، صلح و امنیت، تنوع قومی-مذهبی، جنسیت، جوانان، توسعه و افراط‌گرایی تحقیق می‌کند و طرح‌هایی درباره نگرش جوانان عراق، اصلاحات بخش عمومی و شاخص حکمرانی قانون در دست دارد. «مرکز تغییرات اقلیم، امنیت آب و پایداری محیط‌زیست» نیز یکی از معدود مراکز دانشگاهی عراق است که به‌طور تخصصی به این چالش‌ها می‌پردازد [۴۴].

جدول ۳. مقایسه تطبیقی دانشگاه‌های آمریکایی در عراق

مؤلفه	AUIS سلیمانیه	AUK دهوک	AUIB بغداد
ماهیت + سال تأسیس	۲۰۰۷؛ نخستین دانشگاه غیردولتی- غیرانتفاعی با الگوی آمریکایی در عراق؛ تأسیس شده برای جایگزینی مدل سنتی سخنرانی-حفظ-تکرار	۲۰۱۴؛ دانشگاه غیردولتی- غیرانتفاعی؛ با هدف توسعه سرمایه انسانی و تربیت رهبران آینده کردستان.	۲۰۲۱؛ دانشگاه خصوصی- غیرانتفاعی؛ طراحی شده برای بازسازی نقش بغداد در آموزش عالی با سبک آمریکایی.
ساختار آموزشی-حکمرانی	هیئت امنای بین المللی؛ هسته هنرهای آزاد؛ ۲۲ رشته کارشناسی MBA +؛ برنامه آمادگی آکادمیک برای اکثر ورودی‌ها؛ دانشکده‌های متنوع از علوم اجتماعی تا مهندسی و پزشکی.	هیئت امنای مستقل؛ چهار دانشکده اصلی (مهندسی، هنر و علوم، بازرگانی، پرستاری)؛ تأکید بر آموزش کاربردی و مهارت محور؛ مرکز یادگیری و تدریس برای تضمین استانداردهای آمریکایی.	هیئت امنای ۱۵-۱۱ نفره عمدتاً عراقی - آمریکایی؛ چندین کالج (هنر و علوم، مهندسی، تجارت، حقوق، دندان پزشکی، داروسازی، سلامت)؛ دو سال هسته لیبرال آرتس سپس تخصصی سازی.
مراکز پژوهشی و سیاستی	مراکز شاخص: مطالعات منطقه‌ای و بین المللی (IRIS)، مرکز جنسیت، مرکز میراث فرهنگی، مرکز هنر و فرهنگ، مرکز نوآوری. تمرکز قوی بر سیاست پژوهی و تحلیل عراق / اقلیم.	مراکز کلیدی: مرکز صلح و امنیت انسانی، مرکز تعالی یادگیری، مرکز نوآوری و کارآفرینی، مرکز مطالعات جنسیت، مرکز مطالعات کره. همچنین ابتکار K-۱۹ برای اصلاح سیاست آموزشی اقلیم.	مراکز برجسته: مرکز تحقیقات سیاست عمومی (حکمرانی، تنوع، جوانان)، مرکز تغییرات اقلیم و امنیت آب. «فضای آمریکایی» به عنوان ابزار علمی- فرهنگی و سکوی برنامه‌های تبادل و دیپلماسی عمومی.
پیوند با آمریکا	همکاری با نهادهای آمریکایی در مدیریت دانشگاه، حضور استادان خارجی، پیوند پایدار مراکز پژوهشی با نهادهای بین المللی، جذب حمایت و مشارکت دانشگاه‌های آمریکا.	الگوی مدیریتی و آموزشی آمریکایی؛ حضور استادان آمریکایی و همکاری دانشگاه با دولت آمریکا در برخی بورسیه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای؛ الهام گرفته از نظام هنرهای آزاد.	قوی ترین اتصال رسمی به ایالات متحده؛ حضور «فضای آمریکایی»، مشارکت نظام مند با وزارت خارجه آمریکا، مشارکت با دانشگاه‌های بزرگ آمریکا مانند ندریلت و ایفای نقش ابزاری در دیپلماسی عمومی.

مأخذ: همان.

بررسی تطبیقی این دانشگاه‌ها، الگوهای مشترک و تفاوت‌های راهبردی آنها را آشکار می‌کند:

الف) الگوهای مشترک

نخست، مدل هنرهای آزاد: این مدل، مبنای ادعایی پرورش تفکر انتقادی، مهارت‌های ارتباطی و شهروندی مسئول در کنار آموزش تخصصی است. تمام دانشگاه‌ها، دانشجویان را پیش از تخصص، در معرض یک هسته درسی مشترک از علوم انسانی، اجتماعی و طبیعی قرار می‌دهند. این مدل، مبنای تغییر الگوواره (پارادایم) کلان از تخصص گرایی افراطی به جامعیت نسبی است.

دوم، حکمرانی فراملی: ثبت منشور در آمریکا و اداره توسط هیئت امنای مستقل با ترکیب آمریکایی- بومی، استقلال از دولت میزبان و هم راستایی با استانداردهای اعتبار بخشی آمریکایی را تضمین می‌کند.

سوم، نقش فرا آموزشی: همه این نهادها، خود را نه فقط دانشگاه، بلکه «بازیگر توسعه»، «مرجع سیاستی» یا «شبکه ارتباط نخبگانی»

تعریف کرده‌اند. این نقش از طریق سه سازوکار عملیاتی می‌شود: مراکز پژوهشی با دستور کار سیاستگذارانه، دفاتر خدمات شغلی برای تکمیل چرخه آموزش تا اشتغال و شبکه‌های فارغ‌التحصیلان برای حفظ ارتباط بلندمدت. چهارم، دانشگاه‌ها در این نگاه صرفاً خود را در ابعاد آموزشی دانشجویان مسئول ندانسته، بلکه با دایر کردن مراکز اشتغال، خود را مسئول اتصال زنجیره آموزش به اشتغال و حتی ابعاد مادی زیست دانشجویان می‌دانند.

ب) تمایزها در مقیاس و موقعیت

– دانشگاه آمریکایی بیروت با ۸۲ هزار فارغ‌التحصیل، بودجه عملیاتی ۸۹۶ میلیون دلاری و گسترش به قبرس، یک قدرت اقتصادی و فکری مستقل است.

– دانشگاه آمریکایی قاهره با ۵۲ هزار فارغ‌التحصیل و موقعیت در قاهره، قلب سیاسی و فرهنگی جهان عرب را در اختیار دارد.

– دانشگاه آمریکایی سلیمانیه اثبات کرده که این مدل در عراق نیز می‌تواند به اشتغال‌پذیری بالا (۸۰٪) منتهی شود، هر چند مقیاس آن (۱۳۵۰ دانشجوی) هنوز محدود است.

– دانشگاه آمریکایی کردستان با طرح K-۱۹ نشان می‌دهد که مأموریت‌های این نهادها می‌تواند از مرزهای دانشگاه فراتر رفته و به اصلاح نظام آموزشی ملی برسد.

– دانشگاه آمریکایی بغداد با «فضای آمریکایی»، دانشکده حقوق پیشرو و رادیوی رسمی، ابزارهای نفوذ را به شکل قابل توجهی در خود جمع کرده است. با این حال، اتکای نسبی آن به منابع مالی خارجی، یک آسیب‌پذیری نهادی بالقوه است.

۲-۳. بورسیه‌های بلندمدت و مدیریت تحصیلی

موازی با تأسیس دانشگاه‌های فیزیکی در منطقه، ایالات متحده یک زیرساخت نرم‌افزاری برای هدایت نظام‌مند نخبگان منطقه به سمت نظام آموزش عالی خود ایجاد کرده است. این زیرساخت از دو رکن اصلی تشکیل شده است: بورسیه‌های تحصیلی بلندمدت با تأمین مالی کامل و شبکه‌ای از دفاتر مشاوره و آزمون که نقش و تسهیلگر را ایفا می‌کنند. تحلیل این بخش نشان می‌دهد که چگونه یک مسیر رسمی برای مهاجرت تحصیلی نخبگان به آمریکا طراحی و مدیریت می‌شود. برنامه‌هایی مانند فولبرایت، خدمات هدایت تحصیلی آمیدیست، بورسیه‌های مدیریت‌شده توسط IIE و آکادمی آموزش آمریکا و... در ادامه معرفی شده است.

برنامه فولبرایت:^۱ برنامه فولبرایت که از سال ۱۹۴۶ با هدف «تقویت درک متقابل میان ملت‌ها» پایه‌گذاری شد، قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین بورسیه، تبادل آموزشی آمریکاست. این برنامه که معاضد با قانون فولبرایت مصوب کنگره نیز هست اکنون با بیش از ۱۶۰ کشور همکاری دارد و منابع اصلی آن از بودجه سالیانه کنگره و از مسیر دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه (ECA) تأمین می‌شود. این قانون، وزارت خارجه را مجاز به تأمین مالی «مطالعات، پژوهش و آموزش» برای اتباع خارجی در «مدارس و مؤسسات آموزشی آمریکایی در داخل یا خارج از ایالات متحده» می‌کند^۲ و هم‌زمان، امکان «بازدیدها و تبادلات دانشمندان، محققان، رهبران و سایر خبرگان» را نیز فراهم می‌سازد. در سطح سیاستگذاری، «هیئت بورسیه‌های خارجی فولبرایت» با اعضای منصوب رئیس‌جمهور، چارچوب‌های راهبردی را تعیین می‌کند، اما اجرای عملیاتی آن به یک شبکه از پیمانکاران غیردولتی واگذار شده که در منطقه، مؤسسه آموزش بین‌المللی (IIE) و آمیدیست نقش اصلی را ایفا می‌کنند [۳] و [۴۵].

برنامه «دانشجویان خارجی فولبرایت» مسیر اصلی دریافت بورسیه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، متخصصان جوان و هنرمندان غیر آمریکایی است. فرایند جانمایی دانشگاهی از دو الگو پیروی می‌کند: «جانمایی توسط نهاد تخصصی» (که IIE برای بخش‌هایی از خاورمیانه و آمیدیست برای کشورهای منطقه انجام می‌دهند) یا «جانمایی خودمختصی». گستره جغرافیایی این برنامه در منطقه قابل توجه

1. Fullbright

2. 22 U.S.C. § 2452 (a)



است: افغانستان، بحرین، عراق، قطر، عربستان، امارات، ارمنستان، ترکیه، مصر، کویت، عمان، لبنان، یمن و سوریه. نکته حائز اهمیت آنکه در کشورهای که «کمسیون دوجانبه فولبرایت» وجود دارد (مانند مصر، مراکش، اردن و ترکیه)، این کمسیون‌ها با بودجه مشترک آمریکا و دولت میزبان، وظایفی چون تعیین اولویت‌ها، جذب نامزدها و پشتیبانی از فارغ‌التحصیلان را بر عهده دارند. در سایر کشورها، این وظایف مستقیماً به سفارتخانه‌های آمریکا واگذار می‌شود [۴۶].

برنامه «دستیار آموزش زبان خارجی فولبرایت» نیز شاخه‌ای دیگر از این بورسیه است که معلمان و مربیان جوان از بیش از ۵۰ کشور (از جمله ۱۵ کشور منطقه منا) را برای یک دوره ۹ تا ۱۰ ماهه به دانشگاه‌های آمریکا اعزام می‌کند. این برنامه که شرکت‌کنندگان در آن تا ۲۰ ساعت در هفته به آموزش زبان مادری خود می‌پردازند، هم‌زمان تجربه مستقیم از نظام دانشگاهی آمریکا را برای آنان فراهم می‌کند و زبان و فرهنگ کشورهای منطقه را به کلاس‌های درس آمریکا می‌آورد. شرط غیرقابل تمدید بودن این دوره و الزام به بازگشت، نشان‌دهنده طراحی آن برای اثرگذاری بر جوامع مقصد است [۴۷].

خدمات هدایت تحصیلی آمیدیست: سازمان آموزش و تبادلات آمریکا-خاورمیانه (آمیدیست) که از سال ۱۹۵۱ فعالیت می‌کند، یکی از ارکان اصلی زیرساخت هدایت تحصیلی در منطقه است. این نهاد غیرانتفاعی با شبکه‌ای از بیش از ۲۰ دفتر در ۱۱ کشور منطقه و بودجه سالیانه ۵۱ میلیون دلاری (در سال ۲۰۲۲)، چهار خدمت کلیدی را ارائه می‌دهد: برگزاری آزمون‌های استاندارد بین‌المللی (مانند تافل و آیلتس)، خدمات مشاوره تحصیلی برای مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در آمریکا، آموزش زبان انگلیسی و مهارت‌های کاربردی و مدیریت بورسیه‌های تحصیلی (از جمله فولبرایت). آمیدیست به‌عنوان یک «پنجره ورود»، عملاً مسیر رسمی و معتبر برای مهاجرت تحصیلی به آمریکا را کنترل می‌کند. در عراق، این نهاد از سال ۱۹۵۳ حضور دارد و دفتر آن در اربیل، مجموعه‌ای از برنامه‌های آموزش زبان، توسعه مهارت و خدمات راهنمایی تحصیلی را ارائه می‌دهد. داده‌های سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که خدمات آمیدیست در منطقه، نزدیک به ۲۰۰۰ دانشجو در برنامه‌های تبادل، حدود ۱۹۰۰ زن و جوان در طرح‌های توانمندسازی و بیش از ۱۰۰ هزار نفر در حوزه راهنمایی تحصیلی را پوشش داده است [۴۸]، [۴۹] و [۵۰].

بورسیه‌های مدیریت شده توسط IIE و آکادمی آموزش آمریکا: مؤسسه آموزش بین‌المللی (IIE) که از سال ۱۹۱۹ فعالیت می‌کند، علاوه بر نقش خود در فولبرایت، چندین بورسیه اختصاصی دیگر را نیز مدیریت می‌کند. «بورسیه هوبرت هامفری»، «برنامه محققان و رهبران عراق» از نمونه طرح‌های اجرا شده توسط این بنیاد هستند که سابقاً معرفی شدند. IIE همچنین خدماتی در زمینه «ظرفیت‌سازی نهادی» برای دانشگاه‌های منطقه ارائه می‌دهد، از جمله برگزاری جلسات سطح بالا، دسترسی به تحقیقات سیاست‌گذاری و سازماندهی کنفرانس‌های «بهترین شیوه‌ها» که نشانگر مداخلات سیاسی این بنیاد است [۵۱].

آکادمی آموزش آمریکا:^۱ این آکادمی، برنامه توانمندسازی آموزشی و هدایت تحصیلی پیش‌دانشگاهی برای دانش‌آموزان دبیرستانی کشورهای خارجی است. آکادمی با کارگاه‌های نگارش در مقطع دانشگاه، بازدید از دانشگاه‌ها و محتوای تخصصی آمادگی ورود به دانشگاه، دانش‌آموزان را برای مسیر اخذ پذیرش بورسیه، زندگی دانشگاهی و استانداردهای آکادمیک آمریکایی آماده می‌کند. این برنامه، حلقه واسطی است که خروجی مرحله «مهندسی هویت نوجوان» (راهبرد اول) را به ورودی نظام آموزش عالی آمریکا (راهبرد دوم) متصل می‌سازد [۵۲]. بررسی این مجموعه برنامه‌ها نشان می‌دهد که ایالات متحده یک «زیست‌بوم هدایت تحصیلی» کامل طراحی کرده است که از شناسایی استعدادها (آزمون‌های آمیدیست) آغاز شده، با مشاوره و آماده‌سازی (آمیدیست و مؤسسه آموزش آمریکا) ادامه می‌یابد، به بورسیه‌های بلندمدت (فولبرایت، هامفری، برنامه عراق) می‌رسد و در نهایت، با شبکه‌های فارغ‌التحصیلان و خدمات ظرفیت‌سازی نهادی مؤسسه آموزش بین‌المللی (IIE) تداوم می‌یابد. نکته قابل توجه، تقسیم کار تخصصی میان نهادهاست: ECA سیاستگذار و تأمین‌کننده مالی، مؤسسه آموزش بین‌المللی مدیر بورسیه‌های بلندمدت و آمیدیست دروازه‌بان و هدایت‌گر در میدان. این تقسیم کار، چابکی عملیاتی و مقیاس‌پذیری را با کنترل راهبردی دولت ترکیب کرده است.

بررسی نتایج: اشتغال‌پذیری، مهاجرت نخبگان و سویه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که اشتغال‌پذیری در دانشگاه آمریکایی سلیمانیه که مدل آموزش آمریکایی در عراق است توانسته به نرخ اشتغال حدود ۸۰٪ برای فارغ‌التحصیلان خود دست یابد (با متوسط حقوق ۱۴۷۰ دلار). داده‌های دانشگاه آمریکایی بیروت نیز از رتبه سوم در منطقه منا و سی‌وسوم جهانی در «پیامدهای اشتغال» (رتبه‌بندی QS ۲۰۲۶) حکایت دارد. با این حال، باید توجه داشت که این ارقام محدود به نمونه‌های خاص هستند و قابلیت تعمیم به کل سیستم را ندارند. همچنین شکاف درآمدی جنسیتی (۱۱٪ در دانشگاه آمریکایی سلیمانیه) اگرچه نسبت به گذشته کاهش یافته، اما همچنان وجود دارد [۳۷].

مهاجرت نخبگان: طراحی برنامه‌هایی مانند «دستیار آموزش زبان خارجی فولبرایت» با شرط «بازگشت به کشور مبدأ» نشان‌دهنده برنامه جدی طراحان برای انجام اصلاحات آمریکایی در کشورهای هدف است.

جهت‌دهی به پژوهش: شبکه مراکز پژوهشی در هر پنج دانشگاه تحلیل شده (از IRIS در دانشگاه آمریکایی سلیمانیه تا عصام فارس در بیروت و مرکز تحقیقات سیاست عمومی در بغداد) نشان‌دهنده جهت‌دهی نظام‌مند پژوهش به سمت حوزه‌های اولویت‌دار برای ایالات متحده است: حکمرانی، صلح و امنیت، افراط‌گرایی، جنسیت و تغییرات اقلیمی. این مراکز با «تولید گزینه‌های سیاستی برای بازیگران داخلی و بین‌المللی»، عملاً دانشگاه‌ها را به بازیگرانی در فرایند تصمیم‌سازی کشورهای میزبان تبدیل کرده‌اند.

۳-۳. راهبرد سوم: دیپلماسی فرهنگی (سنتی و رقومی (دیجیتال))

سومین راهبرد ایالات متحده در منطقه، بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی، هنری، ورزشی و رسانه‌ای برای شکل‌دهی به روایت‌های اجتماعی و اثرگذاری در لایه‌های عمیق‌تر جوامع و نیز طبقات جوان جامعه، چراکه اغلب افراد کنشگر و مخاطب در این حوزه‌ها جوانان و نوجوانان هستند. این سیاست که اغلب ذیل عنوان دیپلماسی عمومی یا قدرت نرم طبقه‌بندی می‌شود، از دو مسیر موازی پیش می‌رود:

نخست، دیپلماسی فرهنگی سنتی که از طریق ادبیات، موسیقی و ورزش به دنبال ایجاد تأثیرات عمیق فرهنگی است؛

دوم، دیپلماسی دیجیتال که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، به دنبال مقیاس‌پذیری انبوه و شکل‌دهی به هویت نسل دیجیتال است. در کنار این دو، فضاها و آمریکایی به عنوان پایگاه‌های فرهنگی دائمی، بخشی از زیرساخت فیزیکی این راهبرد را تشکیل می‌دهند.

۳-۳-۱. دیپلماسی فرهنگی سنتی: ادبیات، موسیقی و ورزش

برنامه‌های این بخش، هنرمندان، نویسندگان، موسیقی‌دانان و ورزشکاران را هدف قرار می‌دهند و با فراهم کردن فضا، منابع و ارتباطات، آنان را در شبکه فرهنگی آمریکا ادغام می‌کنند. وجه مشترک این برنامه‌ها، رویکرد «دیپلماسی مردم با مردم» است؛ رویکردی که به جای انتقال مستقیم پیام سیاسی، بر خلق تجربه مشترک انسانی و هنری تکیه دارد.

در ادامه برنامه‌های ذیل این بخش که عبارت‌اند از: برنامه بین‌المللی نویسندگی دانشگاه آیووا، گردهمایی موسیقیایی وان‌بیت، برنامه بازدیدکنندگان ورزشی، برنامه‌های مرکز بین‌المللی روزنامه‌نگاران اشاره می‌شود.

برنامه بین‌المللی نویسندگی دانشگاه آیووا (IWP): این برنامه که یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین برنامه‌های اقامتی نویسندگی چندفرهنگی در جهان است، هر سال در فصل پاییز حدود ۲۵ تا ۳۵ نویسنده شناخته‌شده یا نوظهور را از کشورهای مختلف به شهر آیووا سیتی دعوت می‌کند. این اقامت ده‌هفته‌ای، فضایی برای تبادل فرهنگی میان نویسندگان، کار بر روی طرح‌های شخصی و تعامل با فضای ادبی و دانشگاهی آمریکا فراهم می‌کند. شرکت‌کنندگان همچنین با مخاطبان آمریکایی و جوامع ادبی در نقاط مختلف ایالات متحده ارتباط برقرار می‌کنند. نکته قابل تأمل آنکه امکان ثبت نام مستقیم وجود ندارد و متقاضیان باید از طریق سفارت یا کنسولگری آمریکا معرفی شوند. شرط داشتن حداقل یک کتاب منتشر شده یا آثاری در نشریات معتبر طی دو سال گذشته^۱ نشان می‌دهد که این برنامه به دنبال نویسندگانی است که پیش از این در جوامع خود تثبیت شده‌اند و می‌توانند به تکثیرکنندگان روایت مطلوب تبدیل شوند.

1. International Writing Program (IWP) at the University of Iowa



علاوه بر اقامت پاییزی، این برنامه هر ساله چندین دوره آموزشی آنلاین گسترده (MOOC) در زمینه نویسندگی خلاق به صورت رایگان برای شهروندان آمریکایی و غیر آمریکایی برگزار می‌کند. این دوره‌ها با بهره‌گیری از ویدئوهای آموزشی، بحث‌های گروهی و تکالیف خواندن و نوشتن، تجربه نویسندگان حاضر در اقامت پاییزی را به مخاطبان جهانی منتقل می‌سازند [۵۳].

گردهمایی موسیقایی وان بیت: این برنامه یک تبادل موسیقایی بین‌المللی است که موسیقی‌دانان ۱۹ تا ۳۵ سال از کشورهای مختلف را طی یک دوره چهار هفته‌ای در آمریکا گردهم می‌آورد تا به شکل مشترک آثار موسیقی اصیل را خلق، تولید و اجرا کنند. وان بیت خود را فراتر از یک فعالیت صرفاً اجرایی تعریف می‌کند و سه محور گفت‌وگو، خلق اثر و تعامل اجتماعی را هم‌زمان پیش می‌برد. در فراخوان رسمی آن، صراحتاً به «دیپلماسی مردم با مردم» و «دیپلماسی نوآورانه» اشاره شده است.

شرایط پذیرش، گویای رویکرد گزینشی آن است: متقاضیان باید از نظر سبک، شعر یا فناوری، نوآور باشند و «آمادگی عبور از مرزهای فرهنگی و موسیقایی» را داشته باشند. همچنین لازم است در جوامع محلی نقش فعالی ایفا کنند؛ از جمله از طریق «استفاده از موسیقی برای ترویج صلح و دموکراسی، یا احیای سنت‌های موسیقایی». در منطقه غرب آسیا، عراق، لبنان و اردن در فهرست ۴۰ کشور واجد شرایط قرار دارند. محدودیت «سابقه اندک سفر یا اجرا در آمریکا» نیز همسو با منطق گزینشی سایر برنامه‌های تحلیل شده است [۵۴].

برنامه بازدیدکنندگان ورزشی: این برنامه، یک تبادل سریع دوهفته‌ای برای ورزشکاران و مربیان جوان غیر نخبه^۱ است که توسط هیئت‌های آمریکایی در خارج از کشور انتخاب می‌شوند. محتوای دوره شامل جلساتی درباره تغذیه، قدرت و آمادگی جسمانی، برابری جنسی در ورزش (با ارجاع به قانون Title IX)، ورزش و معلولیت و تیم‌سازی است. تأکید ویژه‌ای بر «توسعه برنامه‌های اقدام شخصی» بازدیدکنندگان پس از بازگشت وجود دارد. برخلاف بسیاری از برنامه‌های دیگر، فراخوان عمومی برای این برنامه وجود ندارد و گزینش کاملاً توسط سفارت‌ها و کنسولگری‌های آمریکا انجام می‌شود [۵۵].

برنامه‌های مرکز بین‌المللی روزنامه‌نگاران: این مرکز در کنار ادبیات، موسیقی و ورزش، «روزنامه‌نگاری» نیز یکی از حوزه‌های هدف دیپلماسی فرهنگی آمریکاست. مرکز بین‌المللی روزنامه‌نگاران، یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در واشنگتن، با شبکه‌ای متشکل از ۱۷۷ هزار روزنامه‌نگار در ۱۲۵ کشور، برنامه‌های متعددی را برای تجهیز حرفه‌ای راپیان اخبار در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا اجرا کرده است. این برنامه‌ها عمدتاً برای روزنامه‌نگاران شاغل طراحی شده‌اند و از این رو در ماتریس اصلی تربیت مستعدان و نخبه‌پروری این گزارش قرار نمی‌گیرند، اما نقش مکمل آنها در تقویت زیرساخت روایی دیپلماسی فرهنگی غیرقابل انکار است [۵۶]. این برنامه عبارت‌اند از:

● **برنامه مشارکت بخشی:**^۴ آموزش روزنامه‌نگاران و تولیدکنندگان محتوا در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، این برنامه که با مشارکت شرکت متا (فیس‌بوک سابق) اجرا شد، روزنامه‌نگاران و تولیدکنندگان محتوای عرب‌زبان را در چهار حوزه تخصصی «روزنامه‌نگاری روایی»، «گزارشگری ویدئویی»، «روزنامه‌نگاری داده» و «توسعه مخاطب» آموزش داد. هدف، تجهیز کنشگران رسانه‌ای جوان منطقه به جدیدترین مهارت‌های دیجیتال برای تقویت داستان‌گویی و افزایش دامنه نفوذ محتوای تولیدی آنها بود.

● **برنامه ایجاد شبکه‌ای برای حقیقت:** مقابله با اطلاعات نادرست در شمال آفریقا^۵ این برنامه با مشارکت «تمرکز توسعه رسانه‌ای»^۶ و با تمرکز بر الجزایر، لیبی و تونس اجرا شد. در چارچوب این برنامه، روزنامه‌نگاران و نوآوران رسانه‌ای در شمال آفریقا ابزارها و دانش لازم برای مقابله با اطلاعات نادرست را فراگرفتند و هم‌زمان، شبکه‌ای منطقه‌ای برای تقویت تاب‌آوری زیست‌بوم اطلاعاتی در برابر بحران‌های نوظهور اطلاعاتی شکل گرفت.

1. OneBeat
2. Sports Visitor
3. Non-Elite Athletes and Coaches
4. Engage
5. Building a Network for Truth
6. MDC

● **برنامه روزنامه‌نگاری داده در تونس:** مهارت‌هایی برای پیشبرد گزارش‌دهی باکیفیت بالا. این برنامه با حمایت مالی سفارت ایالات متحده در تونس و با مشارکت مرکز توسعه رسانه‌ای اجرا شد. هدف آن، ارتقای مهارت‌های روزنامه‌نگاری داده در میان خبرنگاران تونسی و ارائه کمک‌های مالی برای پیگیری طرح‌های گزارش‌دهی مبتنی بر داده بود.

● **برنامه تقویت صداها به حاشیه رانده‌شده در اردن:**^۱ این برنامه با بودجه وزارت خارجه آمریکا (سفارت ایالات متحده در اردن) اجرا شد و هدف آن توانمندسازی گروه‌های به حاشیه رانده‌شده در جامعه اردن از طریق ارائه مهارت‌های نوآورانه رسانه‌ای و تولید محتوا بود تا بتوانند داستان‌های خود را به شکلی مؤثر به مخاطبان گسترده‌تری منتقل کنند.

● **بورسیه رسانه‌ای برای نوآوری دیجیتال:** این بورسیه رقابتی که با مشارکت شرکت نیوز کورپ (مالک وال استریت ژورنال و تایمز لندن) اجرا می‌شود، هر سال روزنامه‌نگارانی را از یک منطقه خاص برای یک اقامت یک‌ماهه در دفاتر روزنامه وال استریت در نیویورک و تایمز در لندن انتخاب می‌کند. شرکت‌کنندگان طی این دوره، مستقیماً با فرایندهای اتاق خبر دیجیتال آشنا می‌شوند و مهارت‌های خود را در زمینه‌هایی مانند تحلیل مشارکت مخاطبان، مدیریت طرح دیجیتال و استراتژی‌های نوآوری در خبرنگاری ارتقا می‌دهند. این برنامه علاوه بر بورسیه اصلی، شامل دو وبینار آموزشی و چهار کمک هزینه نوآوری خبری برای روزنامه‌نگاران منتخب نیز می‌شود.

ICFJ نیز مانند سایر نهادهای غیرانتفاعی تحلیل‌شده در این گزارش، از ترکیب بودجه دولتی (وزارت خارجه و سفارت‌ها) و منابع خصوصی (متا و بنیاد اسکریپس هاوارد)^۲ بهره می‌برد [۵۷].

از دیگر برنامه‌هایی که در این راهبرد دنبال می‌شود می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

دیپلماسی آشپزی: برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی رهبری (IVLP) که پیش‌تر ذیل راهبرد اول تحلیل شد، در مواردی میزبان متخصصان آشپزی از کشورهای مختلف بوده است. برای نمونه، در یکی از دوره‌های این برنامه، متخصصان آشپزی از ۲۵ کشور جهان به آمریکا سفر کردند تا ضمن آشنایی با فرهنگ غذایی این کشور، تجربه خود را با هم‌تایان آمریکایی به اشتراک بگذارند. این برنامه نیز در امتداد همان منطق «دیپلماسی مردم با مردم» قرار می‌گیرد که در آن، آشپزی به مثابه یک زبان فرهنگی مشترک، بستری برای تعامل انسانی و کاهش کلیشه‌های فرهنگی فراهم می‌کند [۵۸].

۳-۳-۲. دیپلماسی دیجیتال: آموزش مجازی، تبادل برخط و بازی وارسازی (گیمیفیکیشن)

موازی با دیپلماسی سنتی، ایالات متحده سرمایه‌گذاری قابل توجهی بر زیرساخت‌های دیجیتال برای تأثیرگذاری عمیق فرهنگی انجام داده است. این برنامه‌ها با بهره‌گیری از پلتفرم‌های تعاملی، به دنبال پرورش نسلی از «شهروندان جهانی» با سواد دیجیتال و مهارت‌های راهبری اجتماعی همسو با ارزش‌های آمریکایی هستند. در ادامه برنامه‌های این بخش که عبارت‌اند از: برنامه آزمایش رقومی، شبکه آنلاین زبان انگلیسی و نوآوری‌های استیم مورد بررسی و معرفی قرار می‌گیرد.

برنامه آزمایش رقومی:^۳ این برنامه که از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۶ با پشتیبانی دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا، ابتکار استیونز و بنیاد خانواده بزوس اجرا می‌شود، نسل جدیدی از تبادلات شبکه‌سازی مجازی را هدف قرار داده است. آزمایش دیجیتال با بهره‌گیری از پلتفرم‌های دیجیتال تعاملی، دانش‌آموزان دبیرستانی را از ده‌ها کشور (از جمله ۱۵ کشور منطقه منا) به یکدیگر متصل می‌سازد. دوره‌های شش تا هشت هفته‌ای آن بر پایه ویدئو، چت، کارگاه‌های آنلاین، بازی‌های آموزشی و درس‌های تعاملی عمل می‌کنند.

سه قالب اصلی برنامه عبارت‌اند از: مدیریت بر پایه استیم (با تمرکز بر طراحی و اجرای طرح‌های علمی - فناوری در جوامع محلی)، راهبری جوانان بر پایه خدمات اجتماعی (با هدایت دانش‌آموزان به طراحی طرح اجتماعی واقعی) و تبادل زبان انگلیسی - اسپانیایی. هدف اعلامی

1. Bridging Boundaries
2. Scripts Howard Foundation
3. Digital Experiment



برنامه، پرورش رهبران مدنی آینده و ترویج مفهوم شهروند جهانی است. مفهوم «شهروند جهانی» در این بستر اگر چه به ظاهر بی طرف و مبتنی بر همدلی است، اما در عمل از طریق تعریف طرح‌های اجتماعی با چارچوب‌های آمریکایی، به تثبیت نظم‌روایی مطلوب و اشنگتن می‌انجامد. مدیریت این برنامه بر عهده سازمان یادگیری جهانی است [۵۹].

شبکه آنلاین زبان انگلیسی: این برنامه، فرصتی برای یادگیری مجازی مربیان، متخصصان و زبان‌آموزان انگلیسی در سراسر جهان فراهم می‌کند و از طریق دوره‌ها و منابع آنلاین رایگان، ظرفیت تدریس زبان انگلیسی را افزایش می‌دهد. این، همچنین به دنبال «افزایش درک از جامعه، فرهنگ و ارزش‌های ایالات متحده» و ایجاد فضایی برای تبادل فرهنگی دوسویه است. دسترسی به این برنامه صرفاً از طریق معرفی سفارت آمریکا یا دفاتر منطقه‌ای زبان انگلیسی امکان‌پذیر است که نشان‌دهنده کنترل بر فرایند گزینش است.

نوآوری‌های استیم^۱ و شبکه کدنویسان نسل بعدی: این دو برنامه که با حمایت مالی طرح تبادل مجازی استیونز و اجرای بنیاد یادگیری جهانی برگزار می‌شوند، به ترتیب ۷۰۰ جوان از الجزایر، عراق، عربستان و آمریکا و نیز دانشجویان و متخصصان جوان از عراق، کویت، فلسطین و آمریکا را در قالب تبادلات مجازی ۸ تا ۱۰ هفته‌ای گردهم می‌آورند. برنامه نوآوری‌های استیم بر کاوش مسیرهای تحصیلی و شغلی در حوزه‌های علوم، فناوری، مهندسی، هنر و ریاضی متمرکز است و مهارت‌های حل مسئله، تفکر خلاق، کار تیمی و جریان‌سازی اجتماعی را تقویت می‌کند. شبکه کدنویسان نسل بعدی نیز شرکت‌کنندگان را در قالب تیم‌های حداکثر شش نفره به طراحی وب‌سایت یا اپلیکیشن برای حل یک چالش اجتماعی بزرگ هدایت می‌کند. خروجی نهایی در قالب «تمایشگاه راه‌حل‌ها» ارائه می‌شود. فارغ‌التحصیلان هر دو برنامه به شبکه‌های فارغ‌التحصیلان وزارت خارجه و بنیاد یادگیری جهانی می‌پیوندند [۶۰] و [۶۱].

۳-۳-۳. پایگاه‌های فرهنگی دائمی: فضاهای آمریکایی^۲

علاوه بر برنامه‌های موقت، ایالات متحده شبکه‌ای از پایگاه‌های فرهنگی دائمی تحت عنوان «فضاهای آمریکایی» ایجاد کرده است. براساس آخرین گزارش سالیانه این شبکه (FY2024)، در حال حاضر ۷۰۶ مرکز در ۱۴۱ کشور جهان و ۱۶۹ شهر فعالیت می‌کنند. در سال مالی ۲۰۲۴، ۴۱ فضای جدید افتتاح شده و این مراکز تا کنون میزبان نزدیک به ۲۰ میلیون شرکت‌کننده در برنامه‌های خود بوده‌اند. این فضاها که معمولاً در کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی، دانشگاه‌ها و گاه ساختمان‌های مستقل مستقر هستند، مأموریت رسمی خود را «ارائه اطلاعات دقیق درباره ایالات متحده»، «کاهش برداشت‌های منفی» و «شکل‌گیری فهم متقابل میان مردم میزبان و آمریکا» اعلام کرده‌اند. برنامه‌های این شبکه پیرامون ۶ محور اصلی سازماندهی می‌شود: آموزش زبان انگلیسی، ترویج فرهنگ آمریکا، نوآوری و فناوری، فرصت‌های تحصیلی^۳، تبادل رهبران و دسترسی به اطلاعات معتبر.

در سطح منطقه‌ای، شبکه فضاهای آمریکایی در غرب آسیا و شمال آفریقا (MENA) یکی از کانون‌های راهبردی دیپلماسی عمومی آمریکا محسوب می‌شود. اولویت‌های این مراکز در منطقه توانمندسازی جوانان، کارآفرینی، آموزش زبان انگلیسی و مقابله با روایت‌های نادرست درباره آمریکا ذکر شده است. در این منطقه، «فضای آمریکایی» مستقر در دانشگاه آمریکایی عراق-بغداد (AUIB) به عنوان بزرگ‌ترین در نوع خود در خاورمیانه و یکی از بزرگ‌ترین‌ها در جهان شناخته می‌شود. این مرکز که در دل یک دانشگاه آمریکایی قرار دارد، چهار کارکرد اصلی را پیش می‌برد: آگاهی‌بخشی درباره تاریخ، ارزش‌ها و سیاست‌های آمریکا، ترویج زبان انگلیسی؛ معرفی مسیر تحصیل در ایالات متحده و حفظ ارتباط با فارغ‌التحصیلان برنامه‌های تبادل آمریکایی. قرارگیری آن در AUIB - که خود یک بستر نفوذ است - یک هم‌افزایی راهبردی ایجاد می‌کند: دانشگاه، مشروعیت آکادمیک و مخاطب نخبه را تأمین می‌کند و فضای آمریکایی، دیپلماسی عمومی را در دل این زیست‌بوم به پیش می‌برد.

علاوه بر این، گزارش ۲۰۲۴ بر دو ابتکار کلیدی تأکید دارد که می‌تواند برای تحلیل وضعیت منطقه مناسبت‌مند باشد:

1. STEAM Innovations
2. American Spaces
3. EducationUSA

نخست، برنامه «دیدن آمریکا»^۱ که طی آن ۲۰ هماهنگ‌کننده محلی فضاهاى آمریکایی (از جمله از مناطقی که پیشتر به آمریکا سفر نکرده بودند) در یک تبادل ۱۰ روزه شرکت کردند تا ظرفیت خود را برای انتقال ارزش‌ها و نوآوری‌های آمریکا افزایش دهند.

دوم، توسعه مشارکت‌های عمومی-خصوصی (مانند همکاری با بنیاد شورو در حوزه آموزش STEM و با آمازون در برنامه آکادمی کارآفرینان زن) که الگویی برای تأمین مالی پایدار و مقیاس‌پذیری این فضاها در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا ارائه می‌دهد [۶۲].

تحلیل یکپارچه برنامه‌های این سیاست کلان، چند الگوی مشترک را خصوصاً در مؤلفه‌های مخاطبان، ابزارها و گستره جغرافیایی آشکار می‌کند:

مخاطبان: برنامه‌های فرهنگی سنتی (برنامه بین‌المللی نویسندگی دانشگاه آیووا، وان بیت، بازدید ورزشکار) عمدتاً هنرمندان، نویسندگان، موسیقی‌دانان و ورزشکارانی را هدف قرار می‌دهند که در جوامع خود تثبیت شده یا در آستانه تثبیت هستند. گروه هدف در اینجا نخبگان فرهنگی‌اند که ظرفیت تکثیر روایت و تأثیرگذاری بر افکار عمومی را دارند. در مقابل، برنامه‌های دیجیتال (آزمایش دیجیتال، استیم و کدنویسان) عمدتاً نوجوانان و جوانان دبیرستانی و دانشگاهی را هدف می‌گیرند. این انتخاب، درک آمریکا از اهمیت «نسل دیجیتال» به عنوان حاملان اصلی روایت در آینده را نشان می‌دهد.

ابزارها: ابزار غالب در دیپلماسی سنتی، «اقامت خلاقانه» و «خلق مشترک اثر» است (مانند اقامت ده‌هفته‌ای نویسندگی یا خلق موسیقی در وان بیت). در دیپلماسی دیجیتال، اما ابزارها به سمت «گیمیفیکیشن»، «کارگاه‌های مجازی» و «طراحی طرح‌های استیم محور» چرخش پیدا می‌کند. عنصر مشترک هر دو، الزام به «تولید» (اثر هنری، طرح اجتماعی، اپلیکیشن) به جای «صرف» صرف محتوای آموزشی است. آموزش آنلاین رایگان (دوره‌های آموزشی برخط گسترده (MOOC) در برنامه بین‌المللی نویسندگی دانشگاه آیووا (IWP)، دوره‌های موسوم به آپن) نیز به عنوان ابزار مقیاس‌پذیری انبوه به کار گرفته شده است.

گستره جغرافیایی: برنامه‌های این سیاست کلان در مقایسه با کلان‌سیاست اول (که در برخی کشورها محدود یا متوقف شده بود) گستره وسیع‌تری دارند. وان بیت ۴۰ کشور، آزمایش دیجیتال ۱۵ کشور و برنامه آپن به‌طور جهانی فعال هستند. باین حال، عراق و لبنان تقریباً در تمام این برنامه‌ها حضور دارند که نشان‌دهنده اولویت این دو کشور در دیپلماسی فرهنگی آمریکاست.



جدول ۴. برنامه‌های مندرج ذیل راهبردهای سوم

سازوکار کلیدی	گروه هدف	برنامه	
اقامت ۱۰ هفته‌ای در دانشگاه آیووا؛ معرفی از طریق سفارت؛ دوره‌های آنلاین رایگان برای مخاطب جهانی.	نویسندگان شناخته‌شده یا نوظهور غیرآمریکایی	برنامه نویسندگی آیووا	دیپلماسی فرهنگی سنتی
دوره ۴ هفته‌ای خلق مشترک موسیقی در آمریکا؛ شرط نوآوری و نقش‌آفرینی اجتماعی.	موسیقی‌دانان ۱۹ تا ۳۵ سال	وان بیت	
تبادل ۲ هفته‌ای با تمرکز بر تیم‌سازی و برابری؛ گزینش توسط سفارت‌ها.	ورزشکاران و مربیان غیر نخبه	بازدیدکنندگان ورزشی	
اعطای کمک‌هزینه تحصیلی به دانشجویان مستعد براساس سوابق علمی و تعهد به اخلاق رسانه‌ای.	دانشجویان کارشناسی و کارشناسی‌ارشد رشته روزنامه‌نگاری و ارتباطات	برنامه بورسیه‌های تحصیلی اسکریپس هاوارد	
داوری و اهدای جایزه به بهترین گزارش‌های تحقیقی، خبری، عکاسی خبری و ستون‌نویسی در ۱۵ رشته مختلف.	روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تلویزیونی	جایزه سالیانه اسکریپس هاوارد ^۱	
کارگاه‌های فشرده مدیریتی، مربی‌گری (منتورینگ) و سمینارهای اخلاق حرفه‌ای و تصمیم‌گیری در اتاق خبر.	سرمدیران، مدیران خبری و روزنامه‌نگاران با سابقه حداقل ۵ سال	برنامه آموزش رهبری در روزنامه‌نگاری	
تأمین بودجه و منابع فنی برای پوشش اخبار بومی، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار از رسانه.	روزنامه‌نگاران محلی و خبرگزاری‌های کوچک شهری	طرح‌های حمایت از روزنامه‌نگاری محلی	دیپلماسی دیجیتال
دوره‌های مجازی ۶ تا ۸ هفته‌ای با محوریت مدیریت کلان و خدمات اجتماعی؛ شعار شهروند جهانی.	دانش‌آموزان دبیرستانی از ۱۵ کشور منطقه	آزمایش دیجیتال	
دوره‌های آنلاین رایگان با هدف افزایش درک از ارزش‌های آمریکا؛ دسترسی از طریق معرفی سفارت.	مربیان و زبان‌آموزان انگلیسی	شبکه OPEN	
تبادل مجازی ۸ هفته‌ای با تمرکز بر علوم، فناوری و کارآفرینی.	۷۰۰ جوان از الجزایر، عراق، عربستان و آمریکا	نوآوری‌های استیم	
تبادل ۱۰ هفته‌ای برای طراحی وبسایت یا اپلیکیشن جهت حل چالش اجتماعی.	جوانان عراق، کویت، فلسطین و آمریکا	شبکه کدنویسان نسل بعدی	پایگاه دائمی فرهنگی
۷۰۶ مرکز در ۱۴۱ کشور؛ بزرگ‌ترین در AUIB بغداد با مأموریت کاهش برداشت‌های منفی و ترویج ارزش‌های آمریکایی.	عموم مردم و دانشگاهیان	فضاهای آمریکایی	

مأخذ: همان.

۳-۴. راهبرد چهارم: توانمندسازی اقتصادی و کارآفرینی جوانان

چهارمین راهبرد ایالات متحده در منطقه، به دنبال تکمیل چرخه آموزش تا اشتغال و کاهش آسیب پذیری اقتصادی جوانان از طریق مهارت آموزی، کارآفرینی و حمایت از کسب و کارهای خرد است. این راهبرد که عمدتاً ذیل ابتکار مشارکت خاورمیانه (MEPI) و با اجرای پیمانکارانی چون بنیاد یادگیری جهانی و مؤسسه آموزش بین المللی (IIE) عملیاتی می شود، برخلاف سه کلان سیاست پیشین که عمدتاً بر لایه نخبگانی متمرکز بودند، دامنه مخاطبان خود را به جوانان عادی، زنان کارآفرین و دانشجویان فنی - حرفه‌ای نیز گسترش می دهد. تحلیل این بخش نشان می دهد که چگونه اشتغال و «کارآفرینی» به عنوان حامل هایی برای پیشبرد ارزش های اقتصادی غرب محور و تثبیت الگوی توسعه مطلوب آمریکا به کار گرفته می شوند.

۳-۴-۱. برنامه های مهارت آموزی شغلی

هدف محوری این دسته از برنامه ها، تجهیز جوانان به مهارت های قابل عرضه در بازار و تسهیل ورود آنان به بخش خصوصی است. در ادامه برنامه های اصلی مندرج ذیل این رویکرد معرفی می شوند:

سرمایه گذاری و آموزش زبان انگلیسی برای موفقیت اقتصادی:^۱ این برنامه که با تأمین مالی سفارت آمریکا در بغداد در دسامبر ۲۰۲۱ تا ژوئیه ۲۰۲۲ اجرا شد، ۱۰۰ دانشجوی عراقی را در یک دوره مربی گری یک ساله با محوریت آمادگی شغلی و کارآفرینی در بخش خصوصی تحت پوشش قرار داد. ترکیب برنامه شامل: محتوای آنلاین، مربی گری فردی، تجربه کاری در شرکت های بخش خصوصی و فرصت های شبکه سازی با کارآفرینان و رهبران کسب و کار بود. عنوان برنامه - که صراحتاً «زبان انگلیسی» را با «موفقیت اقتصادی» پیوند می زند - نشان دهنده راهبردی است که در آن، مهارت زبانی به عنوان پیش نیاز ورود به بازار کار متصل به اقتصاد جهانی تعریف می شود [۶۳].

برنامه توسعه مهارت های شغلی جنوب عراق: این برنامه هشت ماهه، ۸۰ دانشجوی کارشناسی و فنی - حرفه ای را در چهار شهر جنوبی عراق (بصره، ذی قار، میسان و مثنی) تحت پوشش قرار داد. ساختار برنامه ترکیبی از آموزش، مربی گری و شبکه سازی بود که در آن دانشجویان در قالب گروه های کوچک با مربیان محلی جفت می شدند.

محتوای آموزشی شامل شناخت مسیرهای شغلی، بهبود آمادگی نیروی کار، زبان انگلیسی تجاری و کارآفرینی بود. هدف نهایی، «ایجاد ارتباطات پایدار با رهبران حرفه ای محلی» و «توسعه مهارت های مدیریت کلان اجتماعی و آمادگی شغلی» اعلام شده است. تمرکز جغرافیایی این برنامه بر جنوب عراق - منطقه ای با محرومیت اقتصادی و سابقه تنش های اجتماعی - نشان دهنده به کارگیری توانمندسازی اقتصادی به عنوان ابزاری برای نفوذ در اقشار کمتر برخوردار منطقه است.

برنامه اشتغال و کارآفرینی بصره: این برنامه هفت ماهه نیز با پوشش ۳۰ دانشجوی کارشناسی در بصره، فرصت های آموزشی، مربی گری و شبکه سازی برای توسعه مهارت های راهبری، آمادگی شغلی و کارآفرینی ارائه داد. نکته قابل تأمل آنکه حتی در برنامه های اشتغال زایی نیز رویکرد رهبر پروری حفظ شده است - الگویی که در سراسر زیست بوم برنامه های آمریکایی مشاهده می شود [۶۴].

۳-۴-۲. کارآفرینی اجتماعی و حمایت از کسب و کارهای خرد

موازی با مهارت آموزی شغلی، دسته دوم برنامه ها بر کارآفرینی و نوآوری اجتماعی به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی و تغییر اجتماعی متمرکز است. در ادامه برنامه های مندرج ذیل این دسته معرفی و مورد بررسی قرار می گیرد.

بنگاه اقتصادی زنان برای پایداری (WES): این برنامه که با مدیریت مؤسسه آموزش بین المللی (IIE) و تمرکز بر تونس اجرا شد، سازمان های تحت مدیریت زنان را توانمند ساخت تا مراکز را به عنوان «بنگاه های اجتماعی» اداره کنند. از طریق این مراکز، زنان کارآفرین مشتاق و تثبیت شده مهارت ها و شبکه های جدیدی کسب کردند. نتایج گزارش شده قابل توجه است: بیش از ۳۰۰ زن آموزش دیدند، بیش



از ۶۵۰ کسب و کار راه اندازی یا گسترش یافت و بیش از ۱۰۰۰ فرصت شغلی ایجاد شد. این برنامه یک مدل از «توانمندسازی اقتصادی زنان» را به نمایش می‌گذارد که در آن، اهداف توسعه‌ای با اهداف برابری جنسیتی درهم تنیده شده است [۵۱].

بورسیه توسعه راهبری (LDF): این برنامه که پیش‌تر ذیل راهبرد اول نیز معرفی شد، به دلیل ماهیت دوگانه‌اش در این بخش نیز قابل تحلیل است. این بورسیه با تأمین مالی ابتکار مشارکت خاورمیانه (MEPI) و اجرای بنیاد یادگیری جهانی ۲۰۲۴-۲۰۱۵، بیش از ۲۰۰ رهبر نوظهور از ۱۱ کشور منطقه را از طریق ارائه مهارت‌های فنی پیشرفته، منابع مالی و شبکه‌های حمایت منطقه‌ای، به «یافتن راه‌حل‌های نوآورانه برای چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی» ترغیب کرد. تمرکز هم‌زمان بر «مشارکت مدنی» و «کارآفرینی اجتماعی» در این برنامه، نشان‌دهنده راهبردی است که «فعال اقتصادی» و «کنشگر مدنی» را دوروی یک سکه می‌بیند [۲۷].

جدول ۵. برنامه‌های مندرج ذیل راهبرد چهارم

سازوکار کلیدی	گروه هدف	برنامه	
دوره یک‌ساله مربی‌گری با محوریت زبان انگلیسی تجاری، آمادگی شغلی و کارآفرینی.	۱۰۰ دانشجوی عراقی	نخبگان (ELITES)	مهارت‌آموزی شغلی
برنامه ۸ ماهه با ترکیب آموزش، مربی‌گری محلی و شبکه‌سازی با کارفرمایان.	۸۰ دانشجوی فنی- حرفه‌ای در بصره، ذی‌قار، میسان و مثنی	توسعه مهارت‌های جنوب عراق	
برنامه ۷ ماهه با تأکید بر رویکرد رهبرپروری در بستر اشتغال‌زایی.	۳۰ دانشجوی کارشناسی	اشتغال و کارآفرینی بصره	
ایجاد مراکز بنگاه اجتماعی؛ آموزش بیش از ۳۰۰۰ زن؛ ایجاد بیش از ۶۵۰ کسب و کار و ۱۰۰۰ شغل.	زنان کارآفرین تونس	بنگاه زنان برای پایداری	کارآفرینی اجتماعی
دوره ۷ ساله با تمرکز هم‌زمان بر مشارکت مدنی و کارآفرینی اجتماعی.	۲۰۰ رهبر نوظهور از ۱۱ کشور	بورسیه توسعه راهبری	
همکاری دانشگاه پردو و سفارت بغداد برای آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان با مهارت‌های سخت و نرم.	دانشجویان دانشگاه الانبار	سرمایه‌گذاری در دانشگاه الانبار	

مأخذ: همان.

بررسی برنامه‌های این بخش چندالگوی مشترک را آشکار می‌کند:

نخست، پیوند زبان انگلیسی با اقتصاد: در برنامه‌هایی مانند ELITES و آموزش مهارتی جنوب عراق، آموزش زبان انگلیسی تجاری جزئی جدایی‌ناپذیر از مهارت‌آموزی شغلی است. این پیوند، زبان انگلیسی را نه صرفاً یک مهارت ارتباطی، بلکه یک «پیش‌نیاز ساختاری» برای ورود به بازار کار متصل به اقتصاد جهانی بازتعریف می‌کند و به‌طور ضمنی، طرح تأثیرگذاری فرهنگی از راه آموزش زبان انگلیسی را تعمیق می‌بخشد.

دوم، کارآفرینی به عنوان حامل ارزش‌های سیاسی: برنامه‌هایی مانند بنگاه زنان برای پایداری و بورسیه توسعه راهبری، کارآفرینی اجتماعی را با «مشارکت مدنی» و «توانمندسازی زنان» ترکیب می‌کنند. در این چارچوب، کارآفرینی صرفاً یک فعالیت اقتصادی نیست، بلکه بستری برای پیشبرد ارزش‌های اجتماعی-سیاسی مطلوب آمریکا (برابری جنسیتی، حکمرانی مشارکتی، جامعه مدنی فعال) است.

سوم، پاسخ به یک نیاز واقعی جوان برای ایجاد پنجره ورود فرهنگی: بحران بیکاری جوانان در کشورهای منطقه مانند عراق، لبنان و مصر یکی از حساس‌ترین نقاط آسیب‌پذیر این جوامع است. برنامه‌های مهارت‌آموزی و کارآفرینی آمریکا دقیقاً از همین نقطه وارد می‌شوند و با برجسته‌سازی یک «راه نجات اقتصادی»، پنجره ورود خود به لایه‌های اجتماعی عمیق‌تر را کسب می‌کنند که برنامه‌های صرفاً سیاسی یا فرهنگی هرگز به آنها دسترسی ندارند، اما این برنامه‌ها اشتغال را در خلأ آموزش نمی‌دهند. در الیتس، مهارت‌آموزی با زبان انگلیسی تجاری پیوند خورده، در دبلیو-ای-اس توانمندسازی اقتصادی با شعار برابری جنسیتی ترکیب شده و در ال‌دی‌اف کارآفرینان هم‌زمان به کنشگران مدنی تبدیل می‌شوند. مخاطب برای «شغل» وارد می‌شود، اما در مسیر، ارزش‌های فرهنگی غربی را نیز درونی می‌کند.

چهارم، بازتعریف چهره آمریکا از مداخله‌گر به توسعه‌گر نهادی: در مناطقی که ایالات متحده عمدتاً با وجهه نظامی و امنیتی شناخته می‌شود، برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی نقشی حیاتی در تغییر این تصویر ایفا می‌کنند. وقتی یک زن کارآفرین در تونس از طریق بنگاه زنان برای پایداری کسب‌وکاری راه می‌اندازد یا یک جوان بیکار در بصره از طریق برنامه مهارتی شغلی پیدا می‌کند، روایت «آمریکای مداخله‌گر» با روایت «آمریکای فرصت‌ساز» می‌تواند تغییر کند.

پنجم، مقیاس محدود و هدف‌گذاری جغرافیایی: برخلاف برنامه‌های راهبردهای اول و سوم که مقیاس چند هزار نفری دارند، برنامه‌های این بخش عمدتاً در مقیاس محدود (۱۰۰ نفر در برنامه ELITES، ۸۰ نفر در برنامه مهارتی ویژه جنوب عراق، ۳۰ نفر در بصره) اجرا می‌شوند. این مقیاس محدود نشان می‌دهد که این برنامه‌ها در مرحله آزمایشی هستند و ممکن است در آینده در گستره‌های بزرگ‌تری به اجرا در آیند. ششم، تأثیرات ساختاری بلندمدت: خروجی مستقیم این برنامه‌ها، ایجاد ۶۵۰ کسب‌وکار در بنگاه زنان، تربیت ۲۰۰ مدیر جریان‌ساز در برنامه بورسیه توسعه راهبران اگرچه در برابر نرخ بیکاری ساختاری منطقه رقم کوچکی است، اما تأثیر غیرمستقیم آن‌ها - از طریق ایجاد شبکه‌های کارآفرینی، تثبیت الگوهای موفق و تقویت بخش خصوصی همسو با اقتصاد غرب - می‌تواند در بلندمدت به تغییر تدریجی زیست‌بوم اقتصادی منطقه بینجامد.

۳-۵. الگوی نهادی و معرفی نهادها

پیش از ورود به جمع‌بندی نهایی گزارش، لازم است ساختار حکمرانی که پشتیبان و مجری راهبرد چهارگانه تحلیل شده در این گزارش است، تبیین شود. رویکرد کلی طرح‌های ویژه ایالات متحده در حوزه جوانان و نوجوانان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ماهیتی شبکه‌ای، آموزش‌پایه و جریان‌ساز دارد. عمده مخاطبان این برنامه‌ها از طبقات نخبه جوان، اثرگذار و با استعداد بالا در راهبری گروه‌های اجتماعی، یا جریان‌ساز در حوزه‌های علمی و هنری هستند. این معماری، توسط یک ساختار منسجم و درعین حال همکارانه و شبکه‌ای پیش می‌رود که سه ضلع اصلی دارد.

ضلع اول: دولت (دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا و سفارتخانه‌ها)،

ضلع دوم: پیمانکاران غیرانتفاعی،

ضلع سوم: دانشگاه‌های آمریکایی منطقه.

ضلع اول: دولت آمریکا: در رأس این زیست‌بوم، دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا قرار دارد. این دفتر که نقشی عمدتاً ستادی ایفا می‌کند، سه وظیفه محوری را بر عهده دارد: سیاستگذاری کلان (تعیین اولویت‌های موضوعی و جغرافیایی برنامه‌ها)، رصد و ارزیابی عملکرد نهادهای مجری و تأمین مالی از مسیر بودجه مصوب کنگره. ستون فقرات قانونی این فعالیت‌ها، قانون فولبرایت-هیز است که از سال ۱۹۶۱ وزارت خارجه را مجاز به تأمین مالی طیف گسترده‌ای از برنامه‌ها کرده است. از «بازدیدها و تبادلات رهبران، خبرنگاران و افراد برجسته» تا «حمایت از مطالعات آمریکایی در کشورهای خارجی» [۳]. مقیاس این سرمایه‌گذاری زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در لایحه بودجه وزارت خارجه آمریکا برای سال مالی ۲۰۲۵، رقمی بالغ بر ۷۲۰ میلیون دلار صرفاً برای برنامه‌های تبادل آموزشی و فرهنگی تخصیص

یافته است که حداقل ۲۸۷ میلیون دلار از این مبلغ به برنامه فولبرایت اختصاص داشته است، رقمی که در مقایسه با سال پیش از آن افزایش نیز داشته است. این بودجه، مستقیماً از مسیر کنگره تصویب می‌شود و نشان‌دهنده آن است که برنامه‌های تحلیل‌شده در این گزارش، نه ابتکارات مقطعی و حاشیه‌ای، که بخشی از یک راهبرد ملی با پشتوانه قانونی و مالی مشخص هستند [۶۵]. این دفتر به‌عنوان هماهنگ‌کننده سطح سیاسی در واشنگتن با طرح‌های فرامرزی، فصل مشترک اراده سیاسی دولت با اجرای میدانی است. تحلیل راهبردهای چهارگانه نشان داد که تقریباً تمام برنامه‌های معرفی‌شده - از یس و آیلپ گرفته تا فولبرایت و آزمایش دیجیتال - با حمایت مالی و سیاستگذاری این دفتر عملیاتی می‌شوند. با این حال، ای‌سی‌ای در مواردی مانند برنامه‌های اس‌یواس‌آی، راهبری جوانان، وان‌بیت و بازدیدکنندگان ورزشی، خود مستقیماً وارد اجرا شده و نقش صفی نیز ایفا می‌کند.

در سطح میدانی، سفارت‌های آمریکا در کشورهای منطقه بازوی اجرایی این دفتر هستند. نقش آنها فراتر از یک واسطه‌گذاری است و شامل چهار کارکرد اصلی می‌شود: جذب و گزینش نامزدها (برگزاری مصاحبه‌های پذیرش و مدیریت فرایند انتخاب)، معرفی به نهادهای غیرانتفاعی مجری، تعریف طرح‌های محلی متناسب با اقتضائات هر کشور و جایگزینی فراخوان عمومی با انتخاب مستقیم در برخی از برنامه‌ها مانند برخی برنامه‌های راهبری زنان. در برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی (SUSI)، بازدیدکنندگان ورزشی و برنامه‌های فولبرایت، این سفارت‌ها هستند که مرحله نخست غربالگری را انجام می‌دهند و عملاً به‌عنوان گام نخستین ورود به سیر منسجم نخبه‌پروری آمریکا عمل می‌کنند. همچنین تقسیم‌بندی موضوعی کشورها ذیل برنامه‌ها (مانند تخصیص «مشارکت مدنی» به مصر، عراق، لبنان و عربستان در SUSI و «تکثرگرایی مذهبی» به عراق و لبنان) بازتاب‌دهنده اولویت‌بندی سفارت‌ها براساس ارزیابی‌های میدانی و منافع ملی آمریکاست.

ضلع دوم: پیمانکاران غیرانتفاعی: دومین و عملیاتی‌ترین ضلع این زیست‌بوم را شبکه‌ای از سازمان‌های غیرانتفاعی^۱ آمریکایی تشکیل می‌دهد که با رویکردی همکارانه و تقسیم‌کار تخصصی به یکدیگر متصل هستند. این نهادها اگرچه از بودجه دولتی بهره می‌برند، اما شبکه‌های تأمین مالی غیردولتی خاص خود را نیز از میان دولت‌های محلی، فارغ‌التحصیلان، شرکت‌های خصوصی بزرگ و بنیادهای خیریه دارا هستند. مدل تأمین مالی ترکیبی تنها به برنامه‌های آموزشی محدود نیست. برای نمونه، بنیادهای راکفلر و مک‌آرتور که عمدتاً در حوزه‌هایی مانند بهداشت، تاب‌آوری اقلیمی و عدالت اجتماعی فعالیت دارند، با سرمایه اولیه ۳۰ میلیون دلاری خود «صندوق شکاف صفر» را راه‌اندازی کردند؛ صندوقی که با هدف جذب سرمایه خصوصی برای طرح‌های توسعه پایدار شکل گرفت و توانست در چند سال اخیر بیش از یک میلیارد دلار سرمایه اضافی از سرمایه‌گذاران خصوصی بسیج کند؛ به این معنا که هر یک دلار سرمایه اولیه غیردولتی توسط بنیاد توانست، ۳۵ دلار سرمایه خصوصی را به صندوق جذب کند. اگرچه این صندوق، تاکنون در خدمت طرح‌های توسعه‌ای به کار گرفته شده، اما منطق حاکم بر آن مشابه همان الگویی است که در تأمین مالی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی تحلیل‌شده در این گزارش نیز به کار می‌رود [۶۶]. این الگو، نشان‌دهنده عمق و گستردگی زیست‌بوم تأمین مالی غیردولتی در راهبردهای نفوذ نرم آمریکاست. نهادهای اصلی شناسایی‌شده در این گزارش عبارت‌اند از:

نخست، سازمان یادگیری جهانی:^۲ این سازمان که در سال ۱۹۳۲ با برنامه پیشگامانه «آزمایش در زندگی بین‌المللی» پایه‌گذاری شد، امروز یکی از باسابقه‌ترین و متنوع‌ترین پیمانکاران غیرانتفاعی آمریکا در حوزه تبادلات آموزشی و فرهنگی است. بنیاد یادگیری جهانی با مأموریت «گسترش آموزش باکیفیت، تقویت راهبری جوانان، توسعه فرصت‌های اقتصادی و ترویج مشارکت مدنی»، شبکه‌ای جهانی را مدیریت می‌کند که هر سال بیش از ۶۰۰ نوجوان آمریکایی را به برنامه‌های خارج اعزام می‌کند، از طریق مدرسه آموزش بین‌المللی^۳ دوره‌های تحصیلات تکمیلی ارائه می‌دهد، با ۸۲ برنامه تحصیل در خارج در هفت قاره فعالیت دارد و بر ۹۲ برنامه تبادل با شرکت‌کنندگانی از ۱۶۲ کشور نظارت می‌کند [۶۷].

1. NGO

2. World Learning

3. SIT

در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، این نهاد نقش محوری در اجرای چندین برنامه شاخص ایفا می‌کند. طرح آیلپدر عراق (از ۲۰۰۷ تاکنون، با پوشش بیش از ۳۲۰۰ نوجوان و جوان عراقی)، برنامه راهبری جوانان در عراق، آزمایش دیجیتال در سطح جهانی، بخشی از برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی راهبری (IVLP) (با طراحی و اجرای برنامه برای بیش از ۸۰۰ رهبر از ۱۴۰ کشور سالیانه)، بورسیه توسعه راهبری^۱ با حمایت ام‌ای پی‌ای و برنامه‌های مهارت‌آموزی شغلی در جنوب عراق. سابقه این سازمان در طراحی برنامه صلح (۱۹۶۱) و تأسیس مدرسه SIT (۱۹۶۴) نشان‌دهنده قدمت و عمق نفوذ نهادی آن در معماری دیپلماسی آموزشی آمریکاست [۶۸].

دوم، مؤسسه آموزش بین‌المللی: IIE که در سال ۱۹۱۹ با هدف «آموزش بین‌المللی برای ساختن جهانی امن‌تر و مرفه‌تر» تأسیس شد، قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین نهاد مدیریت بورسیه‌های بین‌المللی آمریکاست. این مؤسسه، مدعی است که با بیش از ۲۹۰۰۰ نفر در ۱۸۰ کشور ارتباط دارد و از طریق برنامه‌هایی که مدیریت می‌کند، نقشی محوری در توانمندسازی نسل آینده رهبران ایفا می‌کند. این نهاد در همکاری جدی با دفتر آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه آمریکا و نیز در تعامل با شرکای بین‌المللی، اهداکنندگان و دانشگاه‌ها، مجموعه‌ای از برنامه‌های کلیدی دولت آمریکا را مدیریت می‌کند؛ از جمله برنامه فولبرایت (با همکاری آمیدیست در منطقه)، بورسیه بین‌المللی بنجامین گیلمن، بورسیه هوبرت هامفری و بخشی از برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی راهبری (IVLP). همچنین این مؤسسه مدیریت شبکه آموزش آمریکا^۲ را بر عهده دارد و با وزارت دفاع ایالات متحده در اجرای برنامه‌هایی مانند جوایز برون و طرح پیشگامان زبان همکاری می‌کند. در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، مؤسسه آموزش بین‌المللی (IIE) با مجموعه گسترده‌ای از برنامه‌ها در بیش از ۱۳ کشور (از جمله بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، لبنان، مراکش، عربستان و امارات) حضور دارد و سالیانه به بیش از ۷۰۰۰ دانشجو، محقق و متخصص خدمات ارائه می‌دهد. از برنامه‌های اختصاصی آن در منطقه می‌توان به برنامه محققان و رهبران عراق (بورسیه کامل با بودجه یک شرکت آمریکایی)، برنامه زنان - فناوری در لبنان، اردن و پاکستان و طرح بنگاه زنان برای پایداری^۳ در تونس اشاره کرد. این نهاد همچنین با ارائه خدمات ظرفیت‌سازی نهادی (برگزاری جلسات سطح بالا، دسترسی به تحقیقات سیاست‌گذاری و سازماندهی کنفرانس‌های بهترین شیوه‌ها)، خود را در لایه تصمیم‌سازی برای دولت‌ها و مراکز جهانی نیز مسئول و بازیگر می‌داند [۵۱].

سوم، سازمان آموزش و تبادل آمریکا - خاورمیانه:^۴ آمیدیست که در سال ۱۹۵۱ تأسیس شد، یک نهاد غیرانتفاعی آمریکایی پیشرو در حوزه‌های آموزش، توسعه مهارت و همکاری‌های بین‌المللی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. این سازمان با این باور فعالیت می‌کند که «فراهم کردن مسیرهای آموزشی باکیفیت می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر درک متقابل، احترام و همکاری کمک کند و در نهایت به شکل‌گیری روابط باثبات‌تر میان مردم منطقه و ایالات متحده منجر شود». حضور مستقیم و بدون واسطه آن در کشورهای منطقه به سرعت پس از تأسیس آغاز شد و در عراق به سال ۱۹۵۳ باز می‌گردد.

در سال ۲۰۲۲ و بر پایه پرتفوی سالیانه ۵۱ میلیون دلاری، شبکه‌ای متشکل از بیش از ۵۰۰ کارمند و بیش از ۲۰ دفتر در ۱۱ کشور منطقه، آمیدیست توانست نتایج قابل توجهی رقم بزند. نزدیک به ۲۰۰۰ دانشجو در برنامه‌های تبادل و بورسیه، حدود ۱۹۰۰۰ زن و جوان در طرح‌های توانمندسازی، بیش از ۴۰۰۰۰ دانشجو و کارآموز حرفه‌ای، حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر در حوزه راهنمایی تحصیلی و بیش از ۱۴۰۰۰۰ شرکت‌کننده در آزمون‌ها.

خدمات کلیدی آمیدیست عبارت‌اند از:

۱. برگزاری آزمون‌های استاندارد بین‌المللی (مانند تافل و آیلتس)،
۲. خدمات مشاوره تحصیلی برای مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در آمریکا،

1. LDF
2. EducationUSA
3. WES
4. Amideast



۳ آموزش زبان انگلیسی و مهارت‌های کاربردی و مدیریت بورسیه‌های تحصیلی (از جمله برنامه فولبرایت در منطقه).

نقش آمیدیست در زیست‌بوم، نقشی بی‌بدیل است. این نهاد، به‌عنوان جذب‌کننده اصلی، عملاً مسیر رسمی و معتبر برای مهاجرت تحصیلی به آمریکا را کنترل می‌کند. دفتر آن در اربیل عراق نیز مجموعه‌ای گسترده از برنامه‌های آموزش زبان، توسعه مهارت‌های کاربردی و خدمات راهنمایی تحصیلی ارائه می‌دهد [۴۸].

چهارم، بنیاد فولبرایت:^۱ برنامه فولبرایت در سال ۱۹۴۶ به ابتکار سناتور جی. ویلیام فولبرایت تأسیس شد. هدف بنیادین این برنامه «تقویت درک متقابل میان ملت‌ها از طریق تبادل علمی، آموزشی و فرهنگی» و «حمایت از روابط مسالمت‌آمیز میان مردم ایالات متحده و سایر کشورها» است. این برنامه در حال حاضر با بیش از ۱۶۰ کشور جهان همکاری داشته و سالیانه حدود چهار هزار دانشجو، پژوهشگر، استاد و حرفه‌ای را از طریق اعطای بورسیه‌های رقابتی پوشش می‌دهد.

منبع اصلی تأمین مالی فولبرایت، بودجه سالیانه کنگره ایالات متحده است که از طریق دفتر امور آموزشی و فرهنگی (ECA) وزارت امور خارجه تخصیص می‌یابد. علاوه بر منابع دولتی، دولت‌های شریک، دانشگاه‌های میزبان، بنیادهای خصوصی، شرکت‌ها و شبکه گسترده فارغ‌التحصیلان فولبرایت نیز به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از این برنامه حمایت می‌کنند که نقش مهمی در تداوم و گسترش دامنه آن در کشورهای گوناگون ایفا می‌کند.

اجرای عملی فولبرایت از طریق همکاری مجموعه‌ای از نهادهای غیردولتی انجام می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مؤسسه آموزش بین‌المللی (IIE)، بنیاد یادگیری جهانی، آیرکس و آمیدیست. در میان این نهادها، مؤسسه آموزش بین‌المللی مسئولیت اصلی مدیریت پذیرش و هماهنگی با دانشگاه‌های آمریکایی را بر عهده دارد و آمیدیست که به‌طور ویژه بر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا (منا) متمرکز است، نقش کلیدی در اجرای برنامه در این منطقه راهبردی ایفا می‌کند. در سطح سیاستگذاری کلان، هیئت بورسیه‌های خارجی^۲ با اعضای منصوب رئیس‌جمهور ایالات متحده – چارچوب‌های راهبردی، معیارهای انتخاب و جهت‌گیری‌های کلی برنامه را تعیین می‌کند. ساختار بین‌المللی فولبرایت بر حضور ۴۹ کمیسیون مستقل دوجانبه استوار است که با بودجه مشترک ایالات متحده و دولت‌های میزبان اداره می‌شوند. این کمیسیون‌ها بر اساس قانون فولبرایت مصوب ۱۹۴۶ و توافق‌نامه‌های دوجانبه شکل گرفته وظایفی بر عهده دارند [۳]. در کشورهایی که کمیسیون دوجانبه وجود ندارد، سفارتخانه‌های ایالات متحده این مسئولیت را اجرا می‌کنند.

پنجم، آژانس توسعه بین‌الملل ایالات متحده آمریکا (USAID): تأمین‌کننده ستادی و خاتمه‌سازمانی: در کنار دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) نیز یکی از ارکان اصلی تأمین مالی برنامه‌های توسعه‌ای، آموزشی و فرهنگی آمریکا در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده که در سال ۱۹۶۱ با فرمان جان اف کندی تأسیس شد، بودجه‌ای در مقیاس ده‌ها میلیارد دلار را مدیریت می‌کند و مأموریت رسمی آن «پیشبرد امنیت ملی و رفاه اقتصادی آمریکا، کاهش فقر و تقویت حکمرانی دموکراتیک» در کشورهای در حال توسعه است. این آژانس معمولاً خود مستقیماً وارد اجرای برنامه‌ها نمی‌شود، بلکه بودجه را در اختیار پیمانکاران غیرانتفاعی (مانند سازمان یادگیری جهانی، مؤسسه آموزش بین‌المللی و شرکت کریتیو) قرار می‌دهد تا آنها برنامه‌ها را در میدان اجرا کنند. در پژوهش حاضر، چندین برنامه تحلیل‌شده از جمله «سرمایه‌گذاری و آموزش زبان انگلیسی برای موفقیت اقتصادی»، «برنامه توسعه مهارت‌های شغلی جنوب عراق» و «بنگاه اقتصادی زنان برای پایداری»، با تأمین مالی این نهاد اجرا شده‌اند.

باین حال، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) به‌رغم گستردگی و قدمت، در برابر تغییرات سیاسی آسیب‌پذیر بوده است. در فوریه ۲۰۲۵ و در پی تصمیم دولت دوم ترامپ، این آژانس اعلام کرد که تمام کارکنان خود-به‌جز نیروهای مسئول وظایف حیاتی- را به مرخصی اجباری فرستاده و هم‌زمان فرایند تعدیل نیروی حدود ۱۶۰۰ نفر از کارکنان مستقر در آمریکا را آغاز کرده است.

1. Fulbright Program

2. Fulbright Foreign Scholarship Board

این اقدام که عملاً بزرگ‌ترین نهاد کمک‌های خارجی آمریکا را فلج کرد، صرفاً یک تصمیم اداری یا ریاضت مالی نبود، بلکه بازتابی از نارضایتی عمیق راهبردی دولت جدید از کارآمدی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) و تردید نسبت به بازدهی کمک‌های توسعه‌ای سنتی است. به بیان دیگر، دستگاه حاکمه آمریکا در مقطع کنونی به این جمع‌بندی رسیده که مدل کمک‌های خارجی از مسیر این نهاد - که برای دهه‌ها از کان نفوذ نرم این کشور بود - نیازمند بازنگری بنیادین است. این تحول، نشان می‌دهد که برنامه‌های نفوذ نرم، با وجود طراحی بلندمدت و شبکه‌ای، نه تنها تابع اولویت‌های سیاسی دولت‌های مستقر هستند، بلکه ممکن است در مقاطعی، نسبت به کارایی و اثربخشی‌شان مورد تردید واقع شوند؛ که نظایر آن رami توان در تعطیلی و یا تعدیل تعداد دیگری از نهادهای فرهنگی آمریکا مانند صدای آمریکا دید [۶۹]. نکته قابل تأمل در کارنامه آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID)، همکاری مستمر آن با بنیادهای جامعه باز جورج سوروس (OSF) است که دست کم از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده و در مقاطعی، این بنیاد به عنوان «مجری اصلی کمک‌های USAID» شناخته شده است. برای نمونه، در جریان «انقلاب نارنجی» اوکراین (۲۰۰۳-۲۰۰۴)، یواس اید و بنیاد سوروس به طور مشترک از برنامه‌های «ترویج دموکراسی» حمایت مالی کردند؛ برنامه‌هایی که به اذعان نهادهای ناظر، نقشی محوری در شکل‌دهی به اعتراضات و تغییرات سیاسی در این کشور ایفا کردند. این الگوی همکاری، فراتر از اوکراین، در کشورهایی مانند گواتمالا و آلبانی نیز تکرار شده است. مقیاس فعالیت این آژانس زمانی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم دولت بایدن در سال ۲۰۲۴ برای سال مالی ۲۰۲۵ رقمی نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار برای یواس اید درخواست بودجه کرده بود؛ رقمی که نشان‌دهنده جایگاه این نهاد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای مالی نفوذ نرم ایالات متحده در سطح جهان است [۷۰].

ششم، مرکز بین‌المللی روزنامه‌نگاران (ICFJ): مرکز بین‌المللی روزنامه‌نگاران،^۱ یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در واشنگتن دی‌سی است که از سال ۱۹۸۴ فعالیت می‌کند. برخلاف نهادهای فرابخشی مانند بنیاد یادگیری جهانی (World Learning) که برنامه‌های متنوعی از تبادل نوجوانان تا مهارت‌آموزی را پوشش می‌دهند، این مرکز یک پیمانکار تخصصی است که صرفاً بر «روزنامه‌نگاری» و «تقویت زیست‌بوم اطلاعاتی» متمرکز است. مأموریت اعلامی آن «توانمندسازی شبکه جهانی روزنامه‌نگاران برای ارائه اخبار قابل اعتماد که برای جوامع آزاد و قوی ضروری است» می‌باشد.

آی‌سی‌اف‌جی با شبکه‌ای متشکل از بیش از ۱۷۷ هزار روزنامه‌نگار در ۱۲۵ کشور، برنامه‌های خود را در سه حوزه راهبردی سازماندهی می‌کند: تجهیز خبرنگاران به ابزارها و دانش،^۲ کمک به نوآوری با استفاده از تکنیک‌های جدید برای جلب اعتماد و تعامل با جوامع^۳ و کمک به بقای مالی اتاق‌های خبر مستقل از طریق مدل‌های کسب‌وکار مؤثر. ابزارهای اصلی این نهاد شامل فلوشیپ‌های رقابتی، کارگاه‌های آموزشی، کمک‌های مالی کوچک (گرن‌ت) و شبکه‌سازی بین‌المللی است.

در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، این مرکز بر برنامه‌های متعددی را با بودجه وزارت خارجه آمریکا، سفارت‌های ایالات متحده و بنیادهای خصوصی اجرا کرده است. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به «درگیر کردن، آموزش روزنامه‌نگاران و تولیدکنندگان محتوا در منطقه منا» با همکاری متا، «ایجاد شبکه‌ای برای حقیقت، مقابله با اطلاعات نادرست در شمال آفریقا» در الجزایر، لیبی و تونس، «روزنامه‌نگاری داده در تونس» با حمایت سفارت آمریکا و «تقویت صداهای به حاشیه رانده شده در اردن» اشاره کرد. همچنین فلوشیپ رسانه‌ای نیوز کورپ نیز به روزنامه‌نگاران بین‌المللی امکان اقامت در دفاتر وال استریت ژورنال را می‌دهد [۵۶].

هفتم، شرکت همکاران خلاق بین‌المللی:^۴ شرکت همکاران خلاق بین‌المللی یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در واشنگتن است که در سال ۱۹۷۷ توسط چهار زن کارآفرین با تمرکز اولیه بر آموزش داخلی آمریکا تأسیس شد. این سازمان به سرعت دامنه فعالیت خود را به عرصه بین‌المللی گسترش داد و امروز با مأموریت «حمایت از مردم سراسر جهان برای تحقق تغییرات مثبتی که به دنبال آن هستند»، در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، به‌ویژه در محیط‌های شکننده و بحران‌زده، فعالیت می‌کند. حوزه‌های تخصصی این سازمان شامل پیشگیری از خشونت،

1. International Center for Journalists
2. Serve
3. Innovate
4. Creative Associates International



آموزش در شرایط بحرانی، حکمرانی و بازسازی است و بودجه آن عمدتاً از سوی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده و ابتکار مشارکت خاورمیانه تأمین می‌شود.

برخلاف نهادهای فرابخشی مانند سازمان یادگیری جهانی که هم‌زمان برنامه‌های نخبه‌پرور و توده‌ای اجرا می‌کنند، این سازمان عمدتاً بر برنامه‌های توسعه‌ای با مقیاس بزرگ و رویکرد سیستمی متمرکز است. با این حال، برخی از برنامه‌های آن به‌طور غیرمستقیم با اهداف راهبردی آمریکا در حوزه جوانان و آموزش تلاقی پیدا می‌کنند.

در عراق، برنامه «بازسازی مدارس عراق و تثبیت آموزش» با بودجه آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، ضمن توزیع تجهیزات و لوازم آموزشی میان دانش‌آموزان و مدارس، برنامه‌های یادگیری شتاب‌یافته را برای دانش‌آموزانی که تحصیلشان به دلیل جنگ و ناآرامی قطع شده بود، اجرا کرد و هم‌زمان با همکاری وزارت آموزش عراق به بازسازی مدارس آسیب‌دیده، آموزش معلمان و برنامه‌ریزی برای اصلاح نظام آموزشی پرداخت [۷۱].

در اردن نیز «برنامه حمایت از اصلاحات آموزشی» با بودجه همان آژانس، ضمن تربیت ۴۷۵ مربی وزارتخانه و آموزش نزدیک به ۱۲ هزار معلم و مدیر مدرسه، طرح «مدرسه تاشغل» را برای بیش از ۱۳۰ هزار جوان در ۳۳۰ مدرسه اجرا کرد و از طریق برنامه «مهارت‌های زندگی از طریق ورزش» ۲۰ هزار دانش‌آموز دیگر را تحت پوشش قرار داد [۷۲] و [۷۳].

در یمن، «طرح معیشت جامعه» به ۱۲.۳ میلیون نفر خدمات توسعه‌ای ارائه کرد و هم‌زمان، از طریق «برنامه دروازه آموزش»، به اصلاح برنامه درسی، تربیت معلمان و تقویت نظام آموزشی در یکی از ناامن‌ترین مناطق جهان پرداخت [۷۴] و [۷۵].

این برنامه‌ها اگرچه فاقد فرایند گزینش رقابتی نخبگان هستند و از این رو در ماتریس اصلی و ذیل برنامه‌های منتخب این گزارش قرار نمی‌گیرند، اما نشان‌دهنده آن هستند که آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (یواس اید) و ابتکار مشارکت خاورمیانه (ام‌ای‌پی‌آی)، راهبرد خود را در دو لایه نخبگانی (از طریق سازمان یادگیری جهانی و مؤسسه آموزش بین‌المللی) و سیستمی - توده‌ای به‌طور هم‌زمان پیش می‌برند. حضور پررنگ این سازمان در کشورهای در حال جنگ مانند یمن، لیبی و عراق نیز حاکی از آن است که برنامه‌های توسعه‌ای، حتی زمانی که فاقد منطق نخبه‌گزینی هستند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای تثبیت حضور و نفوذ بلندمدت آمریکا در مناطق بحرانی و ایجاد نظم آمریکایی در نقاط مزبور به کار گرفته شوند.

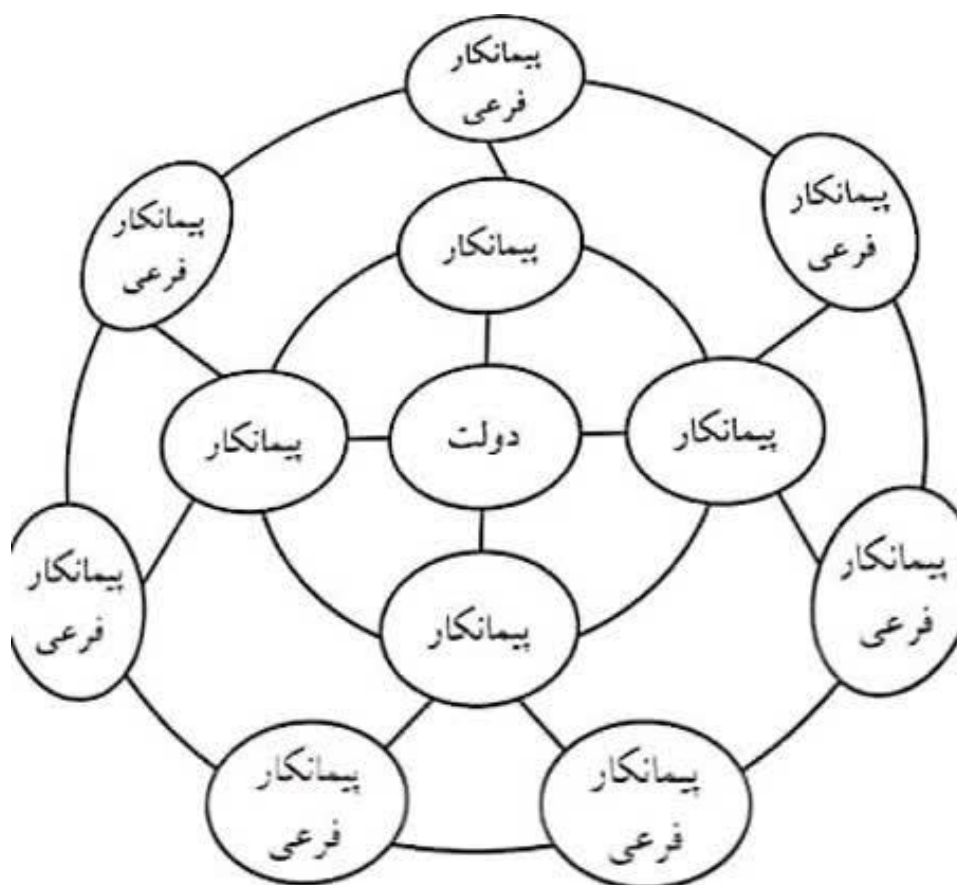
ضلع سوم: دانشگاه‌های آمریکایی منطقه: سومین و شاید ماندگارترین ضلع این زیست‌بوم، دانشگاه‌های آمریکایی در منطقه است: دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB، ۱۸۶۶)، دانشگاه آمریکایی قاهره (AUC، ۱۹۱۹)، دانشگاه آمریکایی عراق - سلیمانیه (AUIS، ۲۰۰۷)، دانشگاه آمریکایی کردستان (AUK، ۲۰۱۴) و دانشگاه آمریکایی عراق - بغداد (AUIB، ۲۰۲۱) و نیز سایر دانشگاه‌های آمریکایی منطقه که در امارات، قطر، بحرین و کویت پراکنده هستند. این دانشگاه‌ها به‌عنوان زیرساختی دائمی، نقش پل و نیز مقصد در سیر نخبه‌پروری را ایفا می‌کنند. آنها نه تنها دریافت‌کننده خروجی برنامه‌های هدایت تحصیلی (آمیدِیست، فولبرایت، مؤسسه آموزش آمریکا) هستند، بلکه خود به‌عنوان «بستر جامع اثرگذاری فرهنگی» از طریق مراکز پژوهشی سیاستگذار، دفاتر خدمات شغلی، شبکه‌های فارغ‌التحصیلان و پایگاه‌های دیپلماسی عمومی (فضای آمریکایی در AUIB) به پیشبرد راهبردهای چهارگانه کمک می‌کنند.

تحلیل الگوی همکاری اضلاع متنوع این نهادها نشانگر شبکه‌ای، غیرمتمرکز و ترکیبی بودن آنهاست. آنچه این زیست‌بوم را از یک بوروکراسی سنتی متمایز می‌کند، ماهیت شبکه‌ای و غیرمتمرکز آن است. دفتر آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا (ECA) سیاستگذاری و تأمین مالی می‌کند، اما اجرا را به پیمانکاران متعدد و رقیب واگذار می‌نماید. سفارت‌ها دروازه‌بانی می‌کنند، اما گزینش نهایی اغلب با نهادهای غیردولتی است. دانشگاه‌های آمریکایی هم مخاطب برنامه‌ها هستند و هم خود مجری و میزبان. این مدل، چابکی عملیاتی و مقیاس‌پذیری را با کنترل راهبردی دولت ترکیب کرده و درعین حال، با کاهش ردپای مستقیم دولت آمریکا، «ظاهر غیردولتی» و در نتیجه مقبولیت بیشتری برای برنامه‌ها در جوامع میزبان ایجاد می‌کند.

تأمین مالی این شبکه نیز الگویی ترکیبی دارد. منابع اصلی از بودجه دولتی (از مسیر ECA و کنگره) تأمین می‌شود، اما نهادهای غیرانتفاعی شبکه‌های تأمین مالی غیردولتی خاص خود را نیز از میان دولت‌های محلی، فارغ‌التحصیلان، شرکت‌های مهم خصوصی (مانند گلدمن ساکس و آتنا در طرح آینده زنان) و بنیادهای خیریه دارا هستند. این «مدل ترکیبی» تأمین مالی، هم وابستگی نهادها به بودجه دولتی را کاهش می‌دهد، هم امکان مقیاس‌پذیری و انعطاف‌پذیری را فراهم می‌کند و هم پایداری بلندمدت برنامه‌ها را در برابر نوسانات سیاسی و بودجه‌ای تضمین می‌کند.

این شبکه نشان می‌دهد که سیاست‌ها و طرح‌های جوانان آمریکا در منطقه، طرحی مقطعی نیست؛ بلکه یک طراحی عمیق و چندلایه برای تسلط نرم بلندمدت است که در آن، هر نهاد جایگاه و کارویژه مشخص خود را دارد. سفارت‌ها و دفاتر نهادهای غیردولتی آمریکا مانند فولبرایت، بنیاد یادگیری جهانی و امیدپست عملاً به «ستادهای فرماندهی فرهنگی» در منطقه بدل شده‌اند. در مدل زیر، ساختار شبکه‌ای مذکور تا حدی به تمثیل کشیده شده است که دفتر امور فرهنگی و آموزشی وزارت خارجه در مرکز این مدل قرار گرفته و بنیاد غیرانتفاعی معرفی شده بسان شبکه اطراف آن سامان می‌یابند.

شکل ۱. مدل کلان ساختار شبکه‌ای حاکم در پیشبرد طرح‌های فرهنگی آموزشی آمریکا در منطقه [۷۶]





۴. جمع‌بندی



گزارش حاضر با گردآوری و تحلیل داده‌های مربوط به مهم‌ترین نهادها و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی ایالات متحده در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، به دنبال شناخت هندسه سیاستی تسلط نرم این کشور در میان جوانان و نوجوانان بود. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که آنچه در نگاه اول مجموعه‌ای از برنامه‌های پراکنده تبادل فرهنگی، بورسیه تحصیلی، کمک اقتصادی و بازدیدهای کوتاه‌مدت به نظر می‌رسد، در عمل یک مجموعه منسجم و چندلایه را شکل می‌دهد.

۴-۱. شرایط لازم برای بهره‌گیری از اهرم آموزش جوانان برای قدرت نرم

در جمع‌بندی یافته‌های این گزارش، می‌توان از چارچوب مفهومی گوتام و همکاران (۲۰۲۴) بهره گرفت که براساس یک مرور نظام‌مند از ۴۸ مقاله، ۶ شرط ضروری برای تبدیل آموزش به ابزار قدرت نرم را صورت‌بندی کرده‌اند:

- ۱ تأمین نیازهای پایه اقتصادی و تخصیص بودجه کافی به آموزش،
- ۲ تدوین سیاست ملی استاندارد و ادغام در فضای آموزشی بین‌المللی،
- ۳ وجود مؤسسات معتبر با رتبه جهانی،
- ۴ تضمین امکانات آکادمیک و غیر آکادمیک برای دانشجویان خارجی،
- ۵ تسهیل تحرک فرامرزی دوسویه دانشجویان،
- ۶ تعریف اهداف سیاست خارجی شفاف برای برنامه‌های آموزشی [۸، p. ۱۸].

تحلیل ما نشان می‌دهد که ایالات متحده تمام این ۶ شرط را به‌طور کامل محقق کرده است: از تخصیص بودجه سالیانه ۷۲۰ میلیون دلاری (شرط ۱) و تدوین قوانین بنیادینی مانند قانون فولبرایت-هیز (شرط ۲) گرفته تا ایجاد شبکه‌ای از دانشگاه‌های کلاس جهانی در منطقه (شرط ۳) و تعریف اهداف سیاست خارجی شفاف برای هر برنامه-از جمله «بازجهت‌دهی» دانشجویان کشورهای اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر (شرط ۴). این انطباق کامل، نشان‌دهنده آن است که برنامه‌های تحلیل شده در این گزارش، نه اقداماتی پراکنده که اجزای یک راهبرد جامع و سنجیده برای پیشبرد قدرت نرم آمریکا هستند. چارچوب ۶ شرطی گوتام و همکاران (۲۰۲۴) می‌تواند به‌عنوان یک «چک‌لیست» برای سیاست‌گذاران ایرانی نیز به کار رود. تحقق این ۶ شرط-از تخصیص بودجه کافی و تقویت دانشگاه‌های کلاس جهانی گرفته تا تعریف اهداف سیاست خارجی شفاف برای برنامه‌های آموزشی-پیش‌نیاز هر گونه راهبرد موفق در حوزه دیپلماسی آموزشی و فرهنگی است.

شکل ۲. شرایط اساسی برای استفاده از آموزش به‌مثابه قدرت نرم [۱۸]



۲-۴. منطق تعاملی چهار راهبرد: از شناسایی استعداد تا تثبیت شبکه

چهار راهبرد شناسایی‌شده در این گزارش یعنی نخست، پرورش و شبکه‌سازی رهبران جوان؛ دوم، گسترش آموزش عالی آمریکایی از طریق دانشگاه‌های منطقه و طراحی بورسیه‌های بلندمدت؛ سوم، دیپلماسی فرهنگی با بهره‌گیری از هنر، ورزش و سکوها دیجیتال؛ چهارم، توانمندسازی اقتصادی و کارآفرینی جوانان، به‌صورت جداگانه نیستند که جزیره‌ای عمل کنند. تحلیل این برنامه‌ها نشان می‌دهد که این راهبردها یک چرخه تقویت‌شونده را تشکیل می‌دهند و هریک، هم‌ورودی راهبرد بعدی را تأمین و هم خروجی آن را بازتولید می‌کند. این چرخه را می‌توان در قالب یک مدل چهار حلقه‌ای توضیح داد.

نقطه آغاز این چرخه، راهبرد اول یعنی پرورش و شبکه‌سازی رهبران آینده است. این راهبرد از طریق سه رکن مهندسی هویت نوجوانان دبیرستانی، کادرسازی رهبران اجتماعی در مقطع دانشگاه و اتصال حرفه‌ای رهبران میانی، مواد خام انسانی را برای سایر راهبردها تأمین می‌کند. برنامه‌های رکن نخست مانند برنامه‌های پس و آیلپ، نوجوانانی را شناسایی و با ارزش‌های بنیادین جامعه آمریکا الفت می‌دهند که بسیاری از آن‌ها آماده ورود به برنامه‌های رکن دوم یعنی برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی (SUSI)، برنامه رهبران دانشجویی ابتکار مشارکت خاورمیانه (MEPI Student Leaders)، برنامه رهبران فردا در مقطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی (TLU/TLG) می‌شوند. خروجی این گام، کنشگرانی است که نه تنها آموزش دیده‌اند، بلکه از طریق الزام به اجرای طرح اجتماعی، توانمندی عملی خود را اثبات کرده‌اند. این



کنشگران سپس در مرحله سوم از طریق برنامه‌هایی مانند برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی رهبری (IVLP)، بورسیه هامفری و شبکه‌های فارغ‌التحصیلان، به مدارهای حرفه‌ای و تصمیم‌سازی متصل می‌شوند.

در توضیح بیشتر رابطه میان راهبردها می‌توان گفت **راهبرد اول** حلقه ورودی و تغذیه‌کننده اصلی **راهبرد دوم** یعنی گسترش آموزش عالی آمریکایی در منطقه است. بخش قابل توجهی از نوجوانان و جوانانی که از مسیر برنامه‌های راهبرد اول عبور کرده‌اند، مقصد نهایی‌شان دانشگاه‌های آمریکایی منطقه یا خود ایالات متحده است. آمپدیست با خدمات مشاوره و آزمون، مؤسسه آموزش آمریکا (EducationUSA) با آماده‌سازی پیش‌دانشگاهی و فولبرایت با بورسیه‌های بلندمدت، همان افرادی را جذب می‌کنند که پیش‌تر در برنامه‌های کوتاه‌مدت تربیت راهبر یا تبادل فرهنگی نوجوانان شناسایی شده‌اند. دانشگاه‌های آمریکایی در عراق و دو دانشگاه تاریخی بیروت و قاهره نیز نه فقط دریافت‌کننده این دانشجویان، بلکه خود به‌عنوان بستر نفوذ، حلقه‌های بعدی چرخه رافعال می‌کنند. **راهبرد سوم** یعنی دیپلماسی فرهنگی، از جهاتی با راهبردهای اول و دوم پیوند می‌خورد.

نخست، برنامه‌های فرهنگی مانند وان‌بیت موسیقی، برنامه بین‌المللی نویسندگی دانشگاه آیووا (IWP) و بازدیدکنندگان ورزشی، در مقیاس کلان ورودی‌های طرح‌های نخبگانی را از راه ترویج فرهنگ غربی در جوامع خود ارتقا می‌بخشند و نقص محدود مقیاس بودن آنها را می‌پوشاند و از طرفی دیگر برخی از نخبگان هدف را به‌وسیله هنر و ورزش به ارزش‌های آمریکایی نزدیک می‌کند.

دوم، مراکز دائمی روایت فرهنگی مانند فضاهای آمریکایی در دل دانشگاه‌های آمریکایی و سفارت‌ها مستقر هستند و به‌طور مستمر روایت مطلوب را در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان باز تولید می‌کنند. برنامه‌های دیجیتال مانند آزمایش دیجیتال و اپن نیز حلقه اتصال نسل جدید نوجوانان به این زیست‌بوم را پیش‌وپس از ورود به آموزش عالی فراهم می‌سازند و نیز ابزار خوبی برای حفظ شبکه‌های فارغ‌التحصیلی هستند. **راهبرد چهارم** یعنی توانمندسازی اقتصادی و کارآفرینی، حلقه تکمیل‌کننده این چرخه است. برنامه‌هایی مانند «نخبگان»^۱ و مهارت‌های جنوب عراق، مهارت‌های شغلی و زبان انگلیسی تجاری را به جوانانی می‌آموزند که بخشی از آن‌ها پیش‌تر از مسیر راهبرد اول یا دوم عبور کرده‌اند. برنامه‌های کارآفرینی اجتماعی مانند بنگاه زنان برای پایداری (WES) و بورسیه توسعه رهبری LDF نیز فارغ‌التحصیلان را در موقعیت ایجاد کسب‌وکار و اشتغال‌زایی قرار می‌دهند و بدین ترتیب، اتصال اقتصادی آن‌ها به زیست‌بوم طراحی شده توسط آمریکا را نهادینه می‌سازند. موفقیت این کارآفرینان و رهبران اقتصادی، الگویی جذاب برای نسل بعدی نوجوانان ایجاد می‌کند و از این طریق، چرخه دوباره از راهبرد اول آغاز می‌شود.

این چرخه یک‌سویه نیست، بلکه حلقه‌های بازخوردی متعددی میان راهبردها وجود دارد. برای مثال، رهبران پرورش‌یافته در راهبرد اول مستقیماً در برنامه‌های روایت‌سازی فرهنگی مشارکت داده می‌شوند. دانشگاه‌های مندرج در راهبرد دوم نیز خود مجری برنامه‌های راهبردهای سوم و چهارم هستند و از این طریق، نقش خود را به‌عنوان بستر جامع اثرگذاری عمیق آموزشی-فرهنگی ایفا می‌کنند. بنابراین، آنچه در این گزارش تحلیل شده است، نه چهار خط موازی، بلکه یک شبکه درهم‌تنیده از برنامه‌ها، نهادها و مخاطبان است که در مجموع، یک زیست‌بوم خودتقویت‌شونده برای نفوذ نرم بلندمدت را تشکیل می‌دهد.

شکل ۳. منطق تعاملی چهار راهبرد: از شناسایی استعداد تا تثبیت شبکه



مأخذ: همان.

الگوهای تکرار شونده سیاستی

الف) الگوهای مربوط به گزینش و مخاطبان

نخست، اولویت دهی به افراد فاقد تجربه قبلی از آمریکا: در بسیاری از برنامه‌ها (SUSI، YES، SLP، TLU/TLG، هامفری و آیلپ)، «نداشتن سابقه سفر یا تحصیل یا بستگان در چه یک در ایالات متحده» یک معیار اصلی و پرتکرار برای گزینش است. هدف، توسعه شبکه جدید است، نه بازپردازی و حتی تعمیق ارتباط با مخاطبان از پیش آشنا با آمریکا.



دوم، تمرکز برنامه‌ها بر رده‌های سنی متنوع برای مثال ۱۵ تا ۱۸ سال برای مداخلات هویت‌ساز: برنامه‌های مرحله نخست (YES، راهبری جوانان، آیلپ-دبیرستانی) دقیقاً دوره دوم متوسطه را هدف می‌گیرند که با دوره شکل‌گیری هویت همخوان است. سوم، نخبه‌گزینی نظام‌مند و پرهیز از برنامه‌های توده‌ای: تقریباً هیچ برنامه‌ای با فراخوان کاملاً باز و بدون فیلترهای رقابتی طراحی نشده است. شرط «توانمندی مدیریتی اثبات‌شده»، «سوابق تحصیلی قوی» یا «سابقه خدمات اجتماعی» یک فیلتر مشترک در تمام برنامه‌هاست. چهارم، هدف‌گیری رؤس جریان‌ساز اجتماعی فراتر از دانشجویان: علاوه بر نوجوانان و دانشجویان، گروه‌های خاص مانند «زنان مستعد راهبری»، «پژوهشگران دانشگاهی»، «نویسندگان شناخته‌شده»، «موسیقی‌دانان نوآور» و «ورزشکاران» نیز هدف برنامه‌های اختصاصی (طرح آینده زنان، برنامه نویسندگان جهانی (IWP)، وان‌بیت، بازدیدکنندگان ورزشکار) هستند.

ب) الگوهای مربوط به طراحی آموزشی و اجرایی

نخست، اقامت در خانواده میزبان به مثابه ابزار اصلی ایجاد انس عاطفی: این الگو از برنامه‌های نوجوانان (پس، آیلپ، راهبری جوانان) تا برنامه‌های رهبران میانی (IVLP) تکرار می‌شود و هدف آن ایجاد پیوند عاطفی عمیق به جای آموزش مستقیم است. دوم، الزام به طراحی و اجرای طرح اجتماعی پس از بازگشت: در برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی (SUSI)، برنامه رهبران دانشجویی (SLP)، آیلپ - دانشجویی، راهبری جوانان و آزمایش دیجیتال، شرکت‌کننده باید یک مسئله واقعی محلی را شناسایی و برای آن راه حل عملی ارائه دهد. این کار او را از دریافت‌کننده به کنشگر فعال تبدیل می‌کند.

سوم، تنوع در سناریوهای زمانی و مالی متناسب با گروه هدف: از برنامه‌های فشرده دوهفته‌ای (بازدیدکنندگان ورزشی) تا برنامه‌های یک‌ساله (پس، هامفری) و بورسیه‌های چهارساله (رهبران فردا)، طول دوره دقیقاً براساس هدف و ظرفیت مخاطب تنظیم می‌شود. در جنبه مالی هم مانند طرح‌های بنیاد مشارکت خاورمیانه که برای دانشجویانی که امکان مالی رفتن به آمریکا را ندارند، طراحی شده است. چهارم، چرخش مکانی میان چند ایالت مختلف آمریکا: در برنامه‌های چند هفته‌ای (برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی (SUSI)، آیلپ و طرح آینده زنان)، شرکت‌کنندگان به جای اقامت در نقطه محدود در یک شهر، در چند ایالت مختلف حضور می‌یابند تا تصویری متنوع و گسترده از آمریکا دریافت کنند.

پنجم، الحاق همتایان آمریکایی به گروه‌های شرکت‌کننده: در آیلپ (شاخه انگلیسی‌زبان نوجوانان) و پس شاخه خارجی، دانش‌آموزان یا دانشجویان آمریکایی به گروه ملحق می‌شوند تا تعامل دوسویه و یادگیری همتا به همتا از راه مشاهده الگوی موفق آمریکایی فعال شود. ششم، استفاده از پیش‌برنامه‌های مجازی پیش از سفر و پس برنامه‌های پس از بازگشت: در آیلپ، برنامه رهبران دانشجویی (SLP) و آزمایش دیجیتال، دوره اصلی با یک فاز آنلاین قبل و بعد از سفر همراه است تا تأثیر برنامه طولانی‌تر شود. هفتم، گروه پایه بودن برنامه‌ها: در بسیاری از برنامه‌ها، شرکت‌کنندگان را در قالب گروه‌های منسجم سازماندهی می‌کنند تا حس تعلق جمعی و شبکه‌سازی میان آن‌ها تقویت شود.

ج) الگوهای مربوط به زبان و اندیشه

نخست، آموزش زبان انگلیسی به عنوان پنجره ورود: در دانشگاه‌های آمریکایی منطقه زبان رسمی کاملاً انگلیسی است و به الزام دوره‌های زبان آموزی باید گذرانده شود. در برنامه‌هایی مانند نخبگان (ELITES)، اپن (OPEN) و خدمات آمپدیست، زبان انگلیسی صرفاً یک مهارت ارتباطی نیست، بلکه پیش‌نیاز ورود به زیست‌بوم فکری آمریکایی تعریف می‌شود.

دوم، مانور تبلیغاتی بر ارزش‌های «مسئولیت شهروندی»، «مشارکت مدنی» و «تفکر انتقادی»: این سه مفهوم، ستون‌های اصلی اهداف اعلامی در اکثر برنامه‌ها (از برنامه مطالعه نهادهای آمریکایی (SUSI) و برنامه رهبران دانشجویی (SLP) گرفته تا اسناد مأموریتی پنج

دانشگاه آمریکایی) هستند که باعث جلب اعتماد مخاطبین و ملت‌های هدف می‌شود.

د) الگوهای مربوط به شبکه‌سازی و پسادوره

نخست، اهتمام جدی به ایجاد و حفظ شبکه فارغ التحصیلان: شبکه ابتکار مشارکت خاورمیانه (۳۵۰۰ عضو)، شبکه جهانی فارغ التحصیلان وزارت خارجه، شبکه آیلپ و شبکه‌های اختصاصی پس و فولبرایت، همگی مجهز به صندوق‌های مالی، کارگاه‌های پیشرفته و رویدادهای شبکه‌سازی هستند.

دوم، حمایت مالی از طرح‌های فارغ التحصیلان: در برنامه رهبران دانشجویی، آیلپ - دانشجویی و شبکه ام‌ای پی‌ای، برای طرح‌های اجتماعی پس از بازگشت ردیف مالی تعریف شده است تا شکاف میان آموزش و اقدام پر شود.

سوم، هماهنگی فعالیت‌های شبکه‌های فارغ التحصیلان با سفارت‌های آمریکا: در شبکه فارغ التحصیلان ام‌ای پی‌ای، برنامه‌ها و رویدادهای شبکه با همکاری سفارتخانه‌ها سازماندهی می‌شوند تا ارتباط با بدنه دیپلماتیک حفظ شود.

ه) الگوهای مربوط به حکمرانی و تقسیم کار نهادی

نخست، تفکیک سیاستگذاری (دفتر آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا) از اجرا توسط (سمن‌ها): در غالب برنامه‌ها، ECA حامی مالی و تعیین کننده خطوط راهبردی است، اما اجرا به پیمانکاران غیرانتفاعی (بنیاد یادگیری جهانی، آموزش بین المللی، امیديست) سپرده می‌شود. هر چند خود این بنیادهای غیرانتفاعی نیز مکلف به درآمدزایی و جذب منابع بوده و موفقیت نهایی در این زمینه داشته‌اند.

دوم، نقش فراتر از واسطه سفارت‌ها در گزینش و جذب: در بسیاری از برنامه‌ها (SUSI، ورزشکاران و فولبرایت)، سفارت‌ها جایگزین فراخوان عمومی شده و فرایند انتخاب را مستقیماً مدیریت می‌کنند.

سوم، برندینگ غیر دولتی برنامه‌ها برای حفظ ظاهر غیر سیاسی: استفاده از سمن‌ها به جای نهادهای دولتی، ردپای دولت آمریکا را کاهش می‌دهد و مقبولیت برنامه‌ها را در جوامع میزبان افزایش می‌دهد.

چهارم، تأمین مالی ترکیبی (دولتی - خصوصی) برای پایداری برنامه‌ها: نهادهایی مانند بنیاد آموزش بین المللی و یادگیری جهانی علاوه بر بودجه کنگره، از شبکه‌ای از منابع خصوصی (شرکت‌ها، بنیادها و کمک‌های فارغ التحصیلان) نیز بهره می‌برند.

پنجم، ایفای نقش بستر نفوذ توسط دانشگاه‌های آمریکایی منطقه: دانشگاه‌های آمریکایی منطقه علاوه بر آموزش، از طریق مراکز پژوهشی سیاستگذار، دفاتر اشتغال و «فضاهای آمریکایی»، کارکردی فراتر از دانشگاه دارند.

ششم، طراحی اختصاصی طرح‌هایی برای کشورهای اولویت دار (به ویژه عراق): در کنار برنامه‌های منطقه‌ای، طرح‌های ویژه‌ای برای عراق (آیلپ، برنامه محققان عراق و نخبگان (ELITES) و برنامه مهارتی جنوب عراق) طراحی شده که نشان دهنده جایگاه خاص این کشور در راهبرد آمریکاست.

و) الگوهای مربوط به گستره جغرافیایی

دسته‌بندی منطقه‌ای کشورها ذیل منا و تخصیص موضوعی متمایز: برنامه‌ها معمولاً عمده کشورهای «غرب آسیا و شمال آفریقا» را هدف می‌گیرند، اما به فراخور برنامه اولویت‌های موضوعی (برای مثال «مشارکت مدنی» برای مصر و لبنان، «تکثرگرایی مذهبی» برای عراق) براساس شرایط هر کشور تنظیم می‌شود. علاوه بر آن در عمده برنامه‌ها فهرست کشورهای پویاست و متناسب با اقتضائات زمانی توسط وزارت خارجه به‌روزرسانی می‌شود.

آنچه در این گزارش تحلیل شد، صرفاً مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی و آموزشی نیست، بلکه یک «سیر نخبه‌پروری» با طراحی بلندمدت، منطق روان‌شناختی دقیق و ساختار حکمرانی غیرمتمرکز است. این ماشین، جوانان را از سن ۱۵ سالگی شناسایی می‌کند، ارزش‌های بنیادین



آنها را شکل می‌دهد، مهارت‌های مدیریت حرفه‌ای را در آنها می‌پروراند، به شبکه‌های جهانی متصل می‌کند و در نهایت، آنها را به‌عنوان «رهبران اجتماعی» و «کنشگران مدنی» به جوامع خود باز می‌گرداند. تداوم این چرخه از طریق شبکه‌های فارغ‌التحصیلان و دانشگاه‌های آمریکایی در منطقه تضمین می‌شود.

شناخت این معماری، فارغ از هر گونه ارزش داوری، برای هر سیاستگذاری که به‌دنبال طراحی راهبردهای فرهنگی و آموزشی در ابعاد فراملی است، حاوی الگوها، ظرافت‌ها و هشدارهای متعددی است.

مهم‌ترین این الگوها عبارت‌اند از: طراحی مرحله‌ای و پیوسته به‌جای برنامه‌های مقطعی، تفکیک سیاستگذاری از اجرا برای حفظ چابکی، تأمین مالی ترکیبی (دولتی - خصوصی خوداتکایی غیرانتفاعی) برای پایداری، انعطاف‌پذیری در طراحی متناسب با زمینه‌های محلی و سرمایه‌گذاری بر شبکه‌های پسادوره برای حفظ ارتباط بلندمدت.

دیگر مسئله مهم تحلیلی در این گزارش و تحقیقات آتی توجه به شکاف میان اهداف اعلامی و اعمالی است. این شکاف، در ادبیات انتقادی نیز بازتاب یافته است. برای نمونه، میلز [۳۰] برنامه‌های تبادل فرهنگی آمریکا را «تحمیل فرهنگ آمریکایی در لفافه تساهل و جهان‌وطنی» توصیف و استدلال می‌کند که هدف واقعی این برنامه‌ها، نه تبادل دوسویه، که جهت‌دهی یک‌سویه به ارزش‌های شرکت‌کنندگان است - تحلیلی که با مشاهدات ما درباره برنامه‌هایی مانند یس و آیلپ هم‌راستاست.

ارائه پیشنهاد

به‌منظور مقابله با اقدامات فرهنگی و آموزشی دولت آمریکا در قبال نوجوانان و جوانان غرب آسیا، گذار ایران به‌سوی ایجاد یک «زیست‌بوم شبکه‌ای منطقه‌ای» متشکل از دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی ضروری است که در آن مرکز سیاستگذاری و پشتیبانی، مسئول تعیین اولویت‌های کلان، تأمین مالی هدفمند، تقسیم کار میان کنشگران و ارزیابی مستمر مشخص است.



- [۱] گروه ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی تهران، جنگ سرد فرهنگی. تهران: انتشارات غرب‌شناسی، ۱۳۸۲.
- [۲] شانه‌چی، محسن، نقد و نظری بر کتاب «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا».
- [3] Mutual Educational and Cultural Exchange Act of 1961, vol. Title 22-Foreign Relations and Intercourse. 1961.
- [4] Accessed: Jun. 22, 2026. [Online]. Available:
<https://www.state.gov/united-states-global-strategy-to-empower-adolescent-girls-2024>
- [5] J. Ritchie and L. Spencer, "Qualitative data analysis for applied policy research," in Analyzing Qualitative Data, A. Bryman and R. G. Burgess, Eds., London: Routledge, 1994, pp. 173–194.
- [6] N. K. Gale, G. Heath, E. Cameron, S. Rashid, and S. Redwood, "Using the framework method for the analysis of qualitative data in multi-disciplinary health research," BMC Med. Res. Methodol., vol. 13, no. 1, p. 117, 2013, doi: 10.1186/1471-2288-13-117.
- [7] E. Namey, G. Guest, L. Thairu, and L. Johnson, "Data reduction techniques for large qualitative data sets," in Hand-book for Team-Based Qualitative Research, G. Guest and K. M. MacQueen, Eds., Lanham, MD: Altamira Press, 2008, pp. 137–161.
- [8] P. Gauttam, B. Singh, S. Singh, S. L. Bika, and R. P. Tiwari, "Education as a soft power resource: A systematic review," Heliyon, vol. 10, no. 1, p. e23736, Jan. 2024, doi: 10.1016/j.heliyon.2023.e23736.
- [9] U. S. Congress, "United States Information and Educational Exchange Act of 1948," Public Law, vol. 402.
- [10] E. M. [D-M. Sen. Kennedy, "S.2505 - 107th Congress (2001-2002): Cultural Bridges Act of 2002." Accessed: Jul. 17, 2026. [Online]. Available:
<https://www.congress.gov/bill/107th-congress/senate-bill/2505>
- [11] "YES Programs (en-US," in YES Programs (en-US), 2025. [Online]. Available: <https://yesprograms.org>
- [12] "YES Abroad (en-US," in YES Abroad (en-US), 2015. [Online]. Available:
<https://www.yes-abroad.com>.
- [13] "YES Abroad /countris(en-US," in YES Abroad (en-US), 2015. [Online]. Available:
<https://www.yes Abroad.com>
- [14] Stategov, "youth-leadership-program." 2025. [Online]. Available:
<https://exchanges.state.gov/non-us/program/youth-leadership->
- [15] "Iylep.org Program, "iylep." 2025. [Online]. Available:
<https://www.iylep.org/>
- [16] E. Proficient, "Iraqi Young Leaders Exchange Program," Iylep.org, 2025, [Online]. Available:
<https://www.iylep.org/iylep-high-school-english/>
- [17] "TYLEP Emerging English – Iraqi Young Leaders Exchange Program," Iylep.org, 2025, [Online]. Available: <https://www.iylep.org/iylep-high-school-arabic/>
- [18] Stategov, "study-us-institutes-." 2025. [Online]. Available:
<https://exchanges.state.gov/non-us/program/study-us-institutes>



- [19]”Leaders Program, “student-leaders-program (MEPI,” Aug, vol. 29, 2025, [Online]. Available: <https://mepi.state.gov/student-leaders-program>
- [20] M.E.P.I., “about The U.S.-Middle East Partnership Initiative (MEPI), Jul, vol. 02, 2025, [Online]. Available: <https://mepi.state.gov/about>
- [21] Global, “Iraqi Young Leaders Exchange Program | Texas Global,” Texas Global. [Online]. Available: <https://global.utexas.edu/innovation/customized-programs/programs>
- [22] Tomorrow’s Leaders Program,” The U.S.-Middle East Partnership Initiative (MEPI,” Sep. [Online]. Available: <https://mepi.state.gov/tomorrows-leaders-program>
- [23] “Iraq Scholars and Leaders Program | IIE,” IIE. [Online]. Available: <https://www.iie.org/programs/islp>
- [24] S. IIE, “iie/programs.” [Online]. Available: <https://www.iie.org/programs>
- [25] “International Visitor Leadership Program - World Learning,” World Learning. [Online]. Available: <https://www.worldlearning.org/program/international-visitor-leadership>
- [26] “Reflections on the Impact of the International Visitor Leadership Program - Matt Madden | Exchange Programs.” Accessed: Jun. 13, 2026. [Online]. Available: <https://exchanges.state.gov/non-us/spotlight/reflections-impact-international-visitor-leadership-program-matt-madden>
- [27] world learning, “YouTube, (2025). [Online Video]. Available: <https://youtu.be/rL8xcOvVhYc>
- [28] ‘Frequently Asked Questions,’ The U.S.-Middle East Partnership Initiative (MEPI,” Sep. [Online]. Available: <https://mepi.state.gov/about-mepi/faqs>
- [29] I. Wilson, “Ends Changed, Means Retained: Scholarship Programs, Political Influence, and Drifting Goals,” Br. J. Polit. Int. Relat., vol. 17, no. 1, pp. 130–151, Feb. 2015, doi: 10.1111/1467-856X.12012.
- [30] S. Wilkins, “Who benefits from foreign universities in the Arab Gulf States?,” Aust. Univ. Rev., vol. 53, no. 1, pp. 73–83, 2011.
- [31] “American University of Beirut,” AUB.edu.lb. [Online]. Available: <https://www.aub.edu.lb>
- [32] “The American University in Cairo,” AUC.edu. [Online]. Available: <https://www.aucegypt.edu>
- [33] “About Us,” Edu.krd. [Online]. Available: <https://auis.edu.krd/about-us>
- [34] “FAQ/krd,” Edu.krd. [Online]. Available: <https://auis.edu.krd/faq>
- [35] “auk/centers,” Edu.krd.” 2023. [Online]. Available: <https://auk.edu.krd/centers-and-research/k-19-initiative-in-kurdistan>
- [36] “Research at AUIS,” Edu.krd.” [Online]. Available: <https://auis.edu.krd/research-auis>
- [37] “Undergraduate Alumni Survey Report 2017 Student Services Department,” 2018.
- [38]” Edu.krd AUK, “about-auk.” [Online]. Available: <https://auk.edu.krd/about/about-auk>
- [39] “auk ‘Colleges and General Education,’ Edu.krd.” 2025. [Online]. Available: <https://auk.edu.krd/academics/colleges>
- [40] “auk ‘Office of Career Services,’ Edu.krd.” [Online]. Available: <https://auk.edu.krd/student-life/office>
- [41] American University of Iraq–Baghdad (AUIB)”, “The American University of Baghdad.” [Online]. Available: <https://auib.edu.iq>
- [42] “(AUIB)The American University of Iraq academics.” [Online]. Available: <https://auib.edu.iq/academics>

- [43] “Career Services Office |,” The American University of Iraq.” Baghdad. [Online]. Available: <https://auib.edu.iq/student-affairs/career-services-office>
- [44] “Center for Policy Research |,” The American University of Iraq.” Baghdad. [Online]. Available: <https://auib.edu.iq/center-for-policy-research>
- [45] “About,” Fulbright.” Oct. 06, 2025. [Online]. Available: <https://www.fulbrightprogram.org/about>
- [46] “[34]“Foreign Fulbright Program - Foreign Student Program,” in foreign.fulbrightonline.org. [Online]. Available: <https://foreign.fulbrightonline.org/about/foreign>
- [47] F. Fulbright, “Program - FLTA Program,” Fulbrightonline.org, 2025, [Online]. Available: <https://foreign.fulbrightonline.org/about/flta>
- [48] “Who We Are | Amideast,” Amideast.org. [Online]. Available: <https://www.amideast.org/about>
- [49] “Find a Scholarship or Exchange Program | Amideast Iraq,” Amideast.org. [Online]. Available: <https://www.amideast.org/iraq/find-a-scholarship>
- [50] “Take a Test | Amideast Iraq,” Amideast.org. [Online]. Available: <https://www.amideast.org/iraq/take>
- [51] “About IIE,” [39] “About IIE | IIE,” IIE. [Online]. Available: <https://www.iie.org/about/>
- [52] “Find an Event,” EducationUSA, Feb. [Online]. Available: <https://educationusa.state.gov/find>
- [53] “Home,” State.gov/iwp.” 2025. [Online]. Available: <https://exchanges.state.gov/non-us/iwp>
- [54] “Home,” State.gov/onebeat.” 2025. [Online]. Available: <https://exchanges.state.gov/non-us/program/onebeat>
- [55] “Home,” State.gov/sports-visitor.” 2025. [Online]. Available: <https://exchanges.state.gov/non-us/program/sports-visitor>
- [56] “Our Mission | International Center for Journalists.” Accessed: Jul. 13, 2026. [Online]. Available: <https://www.icfj.org/about>
- [57] “2025 News Corp Media Fellowship for Digital Innovation | International Center for Journalists.” Accessed: Jun. 06, 2026. [Online]. Available: <https://www.icfj.org/our-work/2025-news-corp-media-fellowship-digital-innovation>
- [58] Accessed: Jun. 13, 2026. [Online]. Available: <https://exchanges.state.gov/non-us/spotlight/culinary-diplomacy>
- [59] “The Experiment Digital - World Learning,” World Learn. Mar, vol. 18, 2025, [Online]. Available: <https://www.worldlearning.org/program/the-experiment-digital>
- [60] “CanCode - World Learning.” [Online]. Available: <https://www.worldlearning.org/program/kids-can-code>
- [61] “stem.” [Online]. Available: <https://www.worldlearning.org/story/how-a-partnership-is-paving-the-way-to-stem->
- [62] “U.S. Department of State, Bureau of Educational and Cultural Affairs, “American Spaces 2024 Annual Report.”
- [63] “English Language Investment and Training for Economic Success -,” World Learning.” [Online]. Available: <https://www.worldlearning.org/program/english-language-investment>
- [64] “Young Iraqi Professionals Find Their Direction Through Bawsala Career Mentorship Program - World Learning,” World Learning. [Online]. Available: <https://www.worldlearning.org/story/young-iraqi-professionals-find->



[their-direction](#)

[65] M. [R-F.-26 Rep. Diaz-Balart, “Text - H.R.8771 - 118th Congress (2023-2024): Department of State, Foreign Operations, and Related Programs Appropriations Act, 2025.” Accessed: Jun. 11, 2026. [Online]. Available: <https://www.congress.gov/bill/118th-congress/house-bill/8771/text>

[66] “Zero-Gap-Fund-2024-State-of-the-Portfolio-Report-Final.”

[67] “[50]“History - World Learning Inc,” World Learning Inc. [Online]. Available: <https://www.worldlearninginc.org/about-us/history>

[68] ““Where We Work - World Learning,” World Learning.” [Online]. Available: <https://www.worldlearning.org/where-we-work/?region=middle-east-and-north>

[69] U. S. A. for I. Development, “U.S. Agency for International Development.” Accessed: Jul. 13, 2026. [Online]. Available: <https://www.usaid.gov>

[70]” Accessed: Jul. 13, 2026. [Online]. Available: <https://www.yjc.ir/fa/news/8908528>

[71] “Iraq – Revitalization of Iraqi Schools and Education Stabilization | Creative Associates International.” Accessed: Jun. 13, 2026. [Online]. Available: <https://www.creativeassociatesinternational.com/past-programs/iraq-revitalization-of-iraqi-schools-and-stabilization-of-education-rise>

[72] “Jordan – Technical Assistance Program | Creative Associates International.” Accessed: Jun. 13, 2026. [Online]. Available:

<https://www.creativeassociatesinternational.com/past-programs/jordan-technical-assistance-program>

[73] “Jordan Education Reform Support Program | Creative Associates International.” Accessed: Jun. 13, 2026. [Online]. Available: <https://www.creativeassociatesinternational.com/past-programs/jordan-education-reform-support-program>

[74] “Yemen – Gateway to Education | Creative Associates International.” Accessed: Jun. 13, 2026. [Online]. Available: <https://www.creativeassociatesinternational.com/past-programs/usaaid-yemen-gateway-to-education>

[75] “Yemen – Social Livelihood Project | Creative Associates International.” Accessed: Jun. 13, 2026. [Online]. Available: <https://www.creativeassociatesinternational.com/past-programs/yemen-community-livelihood-project>

[۷۶] ح. دانایی فرد، نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی: گذشته، حال و آینده. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۸.



عنوان: مطالعه و بررسی راهبردها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی آمریکا برای نوجوانان و جوانان غرب آسیا و شمال آفریقا

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21942>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11998.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

راهبردهای آموزشی و فرهنگی آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا-پرورش راهبران جوان، گسترش آموزش عالی، دیپلماسی فرهنگی و توانمندسازی اقتصادی-هریک با برنامه‌هایی متنوع، در صدد طراحی زیست‌بومی برای تربیت نخبگان و راهبرانی همسو با منافع آنهاست.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir